





خانواده مطالوب

مجموعه درس نامه های رسم زندگی
(همسر یابی، همسر داری، فرزند پروری)

سرشناسه: پارچه باف (مهدی زاده). رضا
عنوان: رسم زندگی مجموعه درس نامه های همسریابی، همسررداری و فرزندپروری
تکرار نام پدیدآور: رضا پارچه باف (مهدی زاده) تهیه و تنظیم موسسه تربیتی تبلیغی رویش
(مسلک داران) مهدوی

مشخصات ظاهری: ۰۰۰ ص.

ISBN: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۵۵۱ - ۷۵ - ۴

۷۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان دیگر: مجموعه درسنامه همسریابی، همسررداری و فرزندپروری
موضوع: اسلام و خانواده

موضوع: خانواده - جنبه های مذهبی - اسلام

موضوع: راه و رسم زندگی (اسلام)

موضوع: زناشویی (اسلام)

شناسه افزوده: موسسه تربیتی-تبلیغی رویش (مسلک داران) مهدوی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴. ۵ ر ۲ پ / ۱۷ / ۲۳۰ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۸۱۶۹۲

رسم زندگی؛ مجموعه درسنامه مهارت‌های همسریابی، همسررداری و فرزندپروری
رضا پارچه باف (مهدی زاده)

تهیه و تنظیم: مؤسسه تربیتی - تبلیغی رویش (مسلک داران) مهدوی

چاپ: چهارم / ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۵۵۱ - ۷۵ - ۴

طرح جلد و صفحه بندی: محسن بهرامی

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است

شماره سامانه: ۳۰۰۰۷۶۵۰۰۵۴۱۹

۱ و ۳۷۷۱۶۸۵۰ (۰۲۵) - ۰۹۱۲۷۵۹۵۲۰۵



فهرست:

مقدمه / ۷

بخش اول: مهارت‌های همسریابی و همسرداری / ۹

فصل اول: مهارت همسریابی / ۱۰

درس اول: فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده / ۱۰

درس دوم: ملاک‌های ازدواج موفق / ۳۰

فصل دوم: مهارت‌های همسرداری / ۳۰

درس چهارم: وظایف اخلاقی زنان / ۴۳

درس پنجم: رضایت و آرامش در خانواده / ۵۲



بخش دوم: مهارت‌های فرزندپروری / ۵۷

فصل اول: حقوق فرزندان / ۵۸

درس ششم: حقوق کودک قبل از تولد / ۵۸

درس هفتم: حقوق کودک در بدو تولد / ۶۳

فصل دوم: اصول و روش‌های تربیت فرزند / ۷۱

درس هشتم: اصول تربیت فرزند / ۷۱

درس نهم: روش‌های تربیت فرزند / ۸۳

فصل سوم: پرورش محبت اهل‌بیت در فرزندان / ۱۰۳

درس دهم: اهمیت محبت اهل‌بیت در خوشبختی فرزندان / ۱۰۳

فصل چهارم: تربیت جنسی / ۱۱۲

درس یازدهم: اصول تربیت جنسی فرزندان / ۱۱۲

منابع و مآخذ / ۱۱۸



مقدمه

موفیقت، نشاط، تعالی و پیشرفت یا ناکامی، دلسردی، زوال و گسست در زندگی، ریشه در میزان شناخت و آگاهی افراد نسبت به مهارت‌های زندگی دارد و فراگیری این مهارت‌ها، مانع بسیاری از آسیب‌ها و معضلات خانوادگی است.

در این مجموعه، مهمترین درسنامه‌های مهارت‌های زندگی ویژه والدین و مربیان گرامی، براساس آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام تقدیم خواهد شد، این کتاب شامل دو بخش و یازده درس می‌باشد. بخش اول در مورد مهارت‌های همسریابی و همسررداری و بخش دوم تربیت فرزندان است.

بخش اول، دارای دو فصل است. فصل اول در مورد مهارت‌های همسریابی، فلسفه ازدواج و راه‌های شناخت و گزینش همسر می‌باشد. فصل دوم که درباره مهارت‌های همسررداری است، وظایف شرعی و اخلاقی زن و شوهر را بیان می‌کند.

در این فصل به مهارت‌های ارتباطی، کلامی، شنیداری، گفتاری، مهارت احترام دو جانبه، حفظ عزت و اقتدار مردانگی، غیرتمندی زنان و مسائلی از این قبیل، با استفاده از روایات می‌پردازد، در پایان این فصل، مواردی که موجب رضایت‌مندی خانواده‌ها از زندگی مشترک و اسلامی می‌شود، نیز بیان شده است.

در بخش دوم کتاب با عنوان مهارت تربیت فرزند در چهار فصل مهم به حقوق فرزندان در دین مبین اسلام، اصول و روش‌های تربیت اسلامی، آموزش و پرورش دستورات دینی هم‌چون پرورش محبت اهل بیت علیهم السلام و راه‌های انتقال این محبت، تربیت جنسی و اصول آن اشاره شده است.

در پایان از همه مسئولین و پژوهشگران مؤسسه رویش مهدوی بویژه خانم زهرا شاه‌جعفری، تشکر مینمائیم.

رضا پارچه‌باف (مهدی‌زاده)

شهریور (ص) ۳۹۴



بخش اول

مهارت‌های همسریابی
و همسر داری

فصل اول: مهارت همسر یابی درس اول: فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده

فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده

خداوند بلند مرتبه در قرآن، خلقت زن و شوهر و محبت و مودت دلبستگی) میان آنها را از نشانه‌های حکمت خود معرفی می‌کند.^۱

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«هیچ کانونی در اسلام بر پا نشده است که نزد خداوند محبوب‌تر و عزیزتر از ازدواج باشد».^۲

و هم‌چنین امام صادق (ع) می‌فرماید:

«دو رکعت نماز انسانی که ازدواج کرده بالاتر از هشتاد و دو رکعت نماز فردی است که ازدواج نکرده است».^۳

بشر، نوعی آفریده شده است که زن و مرد در این میان، کامل‌کننده نیازهای روحی و روانی یکدیگر باشند و هر یک بدون دیگری احساس فقر و نیاز کنند. دختر در ساختار وجودی خویش خواستار مرد آفریده شده است. او به دنبال تکیه‌گاه استواری است که در فراز و نشیب زندگی یار، یاور و حامی او باشد.

أَوَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. روم، آیه ۱۲.

۲ «ما بنی فی الاسلام بناء احب الی الله عزوجل و اعز من التزویج». مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۱۳۵.

۳ «رکعتان من المتأهل خیر من اثنینین و ثمانین رکعة من العزب». نهج الفصاحة، ص ۴۰۵.



پسر نیز پس از بلوغ به طور طبیعی سرشار از کشش‌های غریزی است و برای کسب محبت، مراقبت از شهوت و رشد توانایی‌های اجتماعی به همراهی و پیوند عمیق با جنس مخالف نیاز دارد.

پس با توجه به نیاز طبیعی دختر و پسر به یکدیگر، ازدواج، پاسخی درست و کامل به این نیاز است که در آن زن و مرد زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند و پیمان می‌بندند که هم‌صحت، یاور و غمخوار یکدیگر باشند.

ازدواج بهترین پاسخ به نیازهای عاطفی و جنسی انسان است و نیازهای فراوانی را برطرف می‌کند؛ از جمله مهم‌ترین آثار ازدواج، آرامش و سکون، حرکت به سوی کامل‌شدن دین و معنویت، بقای نسل، توانا شدن در زمینه‌های فردی و اجتماعی، سلامت و امنیت و سرانجام برآورده‌شدن (نیازهای جنسی، روانی و اجتماعی فرد را می‌باشد که در ادامه به آیات و روایات و حکمت‌های آن اشاره می‌شود:

یک. زمینه‌ای جهت تمرین و کسب کمالات الهی

هیچ انسانی به تنهایی کامل نیست به همین جهت پیوسته می‌خواهد که نقص و کمبود خویش را جبران کند. جوانان با گزینش همسری شایسته، اسباب رشد خود را فراهم کرده و در مسیر زندگی از نظرات، تشویق‌ها و حمایت‌های یکدیگر بهره‌مند می‌شوند.

شهید مطهری (ره) درباره نقش تربیتی ازدواج می‌گوید:

«یک خصایص اخلاقی هست که انسان جز در مکتب تشکیل خانواده نمی‌تواند آن‌ها را کسب کند. [تشکیل خانواده] یعنی یک نوع علاقه‌مند شدن به سرنوشت دیگران. تا انسان زن نگیرد و بچه پیدا نکند و آن بچه به شدت عواطف او را تحریک نکند و به فرض در مواقعی که مریض می‌شود او را به هیچان نیاورد یا لبخند بچه در او اثر نگذارد، علاقه‌مندشدن به سرنوشت دیگران در او پدید نمی‌آید و با مطالعه کتاب، این امر در او پیدا نمی‌شود.

تجربه نشان داده است که اخلاقیون و ریاضت‌کش‌ها که این دوران را نگذرانده‌اند تا آخر عمر یک نوع خامی و یک نوع بچگی در آن‌ها وجود داشته است و یکی از علل این‌که در اسلام ازدواج یک امر مقدس و یک عبادت تلقی شده، همین است در حالی که از نظر مسیحیت، مجرد بودن، مقدس است و ازدواج، پلیدی و کسانی اجازه می‌گیرند ازدواج کنند که تحمل مجرد بودن را ندارند یعنی اگر مجرد بمانند فاسد می‌شوند و بنابراین از باب دفع افسد به فاسد می‌گویند باید ازدواج کرد.



از این رو پاپ مسیحیان از میان مجرّم‌ها انتخاب می‌شود که در تمام عمر این آلودگی را پیدا نکرده است. در اسلام برخلاف مسیحیت است:

«مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ»^۴ دوست داشتن زنان از اخلاق انبیاء است.»

پس ازدواج اولین مرحله خروج از خودِ طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. بعد از ازدواج، وقتی می‌خواهیم کار کنیم برای من تنها نیست؛ آن «من» تبدیل به «ما» می‌شود به طوری که انسان آن قدر به سرنوشت خانواده علاقه‌مند است که به سرنوشت شخص خودش توجه نمی‌کند و رنج می‌برد تا آن‌ها در آسایش باشند»^۵.

همچنین شهید مطهری (ره) می‌فرماید:

«یک پختگی هست که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود، در مدرسه پیدا نمی‌شود، در جهاد نفس، نماز شب و ارادت نیکان پیدا نمی‌شود، این را فقط در همین ازدواج و تشکیل خانواده باید به دست آورد»^۶.

دو. عمل به سنت پیامبر اکرم (ص)

از سفارشات پیامبر گرامی اسلام (ص)، سفارش به ازدواج و تشکیل خانواده است، پیامبر اکرم (ص) مجرد ماندن را کاری ناشایست و ازدواج و زمینه‌ای جهت محبت به همسر و فرزندان را سنت خویش قلمداد می‌نمودند.

بنابراین یکی از اهداف ازدواج، عمل به سفارش پیامبر اکرم (ص) است تا از این منظر اسباب رضایت خدا و رسولش را حاصل کرده باشیم، همچنین از سیره و روش اشرف مخلوقات عالم، که بهترین الگوست، تبعیت کرده باشیم.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«ازدواج سنت من است و هر که از سنت من سرپیچی کند از من نیست»^۷.

۴ کافی، ج ۵، ص ۲۳۰.

۵ آثار شهید مطهری؛ رح؛ ج ۲۲، ص ۸۶.

۶ همان

۷ «النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي». جامع الاخبار، ص ۱۰۱.



سه. حفظ دین

جوانی که به سن ازدواج رسیده و همواره با خواسته‌های درونی خود درگیر است اگر نتواند به کشش‌های درونی خویش جواب دهد، نمی‌تواند درست زندگی کند تا جایی که ممکن است در اثر سرکوب شدن خواهش‌ها، دین خود را هم از دست بدهد و نتواند با آرامش عبادت خدا را انجام دهد به همین دلیل است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر کس ازدواج کند نصف دین خویش را بدست آورده پس باید در نصف باقی، تقوا پیشه کند و خویش را حفظ نماید».^۸

چهار. ارزشمند شدن اعمال

به قدری، امر ازدواج می‌تواند در رشد و تعالی انسان مؤثر واقع گردد که امام صادق (ع) می‌فرماید: «دو رکعت نمازی که انسان ازدواج کرده می‌خواند برتر از هفتاد رکعت نماز انسان مجرد است».^۹

محمد بن عیسی از قَدَاح از امام صادق (ع) روایت کرد که فرمودند: مردی پیش پدرم آمد، پدرم به او گفت: آیا زن داری؟ جواب داد: نه، پدرم فرمود: دوست ندارم که دنیا و هر چه در آن است مال من باشد و من شبی بدون همسر بخوابم سپس فرمود:

دو رکعت نمازی که مرد، با همسر می‌خواند بهتر است از مرد مجردی که شب و روزش را در نماز خواندن و روزه باشد، سپس هفت دینار را به او هدیه داد و فرمود: با این پول ازدواج کن.^{۱۰}

پنج. گشایش در روزی

یکی از روش‌های معنوی در فراوانی رزق مادی، ازدواج و تشکیل خانواده است؛ از آن جا که خداوند متعال رازق بوده، هر کس هم صفتی از صفات الهی را در خود ایجاد نماید مثل این که واسطه رزق دیگران بشود، مورد عنایت خدا قرار خواهد گرفت؛ یکی از راه‌های وساطت در رزق، ازدواج و خرجی دادن اهل و عیال است که این عمل رزق و روزی مادی را نیز به همراه خواهد داشت؛ بنابراین پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

۸ «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَخْرَزَ نَفْسَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْبَاقِي». الحكيم الزاهرة، ترجمه انصاری، ص ۳۴.

۹ «رَكَعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيهِمَا غَيْرُ مُتَزَوِّجٍ». ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۴.

۱۰ «مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنِ الْقَدَاحِ عَنِ الصَّادِقِ (ع) قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَيَّ أَبِي فَقَالَ لَهُ هَلْ لَكَ زَوْجَةٌ قَالَ لَا قَالَ لَا أَحِبُّ أَنْ لِي الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَ أُنِّي أَيْبَتُ لِبَيْتِ لَبْنَةَ لَيْسَ لِي زَوْجَةٌ قَالَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَكَعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ يَقُومُ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ أَعْرَبَ ثُمَّ أُعْطَاهُ أَبِي سَبْعَةَ دِينَائِرٍ قَالَ تَزَوَّجْ بِهِدِهِ وَ حَدَّثَنِي بِذَلِكَ سَنَةَ ثَمَانٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةً ثُمَّ قَالَ أَبِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) اتَّخَذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقَ لَكُمْ». بحار الانوار، ط بيروت، ج ۱، ص ۷۱۲.



«خانواده تشکیل بدهید که این عمل، روزی را به همراه خواهد داشت»^{۱۱}.

پیامبر اکرم (ص) به شخصی که از مشکل مالی در محضر ایشان شکایت می کرد، فرمودند: «ازدواج کن. این شخص ازدواج کرد و در رزق و روزیش توسعه پیدا شد»^{۱۲}. بنابراین ازدواج، افزون بر کامل کردن دین به پیشرفت اقتصادی می انجامد؛ وعده خداوند در سوره نور و گفتار پیشوایان دینی در این باره نیز به این معنا اشاره می کنند.

شش. حصول آرامش

نیاز به آرامش که ریشه در سرشت آدمی دارد بر اساس دستورات اسلام یکی از مهم ترین و شاید نخستین انگیزه ازدواج شمرده می شود. ازدواج در حقیقت، کانونی تشکیل می دهد که در آن زن و مرد احساس آرامش کنند؛ زیرا زنان و مردان آرامش دهنده روح و روان یکدیگرند و در قرآن آمده است:

«یکی از نشانه های خداوند این است که برای شما همسری از جنس خودتان آفرید تا با او انس بگیرید و در کنارش آرامش یابید»^{۱۳}.

همچنین از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که می فرمایند: «برای مؤمن چه سودی بهتر از زن شایسته که هرگاه او را می بیند، شادمان شود».

هفت. فرزندان صالح و نسل پاک

یکی از سعادت های انسان مؤمن و برکتهای ازدواج، آوردن فرزندان نیکو و زیاد نمودن دوستداران اهل بیت علیهم السلام می باشد.

چه خوشبختی ای از این بالاتر که انسان واسطه ای در ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام و اولیای الهی در قلوب دیگران بشود؛ که یکی از روش های این کار، ازدواج است؛ زیرا با این کار حداقل می توانیم

۱۱ «اتخذوا الأهل فإنه أرزق لكم وَ قَالَ تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ فَإِنَّهُنَّ يَأْتِينَ بِالْمَالِ». درر الاخبار، ص ۸۱۷؛ مکارم الاخلاق، ص ۶۹۱.

۱۲ «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَشَكَاَ إِلَيْهِ الْحَاجَةَ فَقَالَ تَزَوَّجْ فَتَزَوَّجَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ». کافی، ج ۵، ص ۳۳۰.

۱۳ روم، آیه ۱۲.



یک دوست به دوستان اهل بیت علیهم السلام اضافه نماییم. همچنین فرزند صالح، مانند صدقه جاریه‌ای است که هر کار نیکی از او سر بزند، ثوابی هم به پدر و مادرش خواهد رسید و زمینه آموزش آن‌ها را فراهم خواهد کرد.^{۱۴}

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«حضرت مسیح (ع) بر قبری عبور کرد که صاحب آن در عذاب بود. سال بعد از کنار همان قبر گذشت و صاحبش را در آرامش یافت، از خداوند درخواست نمود که او را از علت تغییر وضع آن شخص آگاه سازد. خداوند به حضرت مسیح (ع) وحی فرستاد که صاحب قبر، فرزند صالحی از خود به جای گذاشته که به دو کار خیر دست زده است، یکی آن که راهی را برای عبور مردم درست کرده و دیگر آن که یتیمی را مسکن و پناه داده است و من گناه این پدر را به احترام عمل فرزندش بخشیدم».^{۱۵}

۱۴ به همین مضمون حدیثی از معصومین نقل شده است که می‌فرمایند: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا عَنْ ثَلَاثٍ وَوَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ وَ عِلْمٍ يَنْتَفِعُ بِهِ بَعْدَهُ وَ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ». جامع الاخبار، شعیری، ص ۵۰۱.

۱۵ «مَرَّ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (ع) بِقَبْرِ يَعْذَبُ صَاحِبُهُ ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يَعْذَبُ فَقَالَ يَا رَبِّ مَرَرْتُ بِهِذَا الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلِ فَكَانَ صَاحِبُهُ يَعْذَبُ ثُمَّ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يَعْذَبُ فَأَوْحَى إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ يَا رُوحَ اللَّهِ إِنَّهُ أَدْرَكَ لَهُ وَوَلَدٍ صَالِحٍ فَأُصَلِّحُ طَرِيقًا وَ أَوْى يَتِيمًا فَفَعَلْتُ لَهُ بِمَا عَمِلَ ابْنُهُ قَالَ وَ قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (ع) لِيُحْيِي بَيْنَ زَكَرِيَّا (ع) إِذَا قِيلَ فَيْكَ مَا فَيْكَ فَأَعْلَمَ أَنَّهُ ذَنْبٌ ذَكَرْتَهُ فَاسْتَغْفِرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ إِنْ قِيلَ فَيْكَ مَا لَيْسَ فَيْكَ فَأَعْلَمَ أَنَّهَا حَسَنَةٌ كَتَبْتَ لَكَ لَمْ تَتَّعِبْ فِيهَا». الأمالی، صدوق، ص ۲۱۵.



درس دوم: ملاک‌های ازدواج موفق

کفویت (همتایی و یکسان بودن)

از نظر اسلام، کفویت فقط در ایمان، دین داری و اخلاق است. ما این سه مورد را ویژگی‌های بایسته و موارد دیگر را که بیان می‌شود، ویژگی‌های شایسته می‌نامیم.

دلیل بر این ادعا، سیره تربیتی پیامبر اکرم(ص) است؛ زیرا کفویت در زمان پیامبر اکرم(ص) به جایگاه طبقاتی و قبیله‌ای هر شخص تفسیر می‌شد و به خاطر این، پیامبر اکرم(ص) برای شکستن این نوع تفکر و جلوگیری از این گونه انحراف‌ها، ایمان و اسلام را به عنوان شرط بایسته و ضروری در امر ازدواج معرفی می‌نمودند و عقد ازدواج را بدون آن‌ها باطل می‌دانستند. ایشان دختر عموی خودشان را که از قبیله بزرگ و مشهور قریش بود به عقد مقدار-برده آزاد شده و گمنام- درآورد^{۱۶} تا کوچک‌ترین واحد جامعه اسلامی بر اساس ایمان به خدا تشکیل شود.

بهترین نمونه و داستان برای کافی بودن شرط ایمان و اخلاق در ازدواج، داستان عجیب جویبر و ذلفا است که پیامبر اکرم(ص)، جویبر را با وجود فقر، تنگدستی و نداشتن چهره‌ای زیبا، سفارش به ازدواج با ذلفا نمود؛ درحالی که ذلفا از خانواده بسیار ثروتمند و جویبر از فقیران مدینه بود. اما چون این دختر، از ایمان بالایی برخوردار بود، سفارش پیامبر اکرم(ص) را پذیرفت. حضرت نیز به پدر دختر فرمودند: کفو(همتای) زن مؤمن، مرد مؤمن است و شرط دیگری نگذاشتند.

۱۶ عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۸.



هم چنین فرمودند:

«وَمَا أَعْلَمُ يَا جُوَيْرُ لَأَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَيْكَ الْيَوْمَ فَضْلًا إِلَّا لِمَنْ كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ مِنْكَ وَأَطَوَعَ؛^{۱۷} ای جویر هیچ شخصی از مسلمین بر تو برتری ندارد مگر این که تقوایش از تو بیشتر باشد».

بایستگی‌ها

در این قسمت به صفات و ملاک‌هایی که هر شخصی باید برای ازدواج به آن توجه داشته باشد، اشاره می‌کنیم.

یک. تشابه اعتقادی

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«مؤمن کفو و همتای مؤمن است و مرد مسلمان کفو و همتای زن مسلمان است».^{۱۸}

از جهت فقهی نیز در رساله‌های مراجع بزرگوار، بدین مطلب اشاره شده است؛ از این رو فتوای امام خمینی (ره) در این باره چنین است:

«زن مسلمان نمی‌تواند به عقد کافر درآید. مرد مسلمان هم نمی‌تواند با زن‌های غیر کتابیه (غیر ادیان آسمانی) به‌طور دائم، ازدواج کند و به احتیاط واجب، ازدواج دائم با زن‌های کافر اهل کتاب جایز نیست ولی عقد موقت خواندن با زنان اهل کتاب مانند یهودی‌ها و نصرانی‌ها مانعی ندارد».^{۱۹}

دو. اخلاقی

اخلاق هر انسانی اثر مستقیم بر زندگی او دارد. این اثر در محیط خانواده بسیار محسوس و نقش آفرین است؛ زیرا در خانواده، مسئله‌های عاطفی بر دیگر موارد غلبه دارد و محیط خانواده بیشتر بر

۱۷ «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) نَظَرَ إِلَى جُوَيْرِ ذَاتِ يَوْمٍ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ لَهُ وَ رَقَّةً عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ: يَا جُوَيْرُ، لَوْ تَزَوَّجْتَ امْرَأَةً فَفَعَفَتْ بِهَا فَرُجَكَ، وَ أَعَانَتْكَ عَلَى دُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ. فَقَالَ لَهُ جُوَيْرُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ -بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي- مَنْ يَرْغَبُ فِي؟ فَوَجَّهَهُ اللَّهُ مَا مِنْ حَسَبٍ وَ لَانْسَبٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَا جَمَالٍ، فَأَيُّهُ امْرَأَةٌ تَرْغَبُ فِي؟ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا جُوَيْرُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَضَعَ بِالْإِسْلَامِ مَنْ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ شَرِيفًا، وَ شَرَفَ بِالْإِسْلَامِ مَنْ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَضِيعًا، وَ أَعَزَّ بِالْإِسْلَامِ مَنْ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ ذَلِيلًا، وَ أَذْهَبَ بِالْإِسْلَامِ مَا كَانَ مِنْ نَحْوَةِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ تَفَاخَرَهَا بِعَشَائِرِهَا وَ بَاسِقِ أَنْسَابِهَا، فَالْإِسْلَامُ الْيَوْمَ كَلِمَةٌ -أَبْيَضُهُمْ وَ أَسْوَدُهُمْ، وَ قَرَشِيَّتُهُمْ وَ عَرَبِيَّتُهُمْ وَ عَجَمِيَّتُهُمْ- مِنْ آدَمَ، وَ إِنَّ آدَمَ خَلَقَهُ اللَّهُ مِنْ طِينٍ، وَ إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيَّ اللَّهُ -عَزَّ وَجَلَّ- يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَطْوَعُهُمْ لَهُ وَ اتَّقَاهُمْ، وَ مَا أَعْلَمُ يَا جُوَيْرُ لَأَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَيْكَ الْيَوْمَ فَضْلًا إِلَّا لِمَنْ كَانَ اتَّقَى لِلَّهِ مِنْكَ وَأَطَوَعَ». کافی، دارالحدیث، ج ۱، ص ۳۱۶.

۱۸ «الْمُؤْمِنُ كَفُوٌ لِلْمُؤْمِنَةِ وَ الْمُسْلِمُ كَفُوٌ لِلْمُسْلِمَةِ». کافی، ج ۵، ص ۱۴۳.

۱۹ رساله عملیه امام خمینی (ره).



مبنای ویژگی‌های اخلاقی افراد شکل می‌گیرد.

اگر افراد خانواده از اخلاقی نیکو بهره‌مند باشند، محیط خانواده تبدیل به بهشتی سرورانگیز خواهد شد و چنان چه به بد اخلاقی خو گرفته باشند، همواره خود را در جهنمی سوزان گرفتار خواهند دید.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«با کسی که اخلاق و دینش مورد پسند باشد ازدواج کنید؛ اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد».^{۲۰}

فردی از امام رضا (ع) پرسید:

«برای دخترم خواستگاری آمده که بد اخلاق است آیا دخترم را به او بدهم؟»

حضرت (ع) فرمودند:

«لا تزوجه ان كان سيئ الخلق»^{۲۱}

اگر بد اخلاق است، دخترت را به او نده.

همسر بد اخلاق و ناسازگار، مایه غم، اندوه و کدورت می‌شود و طراوت و شادابی را از انسان دور می‌کند.

پیامبر اکرم (ص) دعا می‌فرمودند که:

«اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ... وَ مِنْ زَوْجَةٍ تُشِيبُنِي قَبْلَ اَوَانِ مَشِيئِي»^{۲۲}

خدایا به تو پناه می‌برم از همسری که قبل از رسیدن پیری، پیرم کند.

امام صادق (ع) فرموده است:

«پیامبر اکرم (ص) در خطبه‌ای که برای مردم می‌خواندند، فرمودند: ای مردم! از

«خُصَاءِ الدَّمَنِ» (سبزه‌هایی که در کنار زباله‌ها روییده است) پرهیز کنید. گفتند: منظور از

۲۰ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَوْمًا وَ نَحْنُ عِنْدَهُ إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْصُونِ حَلْفَهُ وَ دِينَهُ فَرُوجُهُ قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ إِنْ كَانَ دِينًا فِي نَسَبِهِ قَالَ إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْصُونِ حَلْفَهُ وَ دِينَهُ فَرُوجُهُ إِنْكُمْ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادًا كَبِيرًا». تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۹۳، ۴۳۳، باب الكفائة في النكاح.

۲۱ وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۸.

۲۲ من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۸۵۵.



«خضراء الدمن» چیست؟ فرمودند: زن زیبایی که در محیط و خانواده‌ای بد پرورش یافته است.^{۲۳}

امام صادق (ع) فرموده است:

«برای زن نیکوکار و پسندیده نمی‌توان قدر و منزلتی تعیین کرد؛ قیمت آن سیم و زر نیست، بلکه از آن بهتر است و زن بد، ارزشش به اندازه خاک نیست؛ زیرا خاک از آن گران قدرتر است.»^{۲۴}

سه. دینداری و معنویت

سومین ویژگی بایسته این است که خواستگار او اهل دین بوده و علاقه‌مند به امور معنوی باشد. امام باقر (ع) فرمودند:

«مردی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و با ایشان درباره ازدواج، مشورت کرد. پیامبر اکرم (ص) به او فرمودند: ازدواج کن و بر تو باد ازدواج با زن متدین. خداوند به تو خیر بدهد.»^{۲۵}
مردی برای مشورت ازدواج دخترش خدمت امام حسن (ع) رسید. امام فرمودند:
«او را به مردی پاکدامن بده که اگر دوستش داشته باشد گرامیش می‌دارد و اگر دوستش نداشته باشد به او ستم نمی‌کند»^{۲۶}.

شایستگی‌ها

اما در این قسمت، به ویژگی‌هایی اشاره می‌شود که هر چند ضروری و از اصول همتایی و کفویت، محسوب نمی‌شوند، اما از صفات خوب افراد و فضایل او شمرده می‌شوند و داشتن چنین شرایطی به بهبودی رابطه‌ها، می‌افزاید؛ هر چند براساس سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام به درجه اعتبار امور بایسته نخواهند رسید:

۲۳ «قَامَ النَّبِيُّ (ص) خَطِيبًا فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي أَكُمُ وَ خُضْرَاءُ الدَّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خُضْرَاءُ الدَّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحُسْنَاءُ فِي مَنَابِتِ السُّوءِ». روضة الواعظين و بصيرة المتعصين، ج ۲، ص ۵۷۳.

۲۴ «لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ حِطْرٌ لِأَصْلِحَتِهَا وَ لَا لِطَالِحَتِهَا أَمَّا صَلِحَتُهَا فَلَيْسَ حِطْرُهَا الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ وَ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ أَمَّا طَالِحَتُهَا فَلَيْسَ التُّرَابُ حِطْرُهَا وَ التُّرَابُ خَيْرٌ مِنْهُ». همان.

۲۵ «أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ (ص) يَسْتَأْمِرُهُ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) انكِحْ وَ عَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ». کافی، ج ۵، ص ۲۳۳.

۲۶ «مَنْ كَتَبَ تَهْدِيبَ الْأَحْكَامِ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ (ع) يَسْتَشِيرُهُ فِي تَزْوِيجِ ابْنَتِهِ فَقَالَ زَوِّجْهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٌّ فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَ إِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمْهُ». مكارم الاخلاق، ص ۴۰۲.



شایستگی خانوادگی

انتخاب خانواده سالم و صالح، یکی از موارد بسیار مهمی است که در بین روایات اسلامی مورد تاکید فراوان قرار گرفته است. علاوه بر تأثیر تربیتی‌ای که خانواده بر فرزندان خود دارند، تأثیرات ژنتیکی و همچنین انتقال خصوصیات اخلاقی و رفتاری از طریق وراثت، از مواردی است که می‌تواند در امر ازدواج مورد توجه قرار گیرد.

از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که می‌فرمایند:

«از خاندان صالح، همسر بگیرید که نطفه، اثر(پنهانی) دارد(یعنی صفات و حالت‌های پدر و مادر از راه نطفه به فرزند می‌رسد)».^{۲۷}

در جای دیگر پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«به افراد هم‌سنگ و هم‌شان خود(از نظر ایمان و اصالت) زن بدهید، زنان سالم و صالحی را برای تولید مثل برگزینید و از ازدواج با زنان زنگی پرهیز داشته باشید؛ زیرا چنین زنانی(زنان زنگی) دارای اخلاقی پریشان و ناهماهنگ هستند».^{۲۸}

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«برای نطفه‌های خویش و تولید نسل دقت کنید و افراد صالحی را انتخاب کنید؛ زیرا(از نظر سلامت و اثر اخلاقی) دایی هم یکی از شریک‌های همسر است و اصالت و شایستگی را حتی در وضع دایی هم می‌توان جست و جو نمود».^{۲۹}

هم‌چنین پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«برای نطفه‌های خود(پرورش نطفه) مکان مناسب انتخاب کنید؛ زیرا زنان مانند برادران و خواهران خود، فرزند می‌آورند».^{۳۰}

۲۷ «قَالَ تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْزِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعُرْقَ دَسَّاسٌ». مکارم الاخلاق، ص ۷۹۱.

۲۸ «أَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَ انكِحُوا مِنْهُمْ وَ اخْتَارُوا لِئَلْطَفِكُمْ وَ إِيَّاكُمْ وَ نِكَاحَ الرِّجْحِ فَإِنَّهُ خَلْقٌ مُشْوَهٌ». النوادر، راوندی، ص ۲۱.

در حدیث مذکور، زنان زنگی را معرفی نموده و در آن زمان به زنانی می‌گفتند که خلق و خوی مناسبی نداشته و گویا از جهت کج خلقی، زبازد و ضرب المثل بوده‌اند.

۲۹ «اخْتَارُوا لِئَلْطَفِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَعْدُ الصَّحِيعِينَ». النوادر، راوندی، ص ۲۱.

۳۰ «تَخْتَارُوا لِئَلْطَفِكُمْ فَإِنَّ التَّسَاءَ يَلِدُنْ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَ أَخَوَاتِهِنَّ». نهج الفصاحه، ص ۱۸۳.



یک. اهل تدبیر و درایت امور

تدبیر و درایت امور زندگی یکی دیگر از مسائل مهمی است که اگر در فرد نباشد، نمی‌تواند تصمیمات به موقع و درستی را در شرایط حساس و سرنوشت ساز زندگی انتخاب کند، لذا این خصیصه نیز از صفات شایسته‌ای است که بر فضیلت همسران خواهد افزود.

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند:

«از ازدواج با زن کودن (کم عقل) بپرهیزید؛ زیرا هم‌نشینی با او مایهٔ رنج بوده و فرزندش تباہ است.»^{۳۱}

و امام صادق(ع) فرمودند:

«به مرد احمق زن بدهید ولی به زن احمق شوهر ندهید؛ زیرا ممکن است مرد احمق نجیب و سالم باشد ولی زن احمق، نجیب نمی‌شود.»^{۳۲}

پیامبر اکرم(ص) به یکی از یارانش -زیدبن ثابت- فرمودند:

«... با دوازده گروه از زنان ازدواج مکن». گفت: ای پیامبر اکرم(ص)! آن دوازده گروه کدام‌اند؟

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «با هَنْفَصَه و عَنفَصَه و شَهْبَرَه و سَلْقَلَقَه و مَذْبُوبَه و مَذْمُومَه و حَتَّانَه و مَتَّانَه و زَفَّاء و هَبْدَرَه و ذَفَّاء و لَفُوت، ازدواج نکن.»^{۳۳}

۳۱ «و إِيَّاكُمْ وَ نِكَاحَ الْحُمَمَاءِ فَإِنَّ نِكَاحَهَا قَدَرٌ وَ وُلْدُهَا ضَيَاعٌ». کمال الدین، ج ۲، ص ۴۷۵.

۳۲ «زَوَّجُوا الْأَحْمَقَ وَ لَا تَزَوَّجُوا الْحُمَمَاءَ فَإِنَّ الْأَحْمَقَ قَدْ يُنْجَبُ وَ الْحُمَمَاءُ لَا تُنْجَبُ». من لایحضره الفقیه، ترجمهٔ غفاری، ج ۵، ص ۸۲.

البته این حدیث در مقام سفارش زن دادن به مرد احمق نیست بلکه در بیان میزان انتقال صفت حماقت به فرزندان است که در زنان، این انتقال اثرگذارتر است.

۳۳ هَنْفَصَه: زنی که بلند بلند می‌خندد و قهقهه می‌زند؛ عَنفَصَه: زن نحیف یا بدزبان بی‌حیا؛ شَهْبَرَه: زن پیر ضعیف و بی‌شرم و حیا؛ سَلْقَلَقَه: زن سلیطه؛ مَذْبُوبَه: مجنون؛ مَذْمُومَه: زن پر عیب؛ حَتَّانَه: زن افسرده؛ مَتَّانَه: زن مال‌داری که با مال خود بر شوهرش مَت می‌نهد یا زن مال‌داری که به خاطر مالش با او ازدواج می‌کنند و وی بر شوهر خود مَت می‌نهد؛ زَفَّاء: زن زشت گوی زشت کردار؛ هَبْدَرَه: پیرزن گوژ پشت فریبکار؛ ذَفَّاء: بسیار پیر؛ لَفُوت: زنی که از مرد دیگری فرزنددار است. (جامع الاخبار، ص ۲۰۱).



دو. سلامتی و جوانی

به غیر از موارد و شرایط خاص، اصل بر این است که فرد جوان با جوان ازدواج کند و از جهت ظاهری دارای سلامتی نسبی باشد. پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«با دختران جوان ازدواج کنید که آنان خوش خوترند».^{۳۴}

«با باکره‌ها ازدواج کنید، زیرا آنان دهان‌های خوشبوتر، و رحم‌های پاکیزه‌تر دارند، و سریعتر آموزش می‌بینند، و مهر و مودتشان برای تحکیم پیوند خانواده استوارتر است».^{۳۵}

البته باید در نظر داشت که در شرایط مختلف، این اصل قابل تغییر است و کلیت ندارد، و تنها یک اصل اولی است؛ و در شرایط ثانوی قابل تغییر خواهد بود. بنابراین از گرفتن زن جوان در شرایطی خاص می‌توان صرف نظر نمود؛

مانند جریان جابرین عبدالله انصاری که می‌گوید:

«پیامبر اکرم(ص) از من پرسیدند آیا ازدواج کرده‌ای؟ گفتم آری. حضرت فرمود: با چه کسی؟
گفتم: با فلان زن، دختر فلان کس که زنی است بی‌شوهر در مدینه. حضرت فرمودند: چرا با جوانی که با او ملاحظه کنی و او با تو ملاحظه کند ازدواج نکردی؟
(یعنی کسی که بتوانی با او انس بگیری و عشق بازی کنی)

گفتم:

ای پیامبر اکرم(ص) زانی تنگ خلق نزد من هستند(منظورش خواهرانش بودند) و من خوش نداشتم که زنی تنگ خلق را نزد آنان بیآورم^{۳۶} و با خود گفتم که این زن بهتر امورم را جمع می‌کند.
حضرت فرمود: کار درستی کرده‌ای و هدایت یافته‌ای...».^{۳۷}

۳۴ «تزوجوا الشواب فانهن اغر اخلاقا». المجازات النبویه، ص ۲۱۳؛ نثر الدر، ج ۱، ص ۰۳۲.

۳۵ «تَزَوَّجُوا الْأَبْكَارَ فَإِنَّهُنَّ أَطْيَبُ شَيْءٍ أَفْوَها وَأَدْرَسُ شَيْءٍ أَخْلَافاً وَ أَفْتَحُ شَيْءٍ أَرْحَاماً». توحید، صدوق، ص ۵۹۳.

۳۶ احتمالاً منظور این باشد که نمی‌خواستیم در کنار خواهران جوانم، زنی جوان بی‌آورم که به خاطر هم سن و سالی، با هم حرفشان بشود، زنی پخته و بزرگتر آوردم که کفایت امورات مرا هم بکند.

۳۷ «فَقَالَ هَلْ تَزَوَّجْتَ قَلْتِ نَعَمْ قَالَ بِمَنْ قَلْتِ بِفُلَانَةَ بِنْتِ فُلَانٍ بِأَيِّمِ كَانَتْ بِالْمَدِينَةِ قَالَ فَهَلَّا فَتَاءُ تَلَاعِبُهَا وَ تَلَاعِبِكَ قَلْتِ يَا رَسُولَ اللَّهِ كُنْ عِنْدِي نَسْوَةٌ خُرْقٌ يَغْنِي أَخْوَانِي فَكَرِهْتُ أَنْ آتِيَهُنَّ بِامْرَأَةٍ خُرْقَاءَ فَقُلْتُ هَذِهِ أَجْمَعُ لِأَمْرِي قَالَ أَصَبْتَ وَ رَشِدْتُ». مكارم الاخلاق، ص ۰۲.



سه. زیبایی نسبی

یکی از اموری که در انتخاب همسر آینده، برای هر جوانی حائز اهمیت است، انتخاب فردی است که از جهت ظاهری دارای زیبایی نسبی باشد؛ اسلام عزیز هم به این روحیهی جمال دوستی، احترام گذاشته و بدان اهمیت داده است.

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«هر که می‌خواهد زن بگیرد از موی او نیز بپرسد همان طور که از زیبایی می‌پرسد زیرا که موی یکی از دو قسمت زیبایی است.»^{۳۸}

هم چنین فرمودند:

«هیچ مردی بعد از اسلام سودی بالاتر از همسر مسلمان به دستش نرسید که چون به او بنگرد مسرور گردد، چون به او فرمانی دهد اطاعت نماید و در نبود شوهر مال او و ناموس خود را حفظ کند.»^{۳۹}

چهار. سن

رعایت شرایط سنی ممکن است تا اندازه زیادی در برآورده کردن آرامش روحی دو طرف و عفت و پاکدامنی آن‌ها مفید باشد. تناسب در رابطه سنی زن و شوهر از متلاشی شدن خانواده جلوگیری می‌کند. انجام هر امری به موقع و در زمان مناسبش پسندیده است؛ ازدواج نیز از این اصل، جدا نیست.

از همین رو در حدیثی از ابو‌حیون که از امام رضا(ع) نقل کرده که:

«جبرئیل خدمت پیامبر اکرم(ص) آمده عرض کرد: ای محمد(ص)! پروردگارت به شما سلام میرساند و می‌گوید: دختران دوشیزه مثل میوه بر درخت هستند، و وقتی میوه میوه میرسد، دوایی ندارد جز چیدن، و گر نه باد و آفتاب آن را از بین می‌برند و دوشیزگان نیز وقتی بالغ شدند، دوایی ندارند جز شوهر و گر نه احتمال دارد به فتنه دچار شوند، پیامبر اکرم(ص) نیز به منبر رفته، سخنرانی فرمود و دستور خدا را به آنان ابلاغ فرمودند، مردم گفتند: به چه کس شوهرشان دهیم؟

۳۸ «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ فَلْيَسْأَلْ عَنْ شَعْرِهَا كَمَا يَسْأَلُ عَنْ وَجْهِهَا فَإِنَّ الشَّعْرَ أَحَدُ الْجَمَالَيْنِ». مکارم الاخلاق، ص ۲۰۲.

۳۹ «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ فَايَدَهُ بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ تَطْبِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ». همان.



فرمود: به افرادی که کفو و همطراز آنان باشند، پرسیدند: چه کسی کفو و همطراز محسوب می‌شود؟ فرمود: مؤمنان کفو یکدیگرند، سپس همان جا، بالای منبر، ضباعه دختر زبیر بن عبد المطلب را به عقد مقداد بن اسود در آورد، سپس فرمود: ای مردم، ضباعه دختر عمویم را به عقد مقداد در آوردم تا امر ازدواج ساده‌تر شود.^{۴۰}

تشبیه دختران به میوه‌ای که هنگام رسیدن باید چیده شود، نشان می‌دهد که دختران زمان معینی برای ازدواج دارند و اگر دیر شود آمادگی خود را از لحاظ روحی و جسمی از دست خواهند داد. به‌طور معمول افرادی که در سنین بالا ازدواج می‌کنند، سخت‌تر و حتی گاهی کمتر با همسر خود سازگاری دارند و در امر «تربیت فرزندان» نیز ناموفق‌ترند؛

زیرا محرومیت‌های روحی، عقده‌های روانی و از دست دادن جذابیت، شادابی و نشاط، مانع آسایش روانی لازم و صبر و بردباری مادر و پدر است. توصیه به ازدواج دختران در زمان مشخص به دلیل ظرافت و لطافت آن‌ها و همچنین نگهداری از این موجود ارزشمند است و سفارش به ازدواج پسران نیز در زمان خود به خاطر زیاد بودن کشش جنسی، جلوگیری از انحراف‌های جنسی و اختلاف‌های رفتاری در آنان است. بین بالا رفتن سن و افزایش توقع‌ها و ناسازگاری‌های رفتاری و کاهش شور و عشق، رابطه‌ی معنا داری وجود دارد.

راه‌های شناخت و گزینش همسر

برخی از افراد کم اطلاع از قوانین اسلام و حتی برخی از کسانی که خود را در مسئله‌های اجتماعی صاحب نظر می‌دانند، هنگام تحقیق در عوامل پیدایش اختلاف خانوادگی، ناراحتی‌های ناشی از آن و نبود توافق‌های فکری و اخلاقی و در نتیجه متلاشی شدن خانواده، چنین اظهار می‌نمایند که بیشتر ناسازگاری‌های خانوادگی از عدم ارتباط کامل دختر و پسر قبل از ازدواج، ایجاد می‌شود و این کمبود

۴۰ «نَزَلَ جَبْرِئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرِيكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ إِنَّ الْأَبْكَارَ مِنَ النِّسَاءِ بِمَنْزِلَةِ النَّمْرِ عَلَى الشَّجَرِ فَإِذَا أُبْتِغِ النَّمْرُ فَلَا دَوَاءَ لَهُ إِلَّا اجْتِنَاؤُهُ وَ إِلَّا أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَ غَبَّرَتْهُ الرِّيحُ وَ إِنَّ الْأَبْكَارَ إِذَا أُدْرِكْنَ مَا يُدْرِكْنَ النِّسَاءَ فَلَا دَوَاءَ لَهُنَّ إِلَّا الْبُعُولُ وَ إِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفِتْنَةُ فَصَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْمِنْبَرَ فَخَطَبَ النَّاسَ ثُمَّ أَعْلَمَهُمْ مَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ فَقَالُوا مِمَّنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مِنَ الْأَكْفَاءِ فَقَالُوا وَ مِنَ الْأَكْفَاءِ فَقَالَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٌ ثُمَّ لَمْ يَنْزِلْ حَتَّى رَوَّجَ ضَبَاعَةَ بِنْتُ زُبَيْرٍ بِنْتُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لِمُقَدَّادِ بْنِ أَسْوَدَ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا رَوَّجْتُ ابْنَةَ عَمِّي الْمُقَدَّادَ لِيَتَضَعَ النِّكَاحُ». عيون اخبار الرضاع، ج ۱، ص ۹۸۲.



در اثر محدودیت‌هایی است که دین و محیط در انتخاب همسر مورد پسند برای پیروان خود به وجود آورده است.

در صورتی که اسلام نه تنها از مسیر عقلانی، باخبرشدن از وضع روحی، اخلاقی و ویژگی جسمی دختران جلوگیری نکرده بلکه اگر فهمیدن خصوصیات روحی و ظاهری دخترها و توافقی‌های بعد از ازدواج متوقف بر کنجکاوی و تفکر بیشتر در این خصوصیات، قبل از ازدواج باشد، آن را تجویز کرده است.

«شخصی از امام صادق(ع) پرسید: مردی می‌خواهد با زنی ازدواج کند، آیا می‌تواند به جسم و صورت او نگاه کند؟ حضرت فرمودند: بله، در صورتی که اراده‌ی ازدواج کرده اشکالی ندارد به هیكل و صورت زن نگاه کند».^{۴۱}

در روایات افزون بر پرسش از ویژگی‌های جسمی، دقت در خصوصیت‌های روحی و اخلاقی نیز سفارش شده است.

امام جعفر صادق(ع) می‌فرماید:

«زن مانند گردن‌بندی است که به گردن انسان انداخته می‌شود، دقت کن ببین چه چیزی را به گردن خود می‌اندازی».^{۴۲}

ولی اسلام از آزادی بی بند و بار و هم‌نشینی غیر محدود دختران و پسران قبل از ازدواج که سودی جز هوسرانی، لذت‌های زود گذر، اشاعه‌ی فساد و سست نمودن بنیان خانواده‌ها ندارد، جلوگیری کرده است؛ زیرا دختر و پسر در این گونه رفت و آمدهای هیجان‌انگیز کمتر به این فکر می‌افتند که از ویژگی‌های روحی و فکری طرف ازدواج خود آگاهی کافی به دست بیاورند و آن‌چه بیشتر در این گونه برخوردها مورد توجه قرار می‌گیرد تنها ارضای غریزه‌های جنسی می‌باشد؛ از این‌رو رابطه‌ی نامحدود دخترها و پسرها قبل از ازدواج نه تنها کمکی به ایجاد توافقی‌های بعد از ازدواج نمی‌کند بلکه اثرهای شوم و فسادهای فردی و اجتماعی خانمان سوزی را نیز پدید می‌آورد و بهترین شاهد آن، آمارهای

۴۱ «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ يَتَأَمَّلُهَا وَ يَنْظُرُ إِلَى خَلْقِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا قَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلَ إِلَى الْمَرْأَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا يَنْظُرُ إِلَى خَلْقِهَا وَ إِلَى وَجْهِهَا». وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۸۸.

۴۲ روضة المتقين فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۴.



- هولناک، اختلاف‌های خانوادگی و متلاشی شدن آن‌ها در ممالک اروپا و آمریکا است. در این‌جا متناسب با فرهنگ اسلامی راه‌های دیگری برای شناخت همسر آینده پیشنهاد می‌شود:
۱. تحقیق درباره‌ی خانواده‌ی همسر و جایگاه افراد خانواده در محل زندگی و کار؛
 ۲. شناخت دوستان همسر و کسانی که با آن‌ها رفت و آمد بیشتری دارد؛
 ۳. تحقیق درباره‌ی روحیه‌ها و اخلاق همسر در محیط کار یا محل تحصیل؛
 ۴. رفت و آمد خانواده‌های دو طرف با یکدیگر و بهره بردن از تجربه‌های پدر و مادر در این ارتباط‌ها؛
 ۵. مشورت با افراد قابل اعتماد و کاردان؛
 ۶. گفت و گو با یکدیگر در جلسات حضوری و بیان نظریه‌ها و دیدگاه‌ها درباره‌ی موضوعات مختلف؛
 ۷. مراجعه به مشاور، انجام تست مشاوره و شناخت ویژگی‌های دو طرف (همسران) به کمک مشاور.^{۴۳}

سوالات جلسه خواستگاری

یکی از راه‌های شناخت نسبی همسر، استفاده از پرسش‌نامه و طرح سؤال در جلسات خواستگاری می‌باشد و شایسته‌است علاوه بر این اقدام تفکر، مشورت و تحقیق کامل‌تر انجام گردد. در انتهای این بخش، نمونه‌ای از پرسش‌ها ذکر می‌شود:

یک. پرسش‌های مربوط به آینده‌ی زندگی

۱. به نظر شما مهم‌ترین عامل موفقیت در زندگی چیست؟
۲. ملاک خوشبختی و موفقیت را در چه می‌بینید؟
۳. افکار مذهبی همسران و خانواده‌ی او، چقدر برای شما اهمیت دارد؟
۴. چه صفاتی را برای همسر آینده‌ی خود لازم می‌بینید؟
۵. نظر شما در مورد مراسم عقد و عروسی چیست؟
۶. نظر شما در مورد مهریه چیست؟
۷. زندگی در شهر دیگر را چگونه می‌بینید؟

^{۴۳} جهت آگاهی بیشتر نسبت به این موضوع مطالعه کتاب‌های ذیل مفید خواهد بود:

۱. جوانان و انتخاب همسر، علی‌اکبر مظاهری؛ ۲. ازدواج آسان و شیوه همسرداری، محمد محمدی اشتهدادی؛
۳. ازدواج آسمانی، علی‌اکبر مظاهری؛ ۴. ازدواج پایدار، کاملی حقیقی؛ ۵. ازدواج در اسلام، مصطفی کاشفی خوانساری؛ ۶. ازدواج و روابط زن و مرد، نجفی یزدی؛ ۷. پیوند دو قلب یا راهنمای ازدواج، مهدی پاکزاد؛ ۸. جوانان و ازدواج - زندگی بهتر، سیداحمد واحدی؛ ۹. جوانان، ازدواج و مسایل جنسی، روح‌الله خالقی؛ ۱۰. راهنمایی ازدواج، بهزاد رحمتی؛ ۱۱. همسران برتر، غلامعلی افروز؛ ۱۲. انتخاب همسر، ابراهیم امینی؛ ۱۳. ازدواج مکتب انسان‌سازی، دکتر پاک‌نژاد.



۸. آیا آمادگی دارید کمبودهای اقتصادی همسرتان و خانواده‌تان را نادیده بگیرید؟ تا چه اندازه؟

دو. پرسش‌های مربوط به خانواده همسر

۱. از نظر اجتماعی، خانواده شما چه ایده‌هایی دارند؟ (به‌طور مثال در مورد جامعه، مردم، مشکلات

و...)

۲. سطح فرهنگی و نوع تفکر در خانواده خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۳. خانواده شما چقدر مذهبی هستند؟

۴. خانواده شما سنتی هستند یا متجدد (روشن فکر) و یا معمولی؟

۵. خانواده شما شاد و پر جنب و جوش هستند یا ساکت و آرام؟

۶. خانواده شما مرد سالار، زن سالار یا شایسته سالار است؟

سه. پرسش‌های مربوط به مسئله‌های اقتصادی

۱. انتظاراتی اقتصادی شما از همسرتان تا چه اندازه است؟

۲. نظراتان در مورد کار کردن همسرتان در خارج از منزل چیست؟

۳. چه کاری را به عنوان شغل انتخاب خواهید کرد؟

۴. تصور شما از صرفه جویی چیست؟

۵. چقدر معتقد به صرفه جویی و قناعت در منزل هستید؟

۶. شما دوست دارید همسر شما در خرید لوازم زندگی، چه مسئله‌هایی را رعایت نماید؟

چهار. پرسش‌های مربوط به مسئله‌های فرهنگی

۱. میزان تحصیل شما چقدر است؟

۲. آیا قصد ادامه تحصیل دارید یا خیر؟ در چه رشته‌ای، از چه طریقی و در کجا؟

۳. در طول سال چند کتاب غیر درسی مطالعه می‌کنید؟

۴. مطالعه شما بیشتر در چه زمینه‌هایی بوده است؟

۵. بهترین کتاب‌هایی که تاکنون خوانده‌اید را نام ببرید؟

۶. به‌طور معمول چه نشریاتی را مطالعه می‌کنید؟

۷. اگر ممکن است چند نفر از شخصیت‌های مورد نظر و قابل احترام [شخصیت‌های فرهنگی،

مذهبی، هنری، سیاسی و...] را نام ببرید و دلیل محترم بودن آن‌ها نزد شما چیست؟



پنج. پرسش‌های مربوط به مسئله‌های روحی و عاطفی

۱. از چه نوع افرادی احساس انزجار و ناراحتی می‌کنید؟ چرا؟
 ۲. اجتماعی بودن در نظر شما یعنی چه؟
 ۳. خودتان را تا چه اندازه اجتماعی می‌دانید؟
 ۴. در اصلاح دیگران چگونه عمل می‌کنید و نوع واکنش شما در برابر سختی‌های زندگی چگونه است؟
 ۵. چقدر خود را خونسرد می‌دانید؟
 ۶. منطقی بودن را چه می‌دانید؟
 ۷. چقدر در زندگی خود را منطقی می‌دانید؟
 ۸. واقع‌گرا هستید یا احساساتی؟
 ۹. بیشتر اثر گذارید یا اثر پذیر؟ به چه میزان؟
 ۱. چه چیزهایی سبب ناراحتی و عصبانیت شما می‌شود؟
 ۱. در زمانی که عصبانی هستید، چه می‌کنید؟
 ۲. دروغ گفتن را در چه مواردی جایز می‌دانید؟
 ۳. در چه مسئله‌هایی سخت‌گیر هستید؟
 ۴. آیا انتقادپذیر هستید؟ در مقابل انتقاد چه عکس‌العملی از خود نشان می‌دهید؟
 ۵. چگونه از دیگران انتقاد می‌کنید؟
 ۶. در بیشتر وقت‌ها شاد هستید یا افسرده؟
 ۷. در زندگی چگونه تصمیم می‌گیرید؟ تا چه اندازه قدرت تصمیم‌گیری دارید؟
 ۸. در مسئله‌های اساسی در زندگی شخصیتان، خودتان تصمیم می‌گیرید یا خانواده؟
- شش. پرسش‌های مربوط به مسئله‌های مذهبی**
۱. اعتقادتان به خدا چگونه است؟ آیا این اعتقاد توانسته شما را از گناه باز دارد؟
 ۲. آشنایی شما با دستوره‌های دینی چقدر است؟
 ۳. آیا مایلید همسرتان گرایش‌های مذهبی داشته باشد یا خیر؟
 ۴. رعایت حجاب را تا چه اندازه ضروری می‌دانید و چه مقدار آن را رعایت می‌کنید؟ دلیل آن چیست؟
 ۵. چقدر با قرآن آشنا هستید؟



هفت. پرسش‌های مربوط به روابط خانوادگی

۱. میزان دلبستگی شما به پدر و مادرتان چقدر است؟
 ۲. پدر و مادر شما چگونه با شما برخورد می‌کنند؟
 ۳. چقدر در فامیل و خانواده دوست داشتنی هستید؟ دلیل آن چیست؟
 ۴. برخورد پدرومادرتان در مقابل شکست‌های شما در زندگی چگونه است؟
- هشت. اساسی‌ترین پرسش‌های خواستگاری
۱. چه توقعی از زندگی آینده خود دارید؟
 ۲. چه انتظاری از همسر آینده خود دارید؟
 ۳. آرزوهای بزرگ شما چیست؟
 ۴. سختی‌ها را چگونه و تا چه اندازه تحمل می‌کنید؟



فصل دوم: مهارت‌های همسرداری درس سوم: وظایف زوجین

در این فصل پس از بیان وظایف شرعی زن و شوهر که در رساله‌های عملیه نیز آمده است به وظایف اخلاقی و اموری که سبب پایداری خانواده می‌شود، خواهیم پرداخت:

وظایف شرعی

وظایف شرعی را با دو قسم، وظیفهٔ مرد نسبت به زن و وظیفهٔ زن نسبت به مرد دنبال خواهیم کرد:

یک. وظیفهٔ مرد نسبت به زن

الف. وظایف مالی و پرداخت نفقه»

- * تهیه غذا، در حد متعارف زمان، مکان و موقعیت متناسب زن.
- * تهیه پوشاک، در حد متعارف زمان، مکان و موقعیت متناسب زن.
- * تهیه وسایل آرایشی و تزئینی، در حد متعارف زمان، مکان و موقعیت متناسب زن.
- * تهیه مسکن، در حد متعارف زمان، مکان و موقعیت متناسب زن.
- * تهیه لوازم منزل در حد متناسب زمان، مکان و موقعیت متناسب زن.
- * تهیه خدمتکار، اگر شأن اجتماعی و خانوادگی زن اقتضا دارد و یا اگر مریض است.
- * مداوای بیماری زن، اگر زن مریض شد.^{۴۴}

ب. وظایف زناشویی

قانون در این مورد ساکت است و به عبارت حسن معاشرت اکتفا کرده است. اما فقها در دو قسمت؛ به این بحث پرداخته‌اند:

۴۴ بیشتر فقها، این را از وظایف مرد نمی‌دانند. کتاب حقوق مدنی، ص ۳۴۳



* حق زن بر شوهر این است که اگر زن باکره است، پس از عروسی، هفت شب را نزد او بماند و اگر ثیبه باشد سه شب و پس از آن اگر دارای یک زن است، باید هر چهار شب یک شب نزد او بماند و سه شب دیگر آزاد است و هر گاه دارای چند زن است، باید نزد هر یک شبی را از چهار شب بگذراند.^{۴۵}

* نزدیکی جنسی: شوهر مکلف است، هر چهار ماه یک بار با زن خود نزدیکی جنسی نماید و این از حقوق زن محسوب می‌شود..

ج. حسن معاشرت (رفتار)

مرد همیشه با زن خود مهربان و با اخلاق خوش برخورد نماید.
چنان‌که خداوند می‌فرماید:

«و عاشروهن بالمعروف...»^{۴۶}

با زنان خود به‌طور شایسته رفتار کنید.»

و هم‌چنین در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است:

«خدا رحمت کند بنده‌ای را که میان خود و زنش رابطهٔ نیکو برقرار کند زیرا خداوند سرنوشت زن را به دست او سپرده و او را موظف به سرپرستی وی ساخته است.»^{۴۷}

دو. وظیفهٔ شرعی زن نسبت به مرد

زن نیز نسبت به مرد دو وظیفه دارد:

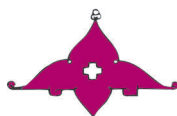
۱. حافظ مال و ناموس شوهر در حال حضور و غیاب او باشد.

۲. اذن شوهر در خروج زن از منزل: براساس منابع فقهی لازم است زوجه به عقد دائم، جهت خروج از منزل رضایت زوج را جلب کند.

۴۵ این دیدگاه مشهور است در قبال دیدگاه دیگر که می‌گوید، معیار دوری نکردن است. همان، ص ۶۴۴.

۴۶ نساء، آیه ۹۱.

۴۷ «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ مَلَكَ نَاصِيَتَهَا وَ جَعَلَ الْقِيَمَ عَلَيْهِ.» مکارم الاخلاق، ص ۷۱۲.



از این قانون کلی مواردی استثناء شده است:

- * خروج از منزل برای کسب معارف اعتقادی به مقدار لازم و ضروری و همینطور برای فراگیری وظایف شرعی الزامی.
 - * خروج برای معالجه بیماری، چنانچه امکان درمان در منزل نباشد.
 - * خروج برای فرار از ضررهای جانی و مالی و عرضی.
 - * خروج برای انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل است. مانند سفر حج، شرکت در انتخابات و یا نجات نفس محترمه.
 - * چنانچه ماندن در منزل توأم با عسرو حرج غیر قابل تحمل باشد.
 - * چنانچه در ضمن عقد نکاح، انتخاب مسکن و اشتغال به مشاغل اداری به زوجه محول شده باشد. و به عنوان شرط در ضمن عقد برای خود سلب محدودیت کرده باشد.
 - * خروج برای تامین معاش، چنانچه شوهر او قادر به آن نباشد یا از انفاق سرپیچی کند.
 - * خروج از منزل برای تظلم و دادخواهی.
 - * در غیر این موارد جایز نیست زن بدون اذن شوهر از منزل خارج شود.
۳. قنوت: یعنی از شوهر در هر حال تمکین و اطاعت نماید.
- «زنان صالح، زنانی فروتن در برابر شوهر و در نبود او حافظ اسرار و ناموشش هستند»^{۴۸}
- در اهمیت مسئله قنوت در حدیثی می‌خوانیم:
- «زن‌هایی که بارداری، وضع حمل، شیردادن و مهربانی به فرزندان از ویژگی‌های آن‌ها است، اگر نسبت به شوهران رفتار ناپسندی نداشتند، و نمازگزار نیز بودند، هرگز به دوزخ نمی‌رفتند»^{۴۹}

وظایف اخلاقی

«لَا غِنَى بِالرَّوْجِ عَنْ ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ وَ هِيَ الْمُوَافَقَةُ - لِيَجْتَلِبَ بِهَا مُوَافَقَتَهَا وَ مَحَبَّتَهَا وَ هَوَاهَا، وَ حُسْنُ خُلُقِهِ مَعَهَا وَ اسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا - بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا وَ تَوْسِعَتُهُ عَلَيْهَا - وَ لَا غِنَى بِالرَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ زَوْجِهَا - الْمُوَافِقِ لَهَا عَنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ وَ هُنَّ - صِيَانَةُ نَفْسِهَا عَنْ

۴۸ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ نِسَاءً، آیه ۴۳.

۴۹ «فی الموثق، عن ابي بصير قال: سمعت ابا عبد الله(ع) يقول: خطب رسول الله(ص) النساء فقال: يا معاشر النساء تصدقن و لو من حليكن و لو بتمرة و لو بشق تمره فان اكثر كن حطب جهنم، انكن تكثرن اللعن و تكفرن العشير (أي الزوج المعاشر) فقالت امرأة من بنى سليم لها عقل: يا رسول الله أليس نحن الأمهات الحاملات المرضعات؟ أليس منا البنات المقيمات و الأخوات المشفقات؟ فرق لها رسول الله(ص) فقال: حاملات، والدات، مرضعات، رحيمات لو لا ما يأتين إلى بعولتهن ما دخلت مصلية منهن النار». روضة المتقين في شرح من لايحضره الفقيه، ج ۸، ص ۶۶۳.



كُلِّ دَنْسٍ حَتَّى يَطْمَئِنَّ قَلْبُهُ - إِلَى الثَّقَةِ بِهَا فِي خَالِ الْمَحْبُوبِ وَ الْمَكْرُوهِ - وَ حَيَاطَتُهُ لِيَكُونَ ذَلِكَ عَاطِفًا عَلَيْهَا عِنْدَ زَلَّةٍ تَكُونُ مِنْهَا - وَ إِظْهَارِ الْعَشِقِ لَهُ بِالْخَلَابَةِ وَ الْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْنِهِ.^{۵۰}

در این بخش، برای معرفی وظایف اخلاقی زوجین، سخنی از امام جعفر صادق(ع) را ملاک قرار خواهیم داد و نکته‌هایی را از این حدیث شریف بررسی خواهیم نمود. امام صادق(ع) وظایف اخلاقی مردان و زنان را در سه مورد بیان کرده و برای اجرای بعضی از نکته‌های اخلاقی، روش‌هایی را فرموده‌اند و در بعضی از بخشهای حدیث، ادله سخن خویش را ارائه می‌نمایند.

ما نیز با توجه به سایر روایت‌های ائمه علیهم السلام، قسمت‌هایی را به عنوان روش، در ذیل حدیث شریف امام صادق(ع) می‌آوریم.

قابل توجه این‌که در کتب فقهی شیعه به وظایف شرعی زن و شوهر اشاره شده است که در قسمت قبل به آن پرداختیم، اما در این‌جا برآنیم که وظایف اخلاقی همسران را از حدیث امام ششم(ص) بیان کنیم؛ زیرا معتقدیم بسیاری از سختی‌های زندگی زن و شوهر از عدم رعایت ابتدایی‌ترین نکات اخلاقی است که اگر همسران، آن‌ها را بدانند نه دچار مشکلی در زندگی می‌شوند، نه این همه دادگاه‌های خانواده شلوغ شده و نه آمار طلاق بالا خواهد رفت. امام جعفر صادق(ع) ابتدا از وظایف مردان شروع کرده و آن را در سه امر بیان می‌کنند:

وظایف اخلاقی مردان

یک. موافقت و همراهی

نخستین وظیفه اخلاقی مرد در برابر همسرش در کلام امام صادق(ع)، موافقت و همراهی با او و مخالفت نمودن با خواسته‌هایش در امور زندگی است. بر هر مرد مسلمان فرض است تا آنجا که می‌تواند به خواسته‌ها و نیازهای همسرش بپردازد و آنها را تأمین کند و از موضع گیری در برابر

۵۰ مرد باید در برابر همسر خود سه ویژگی را داشته باشد: ۱. اول موافقت با همسر و خوش اخلاقی با او (سبب به دست آوردن توافق همسرش در سایر امور می‌شود و محبت و علاقه او را پایدار می‌کند)؛ ۲. قیافه و ظاهر آراسته (سبب توجه بیشتر همسرش به او میشود)؛ ۳. بخشیدن وسعت به همسر در خوراک و پوشاک. زن نیز باید برای شوهری که با او زندگی می‌کند سه ویژگی را داشته باشد: ۱. دوری از هر پلیدی در حال خوشی و ناخوشی (با این رفتار، شوهرش به او اطمینان پیدا می‌کند)؛ ۲. نگهداری و مراقبت از شوهر یعنی پیوسته نیازمندی‌های شوهر را متوجه باشد و در رفع آن‌ها بکوشد (این کار دوستی و علاقه شوهر را نسبت به او زیاد می‌کند و لغزش‌های زن را - اگر پیش‌آید - نادیده می‌گیرد)؛ ۳. اظهار عشق نسبت به او با سخنان پراز مهر و زیبا نمودن ظاهرش برای شوهر که جلب توجه او را بنماید. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۷۳۲.



خواهش‌های او امتناع نوزد.

امام صادق(ع) بعد از بیان این وظیفه، از اثرات همراهی در زندگی سخن می‌گویند. حضرت(ع) با جمله «لتجلب بها موافقتها» بیان می‌دارند که برای به دست آوردن همراهی و موافقت زن در زندگی، لازم است که مرد هم با همسرش همراهی داشته باشد. چنانچه امیرالمؤمنین علی(ع) در مورد این حس مشترک، در حدیث شریفی به امام حسن مجتبی(ع) فرمودند:

«به مردم نیکی کن، همانطوری که دوست داری به تو نیکی کنند، و آنچه را برای خود، زشت می‌شماری، همانی باشد که برای مردم نیز زشت شمرده‌ای».^{۵۱}

«دومین اثر موافقت با همسر این است که سبب دوستی(محبت) همسر خواهد شد و او هم شوهرش را دوست خواهد داشت».^{۵۲}
تا انسان به دیگری محبت نکند و خواسته‌های او را برآورده نسازد، مهر و محبتی از طرف مقابل دل او ایجاد نخواهد شد و این رابطه دو طرفی است.

«سومین اثری که موافقت و همراهی با همسر به دنبال دارد؛ به دست آوردن رضایت زن است یعنی خواسته و خواهش‌های او به سوی شوهرش کشیده می‌شود».^{۵۳}

اگر مردی، به حوائج همسرش بها بدهد، این امر باعث رضایت‌مندی طرفین از زندگی خواهد شد، و زن که نیاز به برآورده شدن حاجات خود دارد، با این عمل راضی شده و درصد رضایت‌مندی او از زندگی بالا خواهد رفت.

چه بسیار خانواده‌هایی که به علت عدم رعایت چنین نکات ظریف و کوچکی، به مشاجره و دعوا کشیده شده و از یکدیگر راضی نخواهند شد، در حالیکه اگر مرد خانه، سعی کند، نیازهای عاطفی و مادی همسرش را تأمین کند، هرگز با مخالفت وی، مقابل نخواهد گشت.

۵۱ «أَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يَحْسَنَ إِلَيْكَ وَ اسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُ مِنْ غَيْرِكَ». تحف العقول، ص ۴۷.

۵۲ «لتجلب بها... محبتها». تحف العقول، ص ۴۷.

۵۳ «لتجلب بها... هواها». همان.



روش‌های همراهی و موافقت در روایات

در این قسمت برای توضیح بهتر و بیشتر «موافقت و همراهی» و مصادیق آن، روش‌هایی را از روایات امامان معصوم‌علیهم السلام بیان خواهیم کرد:

الف. تناول غذا با یکدیگر

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«وقتی که مردی افراد خانواده خود را کنار خود جمع نموده برای خوردن غذا سفره‌ای پهن می‌نماید و آن‌ها قبل از غذا نام خدا را بر زبان جاری می‌کنند و پس از خوردن غذا حمد الهی را به جای می‌آورند، قبل از این‌که آن‌ها سفره را جمع کنند مورد آمرزش الهی قرار می‌گیرند».^{۵۴}

در جوامعی که اعضای خانواده به دور از یکدیگر و خارج از فضای خانه غذا میل می‌کنند، در صد محبت و عاطفه در بین آنها بسیار کمتر از خانواده‌هایی است که در کنار هم و بر سر یک سفره می‌نشینند و همدیگر را، حتی در صرف غذا و پذیرایی یاری می‌نمایند.

ب. به همراه بردن همسر در سفرها

یکی از عواملی که باعث دلگرمی و همدم و مونس بودن زوجین در زندگانی می‌شود، همراهی و مسافرت باهم است. تجربه نشان داده است که خانواده‌هایی که باهم سفر می‌کنند، و کمتر به سفرهای مجردی می‌پردازند، درصد رضایتمندی آنها از زندگی زناشوییشان، بیشتر از خانواده‌هایی است که به تنهایی و یا با دوستان خود به سفر می‌روند. مخصوصاً اگر این سفر از سفرهای زیارتی و معنوی باشد که باعث آمرزش گناهان و فراوان‌تر شدن روزی مادی و معنوی می‌گردد.

امام صادق(ع) فرمودند:

«هر مسلمانی که از روزی خدا نصیبی به دست آورد و آن روزی را خرج سفر کند و با خانواده خود در زیر تابش خورشید و شدت گرما به سوی مکه روان گردد تا خود را به عرفات برساند، در آن جا جستجو کند تا گوشه خلوت و نقطه خالی‌ای را پیدا کند و در آن نقطه خالی به انتظار نزول مغفرت و رحمت تا شب بماند... در این هنگام، خداوند که بی‌شریک و بی‌همتا است می‌گوید: این بنده مرا بنگرید، من از مال دنیا قسمتی به او بخشیدم و او روزی خود را در راه زیارت خانه‌ام انفاق کرد و با

۵۴ «مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْمَعُ عِيَالَهُ وَ يَضَعُ مَائِدَتَهُ فَيَسْتَمُونَ فِي أَوَّلِ طَعَامِهِمْ وَ يَحْمَدُونَ فِي آخِرِهِ فَتَرْفَعُ الْمَائِدَةُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُمْ». بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۱۵۳.



خانواده‌اش در میان تابش خورشید و شدت گرما به بارگاه من آمد و به امید مغفرت و رحمت من در این مکان خلوت جا گرفت، در این حال من گناه او را می‌بخشم و ضروریات او را کفایت می‌بخشم و روزی او را به دست خود می‌دهم».^{۵۵}

ج. نشستن در کنار همسر

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«نشستن مرد در کنار خانواده‌اش نزد خداوند بلند مرتبه از اعتکاف کردن در مسجد من بهتر است».^{۵۶}

د. خودداری از بیان جملات اکراه‌آمیز حتی اف گفتن

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«برادرم جبرئیل بارها مدارا نمودن با زنان را به من سفارش نمود تا آن که گمان بردم جایز نیست مردی به همسرش اف بگوید».^{۵۷}

در حدیثی دیگر داریم که امیرالمؤمنین علی(ع) به مردی در مورد رفتار با همسر خود فرمودند:

«در هر حال با او مدارا کن و سخن خوش به او بگو تا زندگی تو با صفا گردد».^{۵۸}

۵۵ «عَشِيَّةً مِنَ الْعَشِيَّاتِ وَ نَحْنُ بَمِنَى وَ هُوَ يَحْتَبِي عَلَى الْحَجِّ وَ يُرْعَبُنِي فِيهِ يَا سَعِيدُ أَيَّمَا عَبْدٍ رَزَقَهُ اللَّهُ رِزْقًا مِنْ رِزْقِهِ فَأَحَذَ ذَلِكَ الرَّزْقَ فَأَنْفَقَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَ عَلَى عِيَالِهِ ثُمَّ أَخْرَجَهُمْ قَدْ ضَحَاهُمْ بِالسَّمْسِ حَتَّى يَقْدَمَ بِهِمْ عَشِيَّةً عَرَفَةَ إِلَى الْمُؤَقَّفِ فَيَقِيلُ أَلَمْ تَرَ فَرَجًا تَكُونُ هُنَاكَ فِيهَا خَلَلٌ وَ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ فَقُلْتُ بَلَى جَعَلْتَ فَذَاكَ فَقَالَ يَجِيءُ بِهِمْ قَدْ ضَحَاهُمْ حَتَّى يَشْعَبَ بِهِمْ تِلْكَ الْفُرَجِ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا شَرِيكَ لَهُ عَبْدِي رَزَقْتَهُ مِنْ رِزْقِي فَأَحَذَ ذَلِكَ الرَّزْقَ فَأَنْفَقَهُ فَضَحَى بِهِ نَفْسَهُ وَ عِيَالَهُ ثُمَّ جَاءَ بِهِمْ حَتَّى شَعَبَ بِهِمْ هَذِهِ الْفُرَجَةَ التَّمَّاسَ مَغْفِرَتِي أَغْفِرُ لَهُ ذَنْبَهُ وَ أَكْفِيهِ مَا أَمَّهُ وَ أَرْزُقَهُ قَالَ - سَعِيدٌ مَعَ أَشْيَاءَ قَالَهَا نَحْوًا مِنْ عَشْرَةٍ». کافی، ج ۴، ص، ۳۶۲.

۵۶ «جلوس المرء عند عياله أحب إلى الله تعالى من اعتكاف في مسجدى هذا». تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۱.

۵۷ «أَخْبَرَنِي أَخِي جَبْرَيْلُ وَ لَمْ يَزَلْ يُوصِينِي بِالنِّسَاءِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنْ لَا يَحِلُّ لِرُؤُوسِهَا أَنْ يَقُولَ لَهَا أَفَّ». مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴۱، ص ۲۵۲.

۵۸ «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ فَدَارَهَا عَلَى كُلِّ خَالٍ وَ أَحْسِنِ الصُّبْحَةَ لَهَا فَيَضْفُو عَيْشُكَ». مكارم الاخلاق، ص ۸۱۲.



هـ. کمک به همسر در خانه‌داری

امام صادق (ع) فرمودند:

«امیرالمؤمنین علی (ع) خودش همیزم آماده می‌کرد و آب از چاه می‌کشید و جارو می‌کرد و حضرت فاطمه (س) آسیاب می‌کرد و خمیر می‌نمود و نان می‌پخت».^{۵۹}
گفته شده که پیامبر اکرم (ص) خودش آن گوسفند خانه را می‌دوشیدند.^{۶۰}

دو. حسن خلق

دومین ویژگی اخلاقی مرد در همسرداری، داشتن خلق نیکو و رفتار خوب با همسر است. در بین روایات اهل بیت علیهم السلام نسبت به خوش خلقی به‌ویژه با خانواده، آنهم از سوی مرد خانه، سفارش‌های زیادی شده است تا جایی که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:
«نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت، خوش‌خوی‌ترین و مهربان‌ترین افراد نسبت به خانواده‌اش می‌باشد و من مهربان‌ترین شما به خانواده‌ام می‌باشم».^{۶۱}

از موارد حسن خلق نسبت به همسر که در روایات به آن اشاره شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف. بوسیدن

پیامبر اکرم (ص) در روایتی در مورد آداب زناشویی فرمودند:

«هنگامی که بنده مؤمنی به نزد همسرش رفته و دست او را بگیرد، خداوند برای او ده حسنه می‌نویسد و ده گناه را پاک می‌کند و اگر او را ببوسد، خداوند برای او صد حسنه می‌نویسد و صد گناه را پاک می‌کند».^{۶۲}

۵۹ «رَوَى هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) يَحْتَضِبُ وَ يَسْتَقِي وَ يَكْنُسُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ (س) تُطْعَنُ وَ تَعْجَنُ وَ تَخْبِزُ». من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۹۶۱.

۶۰ «قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَحْلُبُ عَنْزَ أَهْلِهِ». مكارم الاخلاق، ص ۴۲.

۶۱ «أَقْرَبَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنَكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرَكُمْ خَيْرَكُمْ لِأَهْلِهِ». صحيفه الرضاع، ص ۷۶.

۶۲ «ان العبد المؤمن اذا اتخذ بيد زوجته كتب الله عزوجل له عشر حسنات. و محافه عشر سيئات. فان قبلها، كتب الله له مائه حسنه، و محافه مائه سيئه». دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۹۱؛ عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۳، ص ۲۹۲.



ب. تحمل بد زبانی و بد رفتاری همسر

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«مردی که بر بدخویی همسرش صبر کند، خداوند اجر مصیبت‌های ایوب را به وی می‌دهد و زنی که بر بدخویی شوهرش شکیبایی کند، خداوند ثواب آسیه را به او می‌دهد».^{۶۳}
همچنین فرمودند:

«هر کس بر ناسازگاری و بدخویی همسرش صبر و بردباری نماید و طلاقش ندهد، پروردگار به هر شبانه روزی که با او به سر برده و شکیبایی نماید، پاداش صبرِ ایوب (ع) در مصیبت‌هایش را می‌دهد و برای آن زن بدخو در هر شبانه روز به مقدار رمل‌ها و شن‌های متراکم بیابان‌ها، گناه نوشته می‌شود و اگر پیش از این که از ناسازگاری دست بردارد و مرد از او خشنود شود بمیرد، روز قیامت با منافقین برانگیخته می‌شود و با آن‌ها در آخرین طبقه‌های جهنم قرار می‌گیرد».^{۶۴}

ج. هدیه دادن

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«هدیه دادن مرد به همسرش موجب زیادی عفت او (زن) خواهد شد».^{۶۵}

د. شستن پای عروس (همسر) در هنگام آوردن او به خانه بخت

پیامبر اکرم (ص) به علی بن ابی طالب (ع) چنین سفارش فرمودند:

«ای علی (ع) چون عروس را به خانه تو آوردند، وقتی نشست کفش او را در بیاور و پایش را بشوی و آبشستشو را به در خانه‌ات بریز که چون چنین کنی خدا از خانه‌ات هفتاد هزار نوع فقر را می‌برد و هفتاد هزار رنگ برکت در آن وارد می‌کند و هفتاد هزار رحمت برای تو می‌فرستد که بر سر عروس می‌چرخد تا برکت آن به هر گوشه خانه‌ات برسد و خدا عروس را از جنون و خوره و پیسی که به او می‌رسند، امان میدهد تا در آن خانه است».^{۶۶}

۶۳ «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خَلْقِ امْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا أَعْطَى أَيُّوبَ (ع) عَلَى بَلَايِهِ وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خَلْقِ زَوْجَتِهَا أَعْطَاهَا اللَّهُ مِثْلَ ثَوَابِ أَسِيَةَ بِنْتِ مُرَاحِمٍ». مکارم الاخلاق، ص ۳۱۲.

۶۴ «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خَلْقِ امْرَأَةٍ وَ اخْتَسَبَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ مَرَّةٍ يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مَا أَعْطَى أَيُّوبَ (ع) عَلَى بَلَايِهِ وَ كَانَ عَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِثْلَ رَمْلِ عَالِجٍ فَإِنْ مَاتَتْ قَبْلَ أَنْ تُعِينَهُ وَ قَبْلَ أَنْ يَرْضَى عَنْهَا حُشِرَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنكُوسَةً مَعَ الْمُتَنَافِقِينَ - فِي الذَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ». ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۷۸۲.

۶۵ «هَبْنَةُ الرَّجُلِ لِرُؤُوسِهِ تَزِيدُ فِي عَفْتِهَا». من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۸۳.

۶۶ «يَا عَلِيُّ إِذَا دَخَلْتَ الْعُرْسَ تَبَيَّكْ فَاحْلَعْ حَفْهَهَا حِينَ تَجْلِسُ وَ اغْسِلْ رِجْلَيْهَا وَ صَبِّ الْمَاءِ مِنْ بَابِ دَارِكَ إِلَى أَقْصَى دَارِكَ فَإِنَّكَ إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ دَارِكَ سَبْعِينَ أَلْفَ لَوْنٍ مِنَ الْفَقْرِ وَ أَدْخَلَ فِيهَا سَبْعِينَ أَلْفَ لَوْنٍ



هـ. شوخی کردن

شوخی نیز از حسن خلق محسوب می‌شود و از سفارشات اکید معصومین علیهم السلام است، مخصوصاً اگر این شوخی با اهل و عیال باشد.

«امام صادق (ع) فرمود: شوخی کردن شما با هم‌دیگر چگونه است؟ عرض کردم: اندک است. فرمود: این گونه نباشید زیرا شوخی از خوش خلقی است و تو به آن وسیله برادرت را خوشحال می‌کنی و به درستی که پیامبر اکرم (ص) با کسی شوخی می‌کرد که شاد شدن و مسرور بودن او را می‌خواست».^{۶۷}

«پس هرگاه یکی از شما با همسران هم‌بستر شدید نخست با وی به بازی و شوخی بپردازید بعد کام بگیرید که این شیرین‌تر است».^{۶۸}

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«بازی مؤمن جز در سه مورد بیهوده است: پرورش اسب و تیراندازی و بازی کردن با همسرش که این بازی‌ها درست است».^{۶۹}

و. سلام کردن در بدو ورود به منزل

أبو الصّباح گوید:

«از امام باقر (ع) درباره آیه: «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ»^{۷۰} و هنگامی که داخل خانه‌ها شدید بر خویشتن سلام نمایید». پرسیدم، فرمود: منظور این است که وقتی کسی وارد منزل خودش شود و سلام کند، (پاسخ) آن سلام را بر خود او برگردانند و این سلام بر خودتان می‌باشد».^{۷۱}

أَسْبَعِينَ لُونًا مِّنَ الْبَرَكَةِ وَ أَنْزَلَ عَلَيْكَ سَبْعِينَ رَحْمَةً». امالی، صدوق، ص ۷۶۵.

۶۷ «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) كَيْفَ مَدَاعِبُهُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا قُلْتُ قَلِيلٌ قَالَ فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمَدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ إِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا الشَّرُورُ عَلَىٰ أَحْيَاكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسْرَهَا». کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۴، ص ۶۸۴.

۶۸ «فَإِذَا أَتَىٰ أَحَدَكُمْ أَهْلُهُ فَلْيُكِّنْ بَيْنَهُمَا مَدَاعِبَةً فَإِنَّهُ أَطْيَبُ لِلْأَمْرِ». من لایبضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج ۵، ص ۶۷۲.

۶۹ «كُلُّ لَهْوِ الْمُؤْمِنِ نَاطِلٌ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ فِي تَأْدِيبِ الْفَرَسِ وَ رَمِيهِ عَنْ قَوْسِهِ وَ مَلَاعِبَتِهِ أَمْرَانَهُ فَإِنَّهُنَّ حَقُّ الْخَبَرِ». آسمان و جهان، ترجمه کتاب السماء و العالم بحار، ج ۸، ص ۶۵۱.

۷۰ نور، آیه ۱۶.

۷۱ «عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ الْآيَةَ فَقَالَ هُوَ تَسْلِيمُ الرَّجُلِ عَلَىٰ أَهْلِ الْبَيْتِ حِينَ يَدْخُلُ ثُمَّ يَرُدُّونَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَلَامُكُمْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ». معانی



ز. مدارا کردن و داشتن گفتار نیکو

مدارا و گفتار نیکو از دیگر سفارشات ائمه معصومین علیهم السلام است که در هر جا مخصوصا در محیط خانه مورد سفارش آنها بوده است؛

از این رو امیرالمؤمنین علی(ع) فرمودند:

«به هر حال با آنها (همسران) مدارا کنید و به زبان خوش با آنها گفتگو کنید شاید خوش کردار شوند».^{۷۲}

ح. عفو و گذشت

عفو و گذشت از خطای یکدیگر، باز از خصوصیتی است که در محیط خانواده از صفات اساسی و کلیدی است و اگر در خانه‌ای چنین اخلاقی حکم فرما نباشد، ویرانه‌ای بیش نخواهد بود.

یونس بن عمار می‌گوید:

«امام صادق(ع) مرا به ازدواج کنیزی درآورد که برای اسماعیل پسر حضرت بود سپس حضرت به من فرمود: به او نیکی کن. عرضه داشتیم: احسان و نیکی به او چگونه است؟ حضرت فرمودند: نیازهای مادیش را برآورده ساز، لباس به او بپوشان و از خطاهایش بگذر».^{۷۳}

سه. تسخیر قلب همسر

در پایان سومین وظیفه اخلاقی‌ای که بر عهده مرد قرار داده شده است، رفتاری است که با آن بتواند دل همسر خود را به تسخیر درآورد. اما این که به چه طریق می‌توان دل همسر را متمایل و تسخیر خود نمود، سؤالی است که امام صادق(ع) در ادامه حدیث شریفشان - که در اول بحث به آن اشاره شد- آن را مطرح نموده‌اند و روش‌هایی برای آن ذکر می‌فرمایند: روش دلبری و تسخیر قلب

الف. زیبا جلوه نمودن در چشم همسر خویش، نه چشم دیگری

امام صادق(ع) برای تسخیر قلب همسر، دو روش را بیان کرده‌اند:

الاخبار، ص ۲۶۱.

۷۲ «فَدَارَوْهُنَّ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسَبُوا لِهِنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهِنَّ يُحْسِنُ الْفِعَالَ». امالی صدوق، ترجمه کمره‌ای، ص ۶۰۲.

۷۳ «عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: زَوَّجَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) جَارِيَةً كَانَتْ لِاسْمَاعِيلَ ابْنِهِ فَقَالَ أَحْسِنُ إِلَيْهَا فَقُلْتُ وَ مَا الْإِحْسَانُ إِلَيْهَا فَقَالَ أَشْبِعْ بَطْنَهَا وَ اكْسِ جُمَّتَهَا وَ اغْفِرْ ذَنْبَهَا ثُمَّ قَالَ أَذْهَبِي وَسَطِكَ اللَّهُ مَا لَهُ». کافی، ج ۵، ص ۱۱۵.



«خستین مورد، زیبا جلوه کردن در چشم خانم می‌باشد».^{۷۴}

روایت‌های بسیاری از معصومین علیهم السلام وجود دارد که به این نکته اهمیت فراوانی داده‌اند تا جایی که زیبا جلوه کردن در دیده همسر به عنوان روشی برای عقیف نگه داشتن زن بیان شده است؛ بنابراین امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند:

«آراسته بودن مرد برای زن بر عفت زن می‌افزاید».^{۷۵}

حضرت علی بن موسی‌الرضا (ع) فرمودند:

«پدرم از پدران‌ش (ع) خبر داد که زنان یهود از عفت بیرون رفتند و به فساد کشیده شدند و چنین نشدند مگر به کم‌توجهی شوهران به آرایش و نظافت خود و نیز فرمود: زن از تو همان را می‌خواهد که تو از او می‌خواهی».^{۷۶}

ب. توسعه و دست و دل بازی برای همسر

دومین مورد از موارد دلبری مردانه، وسعت دادن به زن^{۷۷} و فرزند در رزق و روزی مادی است که این کار به وسیله اموری تحقق می‌پذیرد:

۱. خرید برای همسر و فرزندان

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«هر که بازار رود و هدیه‌ای برای خانواده خود بیاورد مانند شخصی است که به مردم محتاج، صدقه داده است؛ و به زن‌ها و دخترها پیش از مردها بدهد زیرا هر که دخترش را شاد کند گویا بنده مؤمنی از فرزندان اسماعیل را در راه خدا آزاد کرده و هر که پسری را چشم روشن کند (شاد کند) گویا از خوف خدا گریسته و هر که از خوف خدای عز و جل بگیرد در بهشتی پراز نعمت وارد شود».^{۷۸}

۷۴ «بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا». تحف العقول، ص ۳۲۳.

۷۵ «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ تَهَيَّئِ الرَّجُلَ لِلْمَرْأَةِ مِمَّا تَرِيدُ فِي عَقْتِهَا». مکارم الاخلاق، ص ۷۹.

۷۶ «عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى (ع) قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ (ع) أَنَّ نِسَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ خَرَجْنَ مِنَ الْعَفَافِ إِلَى الْفُجُورِ مَا أَخْرَجَهُنَّ إِلَّا قِلَّةٌ تَهَيَّئِ أَوْاجِهَهُنَّ وَقَالَ إِنَّهَا تَشْتَهِي مِنْكَ مِثْلَ الَّذِي تَشْتَهِي مِنْهَا». همان، ص ۱۸.

۷۷ «تَوْسِعَتْهُ عَلَيْهَا». مکارم الاخلاق، ص ۱۸.

۷۸ «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تَخْفَةَ فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ وَ لَيْبِذًا بِالْإِنَاثِ قَبْلَ الذَّكُورِ فَإِنَّ مَنْ فَرِحَ ابْنُهُ فَكَأَنَّمَا أَغْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ مُؤْمِنَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَنْ أَقْرَبَعَيْنِ ابْنٍ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَدْخَلَهُ اللَّهُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ». امالی صدوق، ص ۷۷۵.



امام ششم(ع) به مردی از اهل مدینه که چیزی برای خانواده خود خریده و با خود می‌برد، نگاه کردند و چون آن مرد حضرت را دید، از ایشان خجالت کشید، آن حضرت فرمود: آن را برای خانواده‌ات خریده و برایشان می‌بری؟ آگاه باش به خدا قسم اگر مردم مدینه نبودند دوست داشتیم برای خانواده‌ام چیزی بخرم و خودم برایشان ببرم.^{۷۹}

۲. هدیه دادن به همسر

هدیه دادن مرد به همسرش، عفت او را می‌افزاید.^{۸۰}
هدیه دادن سبب پاک شدن قلب از دشمنی‌ها و کینه‌ها می‌شود.^{۸۱}

۷۹ «نَظَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ - قَدْ اشْتَرَى لِعِيَالِهِ شَيْئاً وَ هُوَ يَحْمِلُهُ - فَلَمَّا رَأَى الرَّجُلَ اسْتَحْيَا مِنْهُ - فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) اشْتَرَيْتَهُ لِعِيَالِكَ وَ حَمَلْتَهُ إِلَيْهِمْ - أَمَا وَاللَّهِ لَوْ لَا أَهْلَ الْمَدِينَةِ - لَأُحْبَبْتُ أَنْ اشْتَرِيَ لِعِيَالِي الشَّيْءَ ثُمَّ أَحْمِلُهُ إِلَيْهِمْ». بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۳۱.

۸۰ «هَبَةُ الرَّجُلِ لِرُؤُوسِهِ تَرِيدُ فِي عَفْتِهَا». من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۸۳.

۸۱ «يَقُولُ تَهَادُوا فَإِنَّ الْهُدْيَةَ تَسْلُ السَّخَائِمَ وَ تُجْلِي ضَغَائِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْأَحْقَادِ». کافی، ج ۵، ص ۳۴۱.



درس چهارم: وظایف اخلاقی زنان

امور اخلاقی مربوط به زنان

امام صادق (ع) در حدیثی که در ابتدای فصل بیان شد می‌فرماید که زن باید در سه امر با همسرش موافقت و همراهی داشته باشد:

یک. عفت و حفظ خویشتن از هر آلودگی

از هر گونه آلودگی -آلودگی جسمی و اخلاقی- باید پاک باشد.^{۸۲} اگر همسر خانه، طوری برخورد نماید که نظر شوهرش را جلب نموده و برای او اعتمادسازی کند که من، فقط در اختیار تو هستم و به هیچ کسی غیر از تو نمی‌اندیشم؛ آرامش در این خانواده حکم فرما خواهد بود؛ مرد هم می‌تواند نیازهای همسرش را برآورده ساخته و از خطاهای او -در صورت وجود- به راحتی در گذرد. حفظ خود از آلودگی جسمی و معنوی، اثرهایی دارد که در ادامه سخن امام صادق (ص) به آن اشاره شده است: اثر صیانت (حفظ از آلودگی)

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«اگر زن خودش را از آلودگی جسمی و اخلاقی پاک نگه دارد با این کار به قلب شوهرش اطمینان بخشیده و دل او را قوی می‌کند تا در خوشی و ناخوشی زندگی بتواند به طور متقابل قلب او را تسخیر کند».^{۸۳}

در ادامه حدیث، امام روش تسخیر قلب مرد و ایجاد اطمینان در قلب وی را ذکر می‌نماید:

۸۲ «صِبَانَةُ نَفْسِهَا عَنْ كُلِّ دَنَسٍ». تحف العقول، ص ۳۲۳.

۸۳ «حتى يطمئن قلبه الى التفه بها في المحبوب والمكروه». تحف العقول، ص ۳۲۳.



دو. نگهداری و مراقبت از شوهر و برآوردن نیازهای او

یکی از وظایف اخلاقی زن، نسبت به شوهرش حیاطت^{۸۴} است. منظور از حیاطت، دفاع از شوهر، حمایت، حفاظت و به دنبال خیر رساندن به اوست. طبق فرمایش امام صادق(ع) که در ابتدای فصل بیان شد، حیاطت، اثرهایی دارد که حضرت در ادامه به آن اشاره می‌فرمایند:

«یکی از اثرات نگهداری و مراقبت از شوهر این است: هنگامی که لغزشی از زن سر زد، دل شوهر متوجه به او شده و بر او سخت نمی‌گیرد».^{۸۵}

یعنی اگر خانمی سعی در رفع نیازهای شوهر خود داشته باشد، و نگذارد حاجتی از حاجتهای همسرش فوت شود، یا نیازش را به کسی دیگری بگوید، در اینصورت چنان قلب شوهر متوجه همسر خود خواهد شد که او نه تنها به افراد دیگر فکر نخواهد کرد بلکه اگر خدایی ناکرده خطایی از خانمش سر زد، به راحتی می‌تواند از او بگذرد و متقابلاً قلب او را در اختیار خواهد گرفت.

روش‌های حیاطت و نگهداری شوهر

برای حفظ و نگهداری شوهر و برآورده کردن خواسته‌های او از طرف زن، روش‌هایی در سخنان امامانعلیهم السلام بیان شده است که در ذیل آورده می‌شود.

الف. پختن غذای لذیذ برای شوهر

کمترین کاری که یک بانو در جلب رضایت و به دست آوردن قلب شوهر خود می‌تواند انجام بدهد، برآوردن نیازهای اولیه او مانند پختن غذاهای لذیذ و دوست داشتنی بر میل شوهر است.^{۸۶}

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«حق مرد بر زن، روشن کردن چراغ خانه و آماده ساختن غذا و... است».^{۸۷}

۸۴ «حِیَاطَةُ: إِذَا حَفِظَهُ وَ صَانَهُ وَ ذَبَّ عَنْهُ وَ تَوَقَّرَ عَلَى مَصَالِحِهِ». النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۱، ص ۱۶۴.

۸۵ «لِیُکُونَ ذَلِکَ عَاطِفًا عَلَیْهَا عِنْدَ زَلَّةٍ تُکُونُ مِنْهَا». قسمتی از حدیث امام صادق(ع) که در ابتدای فصل اشاره شد.

۸۶ «إصلاح الطعام». تحف العقول، ص ۳۲۳.

۸۷ «حق الرجل علی المرأة إنارة السراج و إصلاح الطعام...». طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، ج ۲، ص ۲۹۲.



ب. احترام به شوهر

امام صادق (ع) فرمودند:

«جمعی خدمت پیامبر اکرم (ص) آمدند و گفتند: ما مردمی را می‌بینیم که به یکدیگر سجده می‌کنند، حضرت فرمود: اگر کسی را دستور می‌دادم که به کسی سجده کند، به زن می‌گفتم که برای شوهرش سجده نماید».^{۸۸}

ج. استقبال از شوهر و خوش آمدگویی به وی هنگام ورود به منزل

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

«حق مرد بر زن این است که... و تا درب حیاط به استقبالش بشتابد و به او خوش آمد بگوید و طشت و حوله بیاورد و دست او را بشوید و جز به خاطر دلیلی خود را از او منع ننماید».^{۸۹}

د. اطاعت و فرمانبرداری

ابو حمزه ثمالی از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده که:

«ما در خدمت پیامبر اکرم (ص) بودیم، درباره زن‌ها و امتیازهای عده‌ای از آن‌ها سخن می‌گفتیم که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: آیا برایتان بگویم بهترین زنان شما کدامند؟ اصحاب عرض کردند بفرمایید، حضرت (ص) فرمود: از بهترین زنان شما آن زنی است که ... آرایش و زینت‌کننده برای شوهرش باشد و از غیر او پوشیده باشد، آن زنی که گوش به سخن شوهرش بدهد و فرمانش را اطاعت کند و چون در بستر بروند خود را در اختیار همسر بگذارد و مانند یک مرد، شوق و رغبت به هم بستری نشان ندهد».^{۹۰} (بلکه بر خورد زنانه و عاطفه انگیز داشته باشد)».

هـ. بدرقه نمودن شوهر

مردی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: من همسری دارم؛ زمانی که به منزل می‌روم به استقبال من می‌آید و وقتی که بیرون می‌روم مرا بدرقه می‌کند و هر گاه من را اندوهگین ببیند

۸۸ «إِنَّ قَوْمًا أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا رَأَيْنَا أَنَا سَأَسْجُدُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَوْ كُنْتُ أَمْرًا أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِرَوْحِهَا». مکارم الاخلاق، ص ۵۱۲.

۸۹ «حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ... وَأَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتَرْحَبَ بِهِ وَ أَنْ تَقْدَمَ إِلَيْهِ الطَّشْتُ وَ الْمِنْدِيلَ وَ أَنْ تَوْضِعَهُ وَ أَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ». مکارم الاخلاق، ص ۴۱۲.

۹۰ «قَالَ إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمُ الْوَالِدَةَ الْوَدُودَ السَّيِّرَةَ الْعَفِيفَةَ الْعَزِيزَةَ فِي أَهْلِهَا الدَّابِلَةَ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجَةَ مَعَ زَوْجِهَا الْخَصَانَ مَعَ غَيْرِهِ النَّبِيَّ تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ تَطِيعُ أَمْرَهُ وَ إِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا أَرَادَ مِنْهَا وَ لَمْ تَبْدَلْ لَهُ تَبْدُلَ الرَّجُلِ». من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۹۸۳.



می پرسد چه چیز تو را غمگین ساخته، اگر برای روزی است که آن به عهده تو نیست و دیگری آن را به عهده گرفته (یعنی خداوند) و اگر در مورد امور آخرتی است پس خداوند بر اندوهت بیافزاید، پیامبر اکرم (ص) فرمود: آری برای خداوند کارگزارانی است و این زن یکی از آنان است. او نصف اجر شهید را خواهد برد.^{۹۱}

و. پوشاندن لباس به همسر

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«زنی که شوهر خود را لباس ببوشاند، خداوند در روز قیامت ۷۰ لباس بهشتی بر او می پوشاند که هر کدام از آن ها مانند گل شقایق است و چهل تن از حورالعین (زنان بهشتی) را خدمتکار او قرار می دهد».^{۹۲}

ز. خدمت نمودن به همسر

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«یک زن صالح شایسته بهتر است از هزار مرد ناصالح و هر زنی هفت روز همسرش را خدمت کند خدا هفت درب جهنم را به روی او ببندد و هشت درب بهشت را به رویش باز کند تا از هر دری که بخواهد وارد بهشت شود».^{۹۳}

ح. خوشبویی برای همسر

امام سجاد (ع) فرمودند:

«از بهترین زنان آن هایی هستند که خوشبو و طبّاخ (آشپز) خوبی باشند».^{۹۴}

۹۱ «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّتْنِي وَ إِذَا خَرَجْتُ شَيَّعْتَنِي وَ إِذَا رَأْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ مَا يَهْمُكَ إِنَّ كُنْتُ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلُ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَ إِنَّ كُنْتُ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَزَادَكَ اللَّهُ هَمًّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّ لِلَّهِ عَمَلًا وَ هَذِهِ مِنْ عَمَلِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ». من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۹۸۳.

۹۲ ما من امرأة تكسو زوجها إلا كساها الله يوم القيامة سبعين خلعاً من الجنة كل خلعاً منها مثل سفانق النعمان والريحان وتعطى يوم القيامة أربعين جارية تخدمها من الحور العين. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴۱، ص ۵۴۲.

۹۳ «المرأة الصالحة خير من ألف رجل غير صالح و أيما امرأة خدمت زوجها سبعة أيام علق الله عنها سبعة أبواب النار و فتح لها ثمانية أبواب الجنة تدخل من أيما شاءت». ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۵۷۱.

۹۴ «خير نسائكُم الطيبة الريح الطيبة الطعام». مكارم الاخلاق، ص ۰۰۲.



ط. دلجویی و طلب عفو

امام صادق(ع) فرمودند:

«بهترین زن کسی است که اگر خودش یا شوهرش خشمگین گردد، به شوهر می‌گوید دست من در دست توست(یعنی اختیار من با توست) به بستر خواب نخواهم رفت تا از من راضی شوی»^{۹۵}

ی. صبر و بردباری در برابر سختی‌های زندگی

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«بر زن لازم است که در هر حال در کنار شوهرش بوده و در مقابل سختی‌ها و تنگناها صبور و بردبار باشد مانند همسر حضرت ایوب(ع). او هیجده سال به حضرت ایوب(ع) خدمت کرد، حضرت ایوب(ع) را در پارچه‌ای می‌پیچید بر شانه‌هایش قرار می‌داد و در این حالت او را جابه‌جا می‌کرد. با دست خود گندم را آسیاب می‌نمود و نانی تهیه کرده و تقدیم حضرت ایوب(ع) می‌کرد و آن حضرت نیز در آن حالت، حمد الهی را به جای می‌آورد. آن زن تمام کارها را به خاطر دلسوزی و احسان و با نیت نزدیک شدن به خدا انجام می‌داد»^{۹۶}

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«زنی که در بدخوبی شوهرش صبر و شکیبایی کند، خداوند ثواب آسیه زن فرعون را به او می‌دهد»^{۹۷}

ک. نداشتن مهر سنگین

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«از برکت زن، کم بودن مهر و از شومی او، زیادی مهر است»^{۹۸}

۹۵ «خَيْرٌ نِسَائِكُمُ الَّتِي اِنْ غَضِبَتْ اَوْ اَغْضَبَتْ قَالَتْ لِرَوْجِهَا يَدِي فِي يَدِكَ لَا اُكْتَجَلُ بِغُمْضٍ حَتَّى تَرْضَى عَنِّي». همان.

۹۶ «يَجِبُ عَلَى الْمَرْأَةِ اَنْ تَصْبِرَ عَلَى زَوْجِهَا عَلَى الصَّرِّ وَ النَّفْعِ وَ تَصْبِرَ عَلَى الشَّدَّةِ وَ الرَّجَاءِ كَمَا صَبَرَتْ زَوْجَةُ اَيُّوبَ الْمُبْتَلَى صَبَرَتْ عَلَى خِدْمَتِهِ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً تَحْمِلُهُ عَلَيَّ عَاتِقَهَا مَعَ الْخَامِلِينَ وَ تَطْلَحُ مَعَ الطَّاحِنِينَ وَ تَغْسِلُ مَعَ الْغَاسِلِينَ وَ تَأْتِيهِ بِكِسْرَةٍ يَأْكُلُهَا وَ يَحْمَدُ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَتْ تَلْقِيهِ فِي الْكِسَاءِ وَ تَحْمِلُهُ عَلَيَّ عَاتِقَهَا شَفَقَةً وَ اِحْسَانًا اِلَى اللهِ وَ تَقْرُبًا اِلَيْهِ عَزَّ وَ جَلَّ». مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴۱، ص ۱۴۲.

۹۷ «مَنْ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا اَعْطَاهَا اللهُ مِثْلَ ثَوَابِ اَسِيَةَ بِنْتِ مُرَاجِمٍ». مكارم الاخلاق، ص ۴۱۲.

۹۸ «رَوَى اَنْ مِنْ بَرَكَهٍ الْمَرْأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا وَ مِنْ سُؤْمِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا». مكارم الاخلاق، ص ۸۹۱.



ل. بخشش مقداری از مهریه

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«سه طایفه از زن‌ها هستند که عذاب قبر از آن‌ها برداشته می‌شود و با حضرت فاطمه (س) دختر حضرت محمد (ص) محشور می‌گردند. زنی که بر غیرت شوهرش صبر کند و زنی که با شوهر بد اخلاق بسازد و زنی که مهریه‌اش را ببخشد؛ خدای تعالی به هر یک از این سه طایفه زن‌ها ثواب هزار شهید می‌بخشد و برای هر یک از آنان ثواب عبادت یک سال نوشته می‌شود»^{۹۹}

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«هیچ مردی مهر زن را قبل از آمیزش و عروسی نمی‌دهد مگر آن که خداوند بر هر دیناری ثواب آزاد کردن بنده‌ای را می‌دهد. پرسیدند: بخشش بعد از عروسی (دخول) چطور است؟ فرمود: آن از مودت (دل بستگی) و الفت به شمار آید»^{۱۰۰}

م. نگاه با محبت

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«نگاه کردن زن به شوهرش عبادت است و این کار موجب آموزش گناهان وی می‌گردد»^{۱۰۱}

ن. هم‌بستر شدن

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«بهترین زنان کسانی هستند که وقتی می‌خواهند با همسر خود هم‌بستر شوند، همان‌طور که لباس‌های خود را از تن بیرون می‌آورند، حیاء و شرم را نیز از خود دور می‌سازند»^{۱۰۲}

پیامبر اکرم (ص) در سفارشی به زنان نسبت به آماده بودن برای برآورده کردن نیازهای جنسی همسران خود فرمودند:

۹۹ «ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يُرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ يَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ (ص) امْرَأَةٌ صَبْرَتْ عَلَى غَيْرِةٍ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ صَبْرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةٌ وَهَبَتْ صَدَاقِهَا لِرَوْحِهَا يُعْطِي اللَّهُ تَعَالَى لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتُبُ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةَ سَنَةٍ». ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۵۷۱.

۱۰۰ «مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَصَدَّقَتْ عَلَى زَوْجِهَا بِمَهْرٍ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهَا بِكُلِّ دِينَارٍ عَنقَ رَقَبَةٍ قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكَيْفَ الِهْمَةُ بَعْدَ الدَّخُولِ فَقَالَ إِنَّمَا ذَلِكَ مِنَ الْمَوَدَّةِ وَ الْأَلْفَةِ». مكارم الاخلاق، ص ۷۳۲.

۱۰۱ «نظر المراه الي زوجها عباده و تكفير للذنوب». لئالی الاخبار، ج ۳ ص ۵۸۲.

۱۰۲ «حَيٌّ نَسَائِكُمْ الَّتِي إِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا خَلَعَتْ لَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ وَ إِذَا لَبَسَتْ لَبَسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ». مراه العقول، ج ۰۲، ص ۱۱.



«نمازهای خود را طولانی نکنید. با طولانی نمودن نمازهای خود مانع از برآورده شدن نیازهای همسرانتان نگردید»^{۱۰۳}

در حدیثی دیگر پیامبر اکرم(ص) درباره شرح وظایف زن در مقابل شوهر فرمودند:
«از جمله وظایف زن آن است که خواسته شوهر خود را برآورده کند، اگر چه بر بالای جهاز شتری نشسته باشد»^{۱۰۴}

س. کم خرج بودن

پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«هر زنی که سبب شود خرج زندگی شوهر حتی به اندازه یک درهم کاهش یابد، خدای متعال به چنین زنی در مقابل هر درهم یک قصر در بهشت کرامت می‌فرماید»^{۱۰۵}

سه. اظهار عشق و علاقه به شوهر

سومین وظیفه اخلاقی زن، طبق فرمایش امام صادق(ع) که در ابتدای بحث به آن اشاره شد، این است که علاقه و عشق خویش را به همسر خود ابراز نماید.^{۱۰۶}

روش اظهار عشق

در ادامه حدیث، روش این ابراز علاقه را نیز بیان نموده است. ما در این جا به بخشی از آن (روش) که برگرفته از احادیث اهل بیت علیهم السلام است، اشاره می‌کنیم.
با زبان و گفتار لطیف او را بفریبد
در همین حدیث شریف، امام صادق(ع) می‌فرماید:

۱۰۳ «النِّسَاءُ: لَا تَطُولْنَ صَلَاتَكُنَّ فَتَمْنَعَنَّ أَرْوَاجَكُنَّ». هداية الأمة إلى أحكام الأئمة؟ عهدهم؟، ج ۷، ص ۴۸؛ وسائل الشیعة، ج ۰۲، ص ۴۶۱.

۱۰۴ «لَا تَمْتَعَنَّ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرِ قَتَبٍ». کافی، ج ۵، ص ۷۰۵؛ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۶۱۲.
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: أَتَتْ امْرَأَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَتْ مَا حَقَّ الرَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ أَنْ تُجِيبَهُ إِلَى حَاجَتِهِ. «مرأة العقول في شرح أخبار آل الرسول»، ج ۰۲، ص ۰۲۳؛ وسائل الشیعة، ج ۰۲، ص ۹۵۱.

۱۰۵ «ما من امراه خفت عن زوجها من كآبته، درهما واحدا، الا كتب الله لها بكل درهم قصرا في الجنة». عوالم العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال، مستدرک سيدة النساء(س) إلى الإمام الجواد(ع)، ج ۰۱، ص ۵۲۵.

۱۰۶ «اظهار العشق له». قسمتی از همان حدیث که در اول بحث ذکر شد.



«برای اظهار عشق، زن باید خلابه داشته باشد»^{۱۰۷}

«خلابه»^{۱۰۸} در لغت یعنی زن، قلب شوهر خویش را با کلام لطیف و زیبا به سمت خود بکشاند. این گفتار نیکو به حالت‌های مختلفی می‌تواند خودش را نشان دهد که به چند نمونه از سخنان اهل بیت علیهم السلام اشاره می‌کنیم.

الف. لبخند زدن

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«زنی که نگاهش به شوهرش بیفتد اما به او لبخند نزند مورد خشم و غضب خدا واقع می‌شود»^{۱۰۹}.

ب. هدیه دادن

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«هدیه، محبت به بار می‌آورد و کینه‌ها را از بین می‌برد»^{۱۱۰}.

نیکو جلوه کردن در چشم شوهر

یکی دیگر از روش‌های اظهار عشق زن به شوهر جلوه کردن با لباس و سیمای نیکو در چشم همسر است.^{۱۱۱}

خداوند در قرآن به زنان می‌فرماید که زینت‌های خود را برای شوهرانتان آشکار نمایید.^{۱۱۲}

۱۰۷ «بالخلابه». تحف العقول، ص ۳۲۳.

۱۰۸ «الخلابه: أن تخب المرأة قلب الرجل بألف القول وأخبله وامرأة خلابه أي: مذهبه للفؤاد». العین، ج ۴، ص ۹۶۲.

۱۰۹ «ما من امراه نظرت الی زوجها ولم تضحک له الا غضب الله علیها فی کل شیء». عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، مستدرک سیده النساء؟ عها؟ إلی الإمام الجواد(ع)، ج ۱، ص ۵۲۵۵.

۱۱۰ «الهدیة تورث المحبة وتسل الاحقاد». پیام پیامبر(ص)، ص ۶۹۸.

۱۱۱ «بالهیئته الحسنه لها فی عینه». تحف العقول، ص ۳۲۳.

۱۱۲ لا یُبدین زینتھنَّ إِلَّا لِبعولتھنَّ. نور، آیه ۱۳.



احادیث فراوانی در این زمینه از حضرات معصومین علیهم السلام بیان شده و به زنان سفارش شده است که بهترین لباس‌ها و زینت‌های خود را در برابر شوهران خود بپوشند.^{۱۱۳}

اگر زنان و مردان به دستوره‌های معصومین علیهم السلام در مباحث خانواده دقت و عمل می‌نمودند، هیچ مشکلی در رابطه‌ها پیش نمی‌آمد و زندگی آرامی داشتند.

۱۱۳ «عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَ تَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غَدُوَّةً وَ عَشِيَّةً». کافی، ج ۵، ص ۸۰۵.



درس پنجم: رضایت و آرامش در خانواده

فلسفه تشکیل خانواده دست یابی به آرامش می‌باشد^{۱۱۴} و تعالیم ارزشمند اسلام نیز در پی ایجاد، تقویت و تحکیم آرامش برای انسانهاست و برای تحقق آن باید اصولی را رعایت کنیم تا زندگی برای ما سهل و آسان شود. ما در این قسمت به چند اصل از بین اخبار و روایات که در کتاب رضایت از زندگی - اثر استاد عبدالهادی مسعودی - نیز به آن‌ها اشاره شده است، بسنده می‌کنیم.

اصول زندگی سهل و آسان

بر اساس روایت‌های اهل بیت علیهم السلام برای این که زندگی راحت و آرامش بخشی داشته باشید، بهتر است خود را در دنیا این گونه فرض کنید.

یک، مبهمان دانستن خویش در این دنیا

نالها و شکایت‌ها، مخصوص کسانی است که دنیا را منزل همیشگی خود می‌دانند و این نوع نگاه به دنیا صحیح نیست. اما اگر انسان، خود را مهمان بداند به دنیا دل نمی‌بندد، از این رو ناملایمات آن آسان می‌گردد و کوچ از آن، راحت می‌شود.

۱۱۴ وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ خداوند بلند مرتبه در قرآن، خلقت زن و شوهر و محبت و مودت دلبستگی) میان آن‌ها را از نشانه‌های حکمت خود معرفی می‌کند. روم، آیه ۱۲.



پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید:

«در دنیا مهمان باشید... آن چه را ساکن نمی‌شوید، می‌سازید و آن چه را نمی‌خورید، جمع می‌کنید و آن چه را به دست نمی‌آورید، آرزو می‌کنید»^{۱۱۵}

کسی که در دنیا، خود را «مهمان» و مال را «امانت» بداند، نه نسبت به مدّت اقامت در دنیا نالان می‌شود و نه نسبت به آن چه ندارد یا از دست داده، شکایت می‌کند. در نهایت زندگی آرام و رضایت‌مندی خواهد داشت.

دو. رهگذر دانستن خویش در این دنیا

ایده‌آل‌نگری انسان، مربوط به جایی است که وطن اصلی و اقامتگاه همیشگی او باشد. ما از نازیبایی‌ها و ناخوشایندی‌ها ناراحت می‌شویم اما اگر مربوط به محل اقامت ما نباشد، تحمل آن، چندان مشکل نخواهد بود.

پیامبر اکرم (ص) در این باره می‌فرماید:

«در دنیا به گونه‌ای باش که گویا ناآشنا یا رهگذر هستی و خودت را در زمره اهل قبور قرار بده»^{۱۱۶}

اگر انسان، خود را در این دنیا غریب و رهگذری بداند که لحظاتی را در آن سپری می‌کند، ناملایمات و سختی‌های آن را آزار دهنده نمی‌بیند. پس بیاییم خودمان را رهگذر بدانیم تا راحت‌تر زندگی کنیم.

سه. دل نبستن به دنیای ناپایدار

روح آدمی، جاوید و پایدار است، از این‌رو دل باید وابسته به چیزی باشد که پایدار و پرفایده است. دنیا ناپایدار و پریزان است؛ بنابراین شایسته دل بستن نیست. دلی که دنبال آخرت و نعمت‌های آن باشد، سختی‌های دنیا را هیچ می‌بیند و این گونه است که در میان سختی‌ها، آسوده زندگی می‌کند.

۱۱۵ «کونوا فی الدّیّنا اُضیافاً... تبنون ما لاتسکون و تجمعون ما لاتأکلون و تأملون ما لاتدرکون». کنز الفوائد، ج ۱، ص ۴۴۳.

و در کلام دیگری می‌فرماید: «إِنَّ التَّاسَّ فِي الدُّنْيَا ضَيْفٌ وَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ عَارِيَةٌ وَ إِنَّ الضَّيْفَ رَاجِلٌ وَ إِنَّ العَارِيَةَ مَرْدُودَةٌ؛ به درستی مردم در دنیا مهمان‌اند و آن چه در دستشان است، امانت است و به درستی مهمان، کوچ کننده است و امانت، بازگردانده می‌شود». إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۲۲. الباب الرابع فی ترک الدنیا. هم او می‌فرماید: «ما أصحَّ فی الدّیّنا أخذٌ إلاّ ضیفاً و ماله عاریة، فالضیفُ مُنْطَلِقٌ وَ العاریةُ مُؤَدَّاةٌ؛ هیچ کس در دنیا نیست مگر این که مهمان است و مال او امانت؛ پس مهمان می‌رود و امانت، برگردانده می‌شود». تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۳۱، باب ذم الدنیا.

۱۱۶ «كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرٌ سَبِيلٍ، وَعَدَّ نَفْسَكَ فِي أَهْلِ الْقُبُورِ». نهج الفصاحه، ص ۱۶۶.



امیرالمؤمنین علی(ع) دربارهٔ این روش می‌فرمایند:
 «دل‌هایتان را از این دنیا خارج کنید قبل از آن که بدن‌هایتان از آن خارج شود. پس در دنیا آزمایش می‌شوید و برای غیر آن آفریده شده‌اید».^{۱۱۷}

چهار. خواب دانستن دنیا

دنیا زودگذر است و تا انسان چشم باز کند، خود را در جهانی می‌بیند که هیچ چیز از امور دنیایی در دست او نیست؛ از این‌رو، دنیا مانند یک خواب است. انسان خردمند، نه به دست آوردن در خواب را واقعی می‌داند و نه از دست دادن در آن را و چون چنین است نه از به دست آوردن چیزی سرمست می‌شود و نه به خاطر از دست دادن چیزی نالان می‌گردد. توجه به این قسمت از واقعیت، اثر عمیقی در روح انسان بر جای می‌گذارد.

به همین جهت، امام صادق(ع) به جابر می‌فرماید:
 «دنیا را مانند مالی قرار بده که در خواب به دست آورده‌ای و چون بیدار شدی، چیزی از آن نمی‌یابی. آیا چیزی جز لباسی است که می‌پوشی و کهنه می‌کنی؟

و یا غذایی که می‌دانی به چه تبدیل می‌شود؟! در تعجیم از گروهی که آغاز و پایان آنان بسته شده و آوای کوچ، در میان آنان بلند است؛ در حالی که آنان در بی‌خبری بازی می‌کنند».^{۱۱۸}

۱۱۷ «أَخْرَجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَسْمَانُكُمْ فَفِيهَا اخْتَبِرْتُمْ وَ لَعِبْتُمْ بِهَا خَلْقْتُمْ». نهج البلاغه، ص ۳۲.
 و در کلام دیگری می‌فرماید: «كُنْ فِي الدُّنْيَا بَدَنِيكَ وَ فِي الْآخِرَةِ بَقَلْبِكَ؛ در دنیا با بدنت باش و در آخرت با قلبت». کشف الغمّة فی معرفة الاثمة ج ۱، ص ۷۶۵.

۱۱۸ «جَعَلَ الدُّنْيَا مَالًا أَصْبَهَتْ فِي مَنَامِكَ ثُمَّ انْتَبَهَتْ وَ لَيْسَ مَعَكَ مِنْهُ شَيْءٌ. هَلْ هُوَ إِلَّا تَوْبٌ تَلْبَسُهُ فَتَلْبِيهِ، أَوْ طَعَامٌ يَعُودُ بَعْدَ إِلَى مَا تَعَلَّمُ؟! فَالْعَجَبُ لِقَوْمٍ حَسِبُوا أَوْلَهُمْ عَنِ آخِرِهِمْ، ثُمَّ نَوَدُوا فِيهِمْ بِالرَّحِيلِ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ يَلْعَبُونَ». تنبيه الخواطر و زهدة النواظر المعروف بمجموعة ورام، ج ۲، ص ۰۳.

امام باقر(ع) نیز به جابر می‌فرماید: «أَنْزَلَ الدُّنْيَا مِنْكَ كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ ثُمَّ ارْتَحَلَتْ عَنْهُ، أَوْ كَمَالٍ وَجَدْتَهُ فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظْتَ وَ لَيْسَ مَعَكَ مِنْهُ شَيْءٌ. إِنْ إِيَّاكُمْ ضَرَبَتْ لَكَ هَذَا مَثَلًا لِأَنَّهَا عِنْدَ أَهْلِ اللَّبِّ وَ الْعِلْمِ بِاللَّهِ كَفَىءَ الظَّلَالِ؛ دنیا را مانند منزلی قرار بده که در آن فرود آمدی سپس از آن کوچ کردی یا مانند مالی قرار ده که در خوابت آن را یافته‌ای و چون بیدار شدی چیزی از آن را با خود ندیدی. به درستی که من این را به عنوان مَثَل برایت نقل کردم؛ چون دنیا نزد اهل خرد و آگاه از خدا مانند سایه است». بحار الانوار، ج ۷، ص ۹۹.

در کلام دیگری از امام صادق(ع) چنین نقل شده: «أَنْزَلَ الدُّنْيَا كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ فَارْتَحَلَتْ عَنْهُ، أَوْ كَمَالٍ أَصْبَهَتْ فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظْتَ وَ لَيْسَ فِي يَدِكَ شَيْءٌ مِنْهُ. فَكَمْ مِنْ حَرِيصٍ عَلَى أَمْرٍ قَدْ شَقِيَ بِهِ حَيَاتَهُ، وَ كَمْ مِنْ تَارِكٍ لِأَمْرٍ قَدْ سَعَدَ بِهِ حَيَاتِهِ؛ دنیا را مانند منزلی قرار ده که در آن فرود آمدی سپس از آن کوچ کردی یا مانند مالی قرار ده که در خوابت آن را یافته‌ای و چون بیدار شدی چیزی از آن را در دست خود ندیدی. چه بسا



پنج. پل دانستن دنیا و باز نگشتن از آن

کسی که برای رفتن به یک سفر تفریحی یا زیارتی باید از رودخانه‌ای گذر کند، همه توجه خود را به پل متوجه نمی‌سازد. کمبودهای پل او را رنج نمی‌دهد چون قصد ماندن روی پل را ندارد. واقعیت این است که دنیا مانند پلی برای گذر به سوی آخرت است.

امام صادق (ع) یکی از موعظه‌های لقمان به فرزندش را این چنین نقل می‌کند:

«دنیا را مانند پلی بر نهری بدانید که از آن می‌گذرید و آن را ترک می‌کنید و تا پایان روزگار، دیگر

به آن بر نمی‌گردید».^{۱۱۹}

شش. مسافر دانستن خویش

اگر انسان، دنیا را یک «سفر» و خود را «مسافر» آن بداند، سختی‌های زندگی او را بی تاب و رنجور نمی‌سازد. در این باره، کلام زیبایی از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است.

«از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند: انسان در دنیا چگونه است؟ فرمود: مانند جوینده قافله‌ای که دامن بالا زده است. پرسیدند: چقدر در این دنیا اقامت دارد؟ فرمود: به اندازه کسی که از قافله، جا مانده است. پرسیدند: پس فاصله دنیا و آخرت چقدر است؟ فرمود: یک چشم به هم زدن. خداوند عزوجل می‌فرماید: آن روز فکر می‌کنند که گویا به جز ساعتی از روز، درنگ نداشته‌اند».^{۱۲۰}

کسی که نسبت به چیزی حریص بوده و چون آن را یافته بدبخت شده و چه بسا کسی که چیزی را ترک کرده و چون به آن رسیده خوش بخت شده است». همان، ج ۷، ص ۵۷، ص ۲۶۲.

۱۱۹ «جَعَلَ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلَى نَهْرٍ جُرَّتْ عَلَيْهَا وَ تَرَكْتَهَا وَ لَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهَا آخِرَ الدَّهْرِ». کافی، ج ۲، ص ۵۳۱.

۱۲۰ «قِيلَ لِلنَّبِيِّ (ص): كَيْفَ يَكُونُ الرَّجُلُ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ: مُتَمَسِّمًا كَطَالِبِ الْقَافِلَةِ. قِيلَ: فِي كَيْمِ الْفَرَارِ فِيهَا؟ قَالَ: كَقَدْرِ الْمُتَخَلِّفِ عَنِ الْقَافِلَةِ. قِيلَ: فَكَيْمَ مَا بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ قَالَ: غَمَضُهُ عَيْنًا؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ». روضة الواعظين و بصيرة المتعصمين، ج ۲، ص ۴۴.

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در کلام زیبایی در این باره می‌فرماید: «عباد الله! اوصيكم بالرفق لهذه الدنيا التاركة لكم وان لم تحبوا تركها... فإنيما ملككم ومثلها كسفر سلكوا سبيلا فكأنهم قد قطعوه، وأموا علما فكأنهم قد بلغوه». نهج البلاغه، ص ۴۴۱.

همچنین در سفارش آن حضرت به فرزندشان امام حسن (ع) نیز آمده است: «يا بَنِيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَزَوَالِهَا وَإِنْتِقَالِهَا، وَأَنَّكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَمَا أَعَدَّ لِأَهْلِهَا فِيهَا، وَضَرَبْتُ لَكَ فِيهِمَا الْأَمْثَالَ، لِتَعْتَبِرَ بِهَا، وَتَحَذَرَ عَلَيْهَا. إِنَّمَا مِثْلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمِثْلِ قَوْمٍ سَفَرُوا بِهَيْمٍ مِّنْزِلٍ جَدِيدٍ فَأَمَّوْا مَنَزِلًا حَصِيْبًا وَجَنَابًا مَرِيْعًا، فَاحْتَمَلُوا وَعَثَاءَ الطَّرِيقِ، وَفِرَاقَ الصَّدِيقِ، وَخَشَوْنَ السَّفَرِ، وَخَشَوْنَ الْمَطْعَمِ، لِإِنِّتَوُا سَعَةً دَارِهِمْ، وَمَنْزِلَ قَرَارِهِمْ، فَلَيْسَ يَجِدُونَ لَيْسَىٰ مِنْ ذَلِكَ أَلْمَا، وَلَا يَرَوْنَ نَفَقَةً فِيهِ مَعْرَمًا، وَلَا شَيْءَ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِمَّا قَرَّبَهُمْ مِنْ مَنْزِلِهِمْ، وَأَدْنَاهُمْ مِنْ مَحَلَّتِهِمْ». كشف المحجبة لثمرة المهجعة، ص ۶۲۲.

امام باقر (ع) می‌فرماید: «أهل الدنيا سفر يخلون عقد رجالهم في غيرها؛ أهل دنیا مسافرائی هستند که بند کوله



هفت. مستأجر دانستن خویش

خانه شخصی، باید بی‌عیب و نقص و همراه با شادی و سرور باشد. سختی‌های خانه‌ای که ملک شخصی انسان نباشد، آزاردهنده نیست. کسانی که از دشواری‌های دنیا رنجور می‌شوند آن را خانه خود و منزلگاه همیشگی پنداشته‌اند و از این واقعیت غافل‌اند که خانه دنیا موقتی است و ما هیچ مالکیتی نسبت به آن نداریم. کسانی که به این واقعیت توجه دارند در برابر سختی‌های آن، بردبار و مقاوم می‌شوند.

به همین دلیل، امام کاظم(ع) می‌فرمایند:

«در دنیا مانند ساکن خانه‌ای باش که مال او نبوده، به درستی که منتظر کوچ است.»^{۱۲۱}

بارشان را در غیر آن، باز می‌کنند». تحف العقول، ص ۹۹۲.
 امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «أهل الدنيا كركب يسار بهم وهم نيام؛ اهل دنیا مانند سواره‌ای هستند که آنان را می‌بزند در حالی که خواب‌اند». نهج البلاغه، ص ۹۷۴.
 و یا می‌فرماید: «إن أهل الدنيا كركب؛ ييناهم خلوا إذ صاح بهم سائقهم فارتحلوا؛ همانا اهل دنیا مانند سواره‌اند؛ در حالی که آنان بار گشوده‌اند، راهنما بانگ زند و آنان کوچ کنند». امالی صدوق، ص ۲۶.

۱۲۱ «كُن فِي الدُّنْيَا كَسَاكِينٍ دَارٍ لَيْسَتْ لَهُ، إِنَّمَا يَنْتَظِرُ الرَّحِيلَ». تحف العقول، ص ۸۹۳.



بخش دوم

مهارت‌های فرزندپروری

فصل اول: حقوق فرزندان

درس ششم: حقوق کودک قبل از تولد

حَق داشتن والدین شایسته

ازدواج، فاصله و جدایی دو فرد را به پیوند تبدیل می‌کند، آن‌چنان هماهنگی و علاقه متقابلی میان آن دو برقرار می‌شود که مانند یک پیکر می‌گردند و در پناه این ازدواج از خطر انحراف جنسی و اخلاقی حفظ می‌شوند.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^{۱۲۲}

و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند».

تولد فرزند خارج از این دایره، اولین تجاوز به حقوق کودک است که اسلام از آن نهی کرده است. کودکی که خود را از پیوندی بی هویت و غیر مقدس بداند در آینده دچار اختلال‌های عاطفی و رفتاری فراوان خواهد شد. بسیاری از کودکان بزهکار، مشکل‌های عاطفی و رفتاری خود را از این مسئله به دست آورده‌اند.^{۱۲۳}

۱۲۲ روم، آیه ۱۲.

۱۲۳ حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام، ص ۰۷.



حَقِّ داشتن سلامت جسم و روان

در روایات، سفارش‌های فراوانی در جهت رعایت این حق از حقوق کودک شده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ؛^{۱۲۴} جایگاه مناسبی برای نطفه‌های خود برگزینید».

و نیز می‌فرماید:

«از خانواده شایسته، همسر انتخاب کنید؛ زیرا رگ و ریشه‌ها سرایت می‌کنند».^{۱۲۵}

یا در جایی دیگر می‌فرماید:

«با خویشاوندان نزدیک ازدواج نکنید؛ زیرا فرزندی که متولد می‌شود، نحیف (لاغر) و ضعیف خواهد بود».^{۱۲۶}

از امیرالمؤمنین علی (ع) بیان شده که ایشان فرمودند:

«از ازدواج با زن احمق اجتناب کنید؛ زیرا هم‌نشینی با چنین همسری یک بلا است و فرزندان نیز ضایع خواهند شد».^{۱۲۷}

قبل از همه این روایات، آیه شریفه نیز وظیفه حفظ و نگهداری خانواده از خطرات جسمی، اخلاقی و معنوی را بر دوش پدر و مادر به ویژه پدر می‌داند و می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقْوُدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»^{۱۲۸}

ای کسانی که ایمان آورده اید، خودتان و اطرافیان‌تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست، حفظ کنید».

۱۲۴ دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۰۰۲.

۱۲۵ «قَالَ تَزَوَّجُوا فِي الْخَيْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ». مکارم الاخلاق، ص ۷۹۱.

۱۲۶ «لِلْحَدِيثِ: لَاتَنْكَحُوا الْقَرَابَةَ الْقَرِيبَةَ، فَإِنَّ الْوَلَدَ يَخْلُقُ صَاطِبًا» النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۳، ص ۶۰۱.

۱۲۷ «إِيَّاكُمْ وَ تَزْوِيجَ الْأَحْمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدُهَا ضَيَاعٌ». کافی، ط الإسلامیه، ج ۵، ص ۴۵۳.

۱۲۸ تحریم، آیه ۶.



کارهای مربوط به حقوق کودک، قبل از ازدواج

شایسته است هر شخصی قبل از ازدواج - که نتیجه آن ایجاد نسل است- برای فرزندان خود، کارهایی را انجام دهد: «

۱. با کسی ازدواج کند که دیندار و با ایمان باشد.^{۱۲۹}
 ۲. همسری برگزیند که دارای خانواده‌ای متدین، پاکدامن و نجیب باشد.^{۱۳۰}
 ۳. همسر آینده اش خوش اخلاق و نیکو باشد.^{۱۳۱}
- کارهای مربوط به حقوق کودک، قبل از به دنیا آمدن زمینه‌هایی بعد از ازدواج و قبل از بسته‌شدن نطفه در روحیه و سلامتی فرزندان اثر دارند که آن‌ها را در دو بخش بیان می‌کنیم:

یک. نکاتی در مورد بسته شدن نطفه و تشکیل جنین

۱. گفتن بسم الله در زمان رابطه زناشویی. با نام، یاد و برای خدا، دست به این کار زدن و الا شیطان خود را با انسان شریک می‌کند.^{۱۳۲}
۲. دعا کردن، و درخواست فرزند سالم و صالح داشتن.^{۱۳۳}
۳. ازدواج با فردی که دارای سلامت جسم و روان باشد.^{۱۳۴}
۴. رعایت بسیاری از کارهای مستحب و مکروهی که در رابطه زناشویی در دین اسلام مورد توجه

۱۲۹ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ». کافی، ط الإسلامیه، ج ۵، ص ۳۳۳.

۱۳۰ «بِسْمِ اللَّهِ قَالَ: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) خَطِيبًا فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا كُمْ وَخَضْرَاءُ الدَّمَنِ قَبِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضْرَاءُ الدَّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ الشَّوْءِ». کافی، ج ۵، ص ۲۳۳.

۱۳۱ «رَوَى يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارِ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) أَنْ لِي قَرَابَةٌ قَدْ حَطَبَ إِلَيَّ ابْنَتِي وَ فِي خَلْعِهِ سُوءٌ فَقَالَ لَا تَزَوَّجْهُ إِنْ كَانَ سَيِّئُ الْخَلْقِ». من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۹۰۴.

۱۳۲ «فَقَالَ: إِذَا أَرَدْتَ الْجَمَاعَ، فَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لِإِلَهِهِ الْإِلَهِةُ وَبَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، اللَّهُمَّ إِنِّي قَضَيْتُ مَتَى فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ خَلِيفَةً، فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شُرَكَاءَ وَلَا نَصِيبًا وَلَا حِطَاءً، وَاجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا مَصْفًى مِنَ الشَّيْطَانِ وَرَجْرِهِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ». کافی، ط دارالحديث، ج ۱۱، ص ۲۵۱.

۱۳۳ «عَنِ الْخَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنِّي مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ وَ قَدْ انْفَرَصُوا وَ لَيْسَ لِي وَ لَدَّ قَالَ فَادْعُ اللَّهَ تَعَالَى وَ أَنْتَ سَاجِدٌ وَ قُلْ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَانْدُرْبِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَ لَيْكُنْ ذَلِكَ فِي الرَّكْعَةِ الْأَخِيرَةِ مِنْ صَلَاةِ الْعَتَمَةِ ثُمَّ جَامِعْ أَهْلَكَ مِنْ لَيْلَتِكَ قَالَ الْخَارِثُ بْنُ الْمُغِيرَةِ فَفَعَلْتُ فَوُلِدَ لِي عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ». طب الأئمة؟ عهدهم؟، ص ۰۳۱.

۱۳۴ «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ص) إِنَّا كُمْ وَ تَزَوَّجِ الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدُهَا ضِيَاعٌ». مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۰۲، ص ۸۵.



بوده است مانند: عدم جماع در حال عصبانیت، بیماری، کسوف^{۱۳۵}، خسوف، زمان زلزله، در حالت صحبت کردن^{۱۳۶}، در حضور دیگران^{۱۳۷}، رو و یا پشت به قبله^{۱۳۸}، هم‌چنین عدم جماع در روزها و ساعات‌های خاص مانند: هنگام طلوع آفتاب^{۱۳۹}، غروب آفتاب تا زمانی که سرخی شفق برود^{۱۴۰}، شب عید فطر و قربان، شب اول، نیمه و آخر ماه‌های قمری به جز اول ماه رمضان^{۱۴۱}، بین اذان و اقامه، انجام رابطه زناشویی پس از جنب شدن و پیش از غسل یا وضو^{۱۴۲}، یا به فکر شخص دیگری بودن در حال آمیزش.

دو. نکاتی درباره دوران بارداری مادر

از این دوره در متن‌های دینی به عنوان مرحله‌ای که خوشبختی یا بدبختی کودک در آن شکل می‌گیرد، یاد شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند:
 «بدبخت کسی است که در رحم مادر گرفتار شقاوت شود و خوشبخت کسی است که در شکم مادر سعادت یافته باشد»^{۱۴۳}.

بسیاری از خوردنی‌ها در زمان بارداری در جسم و خلق فرزند اثر می‌گذارد.
 پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«به زن آبستن در آخرین ماه بارداری، خرما بخورانید تا فرزندش بردبار و پاکیزه شود»^{۱۴۴}.

و نیز در جای دیگر فرمودند:

«به زنان آبستن «به» بخورانید تا فرزندانشان خوش اخلاق شوند»^{۱۴۵}.

۱۳۵ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۴۱، ص ۴۲۲، ح ۱.

۱۳۶ وسائل الشیعه، ج ۴۱، ص ۷۸، ح ۳.

۱۳۷ همان، ج ۴۱، ص ۴۹، ح ۱ و ۲.

۱۳۸ همان، ص ۷۹، ۸۹، ح ۱.

۱۳۹ همان، ص ۹ و ۱۹، ح ۱.

۱۴۰ همان.

۱۴۱ همان، ص ۹ و ۱۹، ح ۱ و ۳؛ ج ۷، ص ۵۵۲، ح ۱.

۱۴۲ همان، ج ۴۱، ص ۹۹، ح ۱ و ۲.

۱۴۳ «الشَّقِيّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ - وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ». تفسیر القمی، ج ۱، ص ۷۲۲.

۱۴۴ «أَطْعَمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّتِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا». مکارم الاخلاق، ص ۹۶۱.

۱۴۵ «أَطْعَمُوا حَبَالَتَكُمْ السَّفْرَجَلَ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ». الدعوات، راوندی، سلوة الحزین، النص،



و روایت‌هایی از این قبیل که در مورد خربزه، سایر میوه‌ها، غذاها و اثراتشان در دوران بارداری ذکر شده است.^{۱۴۶}

حق زندگی

یکی دیگر از حقوق فرزندان بر والدین داشتن حق زندگی است. هیچ پدر و مادری نمی‌تواند این حق را از فرزندان خود سلب نمایند. از دیدگاه اسلام، جنین از زمان نطفه از اصلی‌ترین حقّ که حق حیات است، برخوردار می‌شود و با توجه به این نکته در اسلام برای صدمه وارد کردن بر جنین در مراحل مختلف رشد، مجازات‌هایی در نظر گرفته شده است.

حتی برای صدمه وارد کردن به نطفه و از بین بردن آن نیز مجازات و جرائمی وارد شده چنانکه در کتاب جواهر الکلام نقل شده اگر کسی سبب شود که مرد هنگام نزدیکی، نطفه را بیرون رحم بریزد باید ده دینار برای از بین بردن نطفه بپردازد.^{۱۴۷}

نفقه جنین

یکی دیگر از وظایف، در دوران بارداری این است که با خوراندن غذاهای سالم و مفید به مادر در این دوران، موجبات رشد و تقویت فرزند در رحم را ایجاد نمایند؛ همانطور که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»^{۱۴۸}

اگر باردارند خرجشان را بدهید تا کودک را به دنیا بیاورند».

ص ۱۵۱.

۱۴۶ برای اطلاع بیشتر می‌توانید به کتب روایی مراجعه نمایید که البته کتاب‌هایی چون ریحانه بهستی، زحمت گردآوری این روایات را با مراجعه به منبع اصلی آن کشیده است.

۱۴۷ جواهر الکلام، ج ۳۴، ص ۵۷۳.

۱۴۸ طلاق، آیه ۶.



درس هفتم: حقوق کودک در بدو تولد

حق نسب

نخستین حق نوزاد بعد از ولادت آن است که پدر نسبت به فرزندی او اقرار و اعتراف نماید و سرپرستی او را بر عهده بگیرد.^{۱۴۹}

حق داشتن امنیت شخصی و اجتماعی

سقط جنین، رها کردن بعد از تولد، سپردن آن‌ها به شیرخوارگاه‌ها بدون پذیرش وظیفه پدری و مادری، و اداری کردن کودکان به کار در سنین پایین، گدایی کردن و کارهای غیر اخلاقی از جمله چهره‌های جدید تجاوز به امنیت شخصی و اجتماعی کودکان است. بنابراین در قرآن کریم محروم کردن فرزندان از امنیت شخصی و اجتماعی، پرهیز داده شده است.^{۱۵۰}

۱۴۹ «أَيُّمَا رَجُلٍ نَفَى نَسَبَ وَوَلَدِهِ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ اِخْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ وَفَضَحَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ». عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۳، ص ۸۱۴.

۱۵۰ «أَوْ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٍ. نحل، آیه ۸۵.
وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قُتِلْتُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا. اسراء، آیه ۱۳.



تلقین ارزش‌های دینی به نوزاد

۱. گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد.^{۱۵۱}
 ۲. تحنیک یا کام برداری از کودک با تربت سیدالشهداء یا آب فرات یا آب باران.
 ۳. حق داشتن نام نیکو.^{۱۵۲}
- امام رضا(ع) فرمودند:
- «از سیره عملی اهل بیت علیهم السلام این است که تا هفت روز نام فرزند پسر را محمد می‌گذارند».^{۱۵۳}
۴. ختنه کردن پسران.^{۱۵۴}
 ۵. حلق یا تراشیدن موی سر نوزاد در روز هفتم زندگی.^{۱۵۵}
 ۶. ولیمه دادن به هنگام تولد، البته لازم نیست در همان روز ولادت باشد.^{۱۵۶}
 ۷. حق تغذیه با شیر مادر.^{۱۵۷}
 ۸. عقیقه کردن. یکی از کارهای مستحبی که بسیار سفارش شده این است که گوسفند، گاو یا شتری را در روزهای نخست تولد نوزاد که بهتر است در روز هفتم باشد) برای او قربانی و گوشت آن را به صورت
-
- ۱۵۱ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَدِّ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ لِيَقِمَ فِي الْبَيْتِ فَإِنَّ ذَلِكَ عِضْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ الْإِفْرَاعُ لَهُ». الجعفریات، أشعبيات، ص ۲۳.
- «رَوَى الْخَسْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ حَنَكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتُرْبَةِ الْخَسْنِ (ع) فَإِنَّهَا أَمَانٌ». مصباح المتعهد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۲۳۷؛ کافی، ط الإسلامیه، ج ۶، ص ۴۲.
- ۱۵۲ «يَا عَلِيُّ حَقَّ الْوَلَدُ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ». من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۲۷۳.
- «عن أبي الحسن (ع) قال أول ما يبزر الرّجل ولده أن يسميه باسم حسن فليحسن أحدكم إسم ولده». جامع أحاديث الشيعة، بروجردی، ج ۶۲، ص ۸۰۷.
- ۱۵۳ «لَا يُؤَلَّدُ لَنَا مَوْلُودٌ إِلَّا سَمَّيْنَاهُ مُحَمَّدًا فَإِذَا مَضَى سَبْعَةُ أَيَّامٍ فَإِنْ شِئْنَا غَيَّرْنَا وَ إِلَّا تَرَكَنَا». عدة الداعي و نجاح الساعي؛ ص ۷۸.
- ۱۵۴ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) اخْتَبُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّبَاعِ - فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَ أَسْرَعُ نَبَاتًا لِلَّحْمِ». صحيفه الإمام الرضا(ع)، ص ۱۴؛ رواة الشيخ الصدوق في العيون، ج ۲، ص ۸۲، ح ۹۱؛ الرافعي في التدوين، ج ۲، ص ۴۳؛ ابن حجر في لسان الميزان، ج ۲، ص ۷۱۴.
- ۱۵۵ «يَخْلُقُ رَأْسُهُ فِي السَّبَاعِ وَ يَتَصَدَّقُ بِوَزْنِهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً فَإِنْ لَمْ يَجِدْ رَفَعَ الشَّعْرَ أَوْ عَرَفَ وَزَنَهُ فَإِذَا أَيْسَرَ تَصَدَّقَ بِوَزْنِهِ». مسائل علي بن جعفر و مستدركات، ص ۵۱.
- «إِذَا مَضَى سَبْعَةُ أَيَّامٍ فَلْيَسِّنْ عَلَيْهِمْ حَلْقَهُ إِنَّمَا الْخَلْقُ وَ الْعَقِيقَةُ وَ الْإِسْمُ فِي الْيَوْمِ السَّبَاعِ. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة؟ عهيم؟، ج ۷، ص ۶۲۳.
- ۱۵۶ «بَابُ اسْتِخْبَابِ إِطْعَامِ النَّاسِ عِنْدَ وِلَادَةِ الْمَوْلُودِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ». وسائل الشيعة، ج ۱۲، ص ۱۰۴.
- ۱۵۷ «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّ الرِّضَاعَةَ. بقره، آیه ۳۳۲.
- «عن امير المؤمنين؟ ع؟، ما من لبن رضع به الصبي أعظم بركة عليه من لبن أمه». تفسير الصافي، ج ۱، ص ۱۶۲.



دیدند، برخی از صحابه خواستند آن‌ها را از بازی کردن باز دارند، پیامبر فرمودند: آن‌ها را رها کنید تا بازی کنند که خاک، محل پرورش کودکان است.^{۱۶۱}

باز در روایتی دیگر داریم که پیامبر اکرم(ص) فرمودند:
«هر کس کودکی نزد اوست، باید برای او کودک شود». ^{۱۶۲}
یعنی رفتاری کودکانه داشته باشد.

سه. حق تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت برای فرزندان شامل چند بخش می‌شود که در سخنان معصومین علیهم السلام به آنها اشاره شده است:

الف. تعلیم اصول دین

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «زبان کودکانان را به «لااله الا الله» بگشایید». ^{۱۶۳}
یعنی اولین کلمه‌ای که به فرزندان یاد می‌دهید کلمه توحید باشد. در حدیثی آموزش مسئله‌های اعتقادی به کودک به شکل مفصل بیان شده است: عبدالله بن فضاله گوید که از امام باقر یا امام صادق(ع) شنیدم:

«وقتی کودک به سن سه سالگی رسید به او هفت مرتبه کلمه «لااله الا الله» را بگو تا تکرار کند سپس او را آزاد بگذار تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آن‌گاه هفت مرتبه به او جمله محمد رسول الله را بگو تا تکرار کند، باز او را آزاد بگذار تا به سن چهار سالگی برسد، آن‌گاه به او هفت مرتبه «صلی الله علی محمد و آل محمد» را بگو تا تکرار کند، باز آزادش بگذار تا به سن پنج سالگی برسد در این هنگام به او بگو دست راست و چپ تو کدام است؟ پس اگر دست راست و چپ را از هم تشخیص داد، صورتش را به سوی قبله گردانده و به او بگو: سجده کن و هم‌چنین او را آزاد بگذار تا این‌که به شش سالگی برسد. پس اگر شش سال بر او گذشت به او بگو نماز بخواند و رکوع و سجود به او یاد بده تا این‌که هفت سال او تمام شود در این زمان به او بگو: صورت و دو دستش را بشوید و نماز بخواند». ^{۱۶۴}

۱۶۱ «دعهم فان التراب ربیع الصبیان». مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۹۵۱.

۱۶۲ «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ». روضه المتقين فی شرح من لایحضره الفقیه، ط القدیمه، ج ۸، ص ۹۹۵.

۱۶۳ کنز العمال، ج ۶۱، ص ۱۴۴.

۱۶۴ «سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ بِنِينَ فَقُلْ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ يَثْرُكُ حَتَّى تَبْمَ لَهُ ثَلَاثَ



ب. معرفت و محبت پیامبر اکرم (ص) و خاندان او

پیامبر اکرم (ص) می فرمودند:

«فرزندانان را با سه چیز پرورش دهید: دوستی پیغمبرتان (ص)، اهل بیت علیهم السلام او و تلاوت

قرآن».^{۱۶۵}

حتی اهل بیت علیهم السلام برای به وجود آمدن معرفت نسبت به پیامبر اکرم (ص) دستور می دادند که به کودکان شعرهای با معنی و دارای معرفت بیاموزید.

امام صادق (ع) فرمودند:

«ای اهل شیعه به فرزندانان شعرهای عبدی - نام شاعری که در آن زمان از محبین اهل بیت علیهم

السلام بوده است - را بیاموزید».^{۱۶۶}

ج. آموزش قرآن

پیامبر اکرم (ص) درباره حقوق فرزندان بر پدران خویش فرموده‌اند:

«از جمله حقوق فرزند بر پدرش... این است که به او کتاب خدا را بیاموزد و او را به پاکی و پاکدلی

تربیت کند».^{۱۶۷}

امام حسن عسگری (ع) فرمودند:

«خدایوند به پدر و مادر پاداش فراوانی را عنایت می‌کند، آنان با شگفتی می‌پرسند: پروردگارا، این

همه بزرگواری درباره ما برای چیست؟ اعمال ما شایسته چنین پاداشی نبوده است. در جواب آن‌ها

گفته می‌شود: این همه عنایت و نعمت، پاداش شما است که به فرزند خود قرآن را آموختید و او را به

سِنِينَ وَ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرُونَ يَوْمًا ثُمَّ يُقَالُ لَهُ فَقُلْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ؟ سَبْعَ مَرَّاتٍ - وَ يُتْرَكُ حَتَّى تَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ قُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى تَتِمَّ لَهُ خَمْسَ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يُقَالُ لَهُ اسْجُدْ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى تَتِمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ سِتُّ سِنِينَ قِيلَ لَهُ صَلِّ وَ عَلِّمِ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ حَتَّى تَتِمَّ لَهُ سَبْعَ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ سَبْعَ سِنِينَ قِيلَ لَهُ اغْسِلْ وَجْهَكَ وَ كَفَيْكَ فَإِذَا غَسَلْتَهُمَا قِيلَ لَهُ صَلِّ ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى تَتِمَّ لَهُ تِسْعَ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عِلْمُ الْوُضُوءِ وَ ضُرِبَ عَلَيْهِ وَ أُمِرَ بِالصَّلَاةِ وَ ضُرِبَ» بحار الانوار، ط بیروت، ج ۱۰۱، ص ۴۹.

۱۶۵ «آبوا اولادکم علی ثلث خصال حب نبیکم و حب اهل بیته و تلاوة القرآن...». قاموس قرآن، المقدمه، ص ۲.

۱۶۶ «علموا اولادکم شعر العبدی یشیر الی الشیعة». تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۷.

۱۶۷ «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمَّهُ وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَ يَعْلَمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَطَهِّرَهُ». کافی، ط الإسلامية، ج ۶، ص ۹۴.



دین اسلام بصیر و بینا گردانیدید.^{۱۶۸}

د. آموزش مسائل اخلاقی

امام زین العابدین (ع) در بیان حقوق فرزند، خطاب به پدران می‌فرماید:
«و تو در ولایتی (ولایت پدر بر فرزند) که نسبت به فرزند خود داری، وظیفه داری که او را به نیکی تربیت کنی و او را به سوی پروردگارش هدایت کنی».^{۱۶۹}

ه. آموزش نیازهای اجتماعی به فرزند

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید:
«بهترین چیزی که شایسته است نوجوانان فراگیرند، مسئله‌ای است که در بزرگسالی به آن نیازمند خواهند شد».^{۱۷۰}

و. آموزش فنون رزمی و آمادگی‌های جسمانی

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:
«به فرزندان‌تان شنا و تیراندازی بیاموزید».^{۱۷۱}
هم‌چنین جابر از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده است که:
«به فرزندان‌تان تیراندازی یاد بدهید؛ زیرا خود این آموزش، سرکوب کردن دشمن است».^{۱۷۲}

چهار. حق محبت و مهرورزی

یکی از نیازهای طبیعی انسان نیاز به مهر و محبت است و بیش از بزرگترها، کودکان هستند که

۱۶۸ «يُقُولَانِ: يَا رَبَّنَا أَيُّ لَنَا هَذِهِ وَ لِمَ تَبْلُغُنَا أَعْمَالَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: وَمَعَ هَذَا نَأْجُ الْكَرَامَةَ، لِمَ - يَزِ مِثْلُهُ الرِّأْوَءُونَ، وَ لَا يَسْمَعُ بِمِثْلِهِ السَّامِعُونَ، وَ لَا يَتَفَكَّرُ فِي مِثْلِهِ الْمُتَفَكِّرُونَ. فَيَقَالُ: هَذَا بِتَعْلِيمِكُمْ وَ لَدَكُمَا الْقُرْآنُ، وَ تَبَصِيرِكُمَا إِيَّاهُ بِدِينِ الْإِسْلَامِ وَ بِرِضَايَتِكُمَا إِيَّاهُ - عَلَى حَبِّ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٍّ وَ لِيٍّ لِلَّهِ، وَ تَفْقِيهِكُمَا إِيَّاهُ بِفَقْهِهِمَا لِأَنَّهُمَا اللَّذَانِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لِأَحَدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِمَا - وَ مُعَادَاةِ أَعْدَائِهِمَا عَمَلًا. وَ إِنْ كَانَ مِلًّا مَا بَيْنَ النَّوَى إِلَى الْعَرْشِ ذَهَبًا - تَصَدَّقْ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري؛ ج ۴، ص ۵۴.

۱۶۹ «أَمَّا حَقُّ وَ لَدِكْ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مَضَافُ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنْتَ مُسْتَوْفٍ عَمَّا وَ لِيَّتُهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ». تحف العقول، النص، ۳۶۲، ص ۳۶۲.

۱۷۰ «أولى الأشياء أن يتعلمها الأحداث الأشياء التي إذا صاروا رجالا احتاجوا إليها». شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحديد، ج ۲، ص ۳۳۳.

۱۷۱ «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ». كافي، ط الإسلاميه، ج ۶، ص ۷۴.

۱۷۲ «علّموا بنيكم الرمي فإنه نكايه العدو». نهج الفصاحة، ص ۸۶۵.



به آن احتیاج دارند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند:

«کودکان را دوست بدارید و به آنها ابراز محبت کنید. پس اگر به آنان وعده‌ای دادید، به آن وفا کنید؛ زیرا آنان روزی خود را در دست شما می‌بینند.»^{۱۷۳}

هم‌چنین فرمودند:

«کسی که به کودکِ ما رحم نکند و به بزرگسالِ ما احترام نگذارد از ما نیست.»^{۱۷۴}
 از بهترین کارها، محبت به کودکان معرفی شده است. امام صادق (ع) می‌فرماید:
 «موسی (ع) عرض کرد: ای پروردگار من، کدام عمل نزد تو برتر است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا آنان را با توحید خود سرشته‌ام و اگر آن‌ها را بمیرانم با رحمتم به بهشتم داخل می‌گردانم.»^{۱۷۵}

از اثرات بی‌مهری و کمبود محبت در خانواده‌ها این خواهد شد که فرزندان با کمترین محبتی که در خارج از خانواده مشاهده می‌کنند به سمت آن جذب می‌شوند تا جایی که به بعضی از گناهان آلوده شده و با دوستان ناباب آشنا خواهند شد.

از طرفی دیگر در روایات به میانه روی در محبت سفارش زیادی شده است، امام باقر (ع) فرمودند:
 «بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی به فرزند خود به زیاده روی یا کوتاهی کشیده می‌شوند.»^{۱۷۶}

پیامبر اکرم (ص) حتی در مورد بوسیدن فرزندان نیز به عدالت سفارش کرده و فرموده‌اند:
 «خداوند دوست دارد حتی در بوسیدن بین فرزندان عدالت را رعایت کنید.»^{۱۷۷}

۱۷۳ «أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْضَوْهُنَّ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُنَّ شَيْئًا فَفُوا لَهُنَّ فَإِنَّهُنَّ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرَزُّقُونَهُنَّ». کافی، ط الإسلامیة، ج ۶، ص ۹۴.

۱۷۴ «لَيْسَ مِنْكُمْ مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ يُوَقِّرْ كَبِيرَنَا وَ يَعْرِفْ حَقَّنَا». امالی مفید، النص، ۸۱، المجلس الثاني.

۱۷۵ «قال موسى بن عمران:؟؟ یا رب ای الأعمال أفضل عندک؟ فقال: حب الأطفال، فانی فطرتهم علی توحیدی، فإن أمتهم أدخلتهم برحمتی جنتی». إنبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ج ۱، ص ۳۷.

۱۷۶ «شر الأباء من دعاه البر الی الافراط». تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۳۰.

۱۷۷ «إن الله تعالی یحب أن تعدلوا بین أولادکم حتی فی القبل». نهج الفصاحه، ص ۶۰۳.



پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«فرزندان خود را احترام کنید و نیکو تربیتشان کنید تا مورد مغفرت و بخشش قرار بگیرید.»^{۱۷۸}

ابن عباس می گوید که پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«هر که دختری داشته باشد و به او آزار نرساند و به او بی احترامی نکند و پسرش را بر او مقدم ندارد، خداوند او را وارد بهشت می کند.»^{۱۷۹}

از ابن عباس بیان شده که پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«هر که از بازار چیزی برای خانه بخرد و برای عیالش ببرد، چنان است که برای مستمندان صدقه برده است و نخست به دختران و زنان بدهد که هر کس دخترش را خوشحال کند چنان است که گویا برده‌ای از خاندان اسماعیل آزاد کرده و هر که پسرش را شاد سازد چنان است که گویا از خوف خدا گریسته و هر که از خشیت و خوف خدا بگرید به بهشت وارد می شود.»^{۱۸۰}

پنج. حق وفای به عهد

امیرالمؤمنین علی(ع) فرمودند:

«هر یک از شما اگر به فرزند خود وعده‌ای می دهد، باید به آن وفا کند.»^{۱۸۱}

هم چنین امام کاظم(ع) فرمودند:

«اگر به کودکانتان وعده دادید، وفا کنید؛ زیرا آنان می پندارند که روزیشان به دست شماست. به راستی خداوند بر هیچ چیز مانند ناراحت کردن زنان و کودکان خشم نمی گیرد...»^{۱۸۲}

۱۷۸ «اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ احْسِنُوا اَدْبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ». مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲.

۱۷۹ «مَنْ كَانَ لَهُ اُنْتَى فَلَمْ يُبْدِهَا وَ لَمْ يُهْنِهَا وَ لَمْ يُؤْزِرْ وُلْدَهُ عَلَيَّهَا اَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ». عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۱۸۱.

۱۸۰ «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى ثُخْفَةً فَحَمَلَهَا اِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ اِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ وَ لَيُبْدَأُ بِالْاِنَاثِ قَبْلَ الذَّكُوْرِ فَاِنَّهُ مَنْ فَرَحَ اِبْنَتَهُ فَكَانَتْ اَعْتَقَ رَقَبَةٍ مِنْ وِلْدِ اِسْمَاعِيْلٍ وَ مَنْ اَقْرَبَ عَيْنِ ابْنٍ فَكَانَتْ بَكِيٍّ مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَ مَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللهِ اَدْخَلَهُ اللهُ جَنَّاتِ النَّعِيْمِ». مکارم الاخلاق، ص ۱۲۲.

۱۸۱ «اِذَا وَاْعَدَ اَحَدُكُمْ صَبِيَّةً فَلْيَنْجِزْ». الجعفریات، أشعثیات، ص ۶۶۱.

۱۸۲ «اِذَا وَعَدْتُمْ الصَّغَارَ فَاَوْفُوا لَهُمْ فَاِنَّهُمْ بَرُونَ اَنْكُمْ اَنْتُمْ الَّذِيْنَ تَرْزُقُوْنَهُمْ وَ اِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْسَ يَغْضَبُ لَشَيْءٍ - كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَ السُّبْيَانِ وَ يَدْخُلُ الْفَاكِهَةَ عَلَيْنِهِمْ خُصُوصًا فِي الْجَمْعِ». عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۴۸.



فصل دوم: اصول و روش‌های تربیت فرزند درس هشتم: اصول تربیت فرزند

اگر فرد در خانواده‌ای اصیل تربیت نشده باشد، او را به دست بهترین استاد هم بسپارند، نتیجه خوبی نخواهد داشت. تربیت باید هدفمند و با برنامه باشد و در پیمودن این مسیر، توجه به اصول و روش‌های آن امری اجتناب ناپذیر است.

یک. اصل اعتدال (میان‌روی)

آیین تربیتی اسلام به اعتدال (میان‌روی) در هر کاری اشاره داشته و مجموعه قوانین، مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که انسان‌هایی متعادل، برای جامعه می‌سازد.

در قرآن کریم آیات زیادی دربارهٔ میان‌روی (اعتدال) وارد شده است و جهت‌گیری تربیتی این کتاب الهی بر این است که انسان در همهٔ امور فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره متعادل باشد؛^{۱۸۳} چنان‌که در آیه‌ای «لقمان حکیم» به فرزندش می‌گوید:

۱۸۳ ر.ک: مصطفی دلشاد، سیری در تربیت اسلامی.



«در رفتار میانۀ رو باش»^{۱۸۴}.

خداوند بلند مرتبه می‌فرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^{۱۸۵}

و این چنین شما را امتی میانه (متعادل) ساختیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر اکرم (ص) بر شما گواه باشد».

امت میانه یعنی امتی که در کارهایش -خواه نظری و خواه عملی- کوتاهی یا زیاده روی نمی‌کند و همه برنامه‌هایش معتدل است.

امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده است:

«جاهل را نمی‌بینی مگر این‌که یا زیاده‌روی می‌کند یا کوتاهی»^{۱۸۶}.

امام باقر (ع)، امام صادق (ع) را به اعتدال فرا خوانده و فرموده است:

«فرزندم بر تو باد (که مراقب باشی) به نیکویی (اعتدال) میان دو بدی (افراط و تفریط) که بدی‌ها را از بین می‌برد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: که از آن حضرت پرسیدم: این امر چگونه است؟؛ امام باقر (ع) فرمود: مانند این سخن خداوند: «نماز خویش را به آواز بلند نخوان و آن را آهسته هم نخوان» که به آواز بلند و آهسته خواندن همان بدی است و «میان این دو راهی برگزین» همان نیکویی است و مانند این سخن خداوند:

«هرگز دستت را به گردنت نبند و آن را یکسره باز نکن» و مانند این سخن: «و آنان که چون هزینه کنند، نه اسراف کنند و نه سخت گیرند؟ در هزینه کردن» که اسراف کردن و سخت گرفتن همان بدی است و «میان این دو در مسیر اعتدال باشید» همان نیکویی است. پس بر تو باد به نیکویی میان این دو بدی»^{۱۸۷}.

۱۸۴ وَأَقْصِدْ فِي مَشِيكِ. لقمان، آیه ۹۱.

۱۸۵ بقره، آیه ۳۴۱.

۱۸۶ «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا» مجمع البحرين، ج ۴، ص ۵۶۲.

۱۸۷ «يا بني عليك بالحسنة بين السيئتين تمحوهما قال: و كيف ذلك يا أبة قال: مثل قول الله: وَ لَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تَخَافُ بِهَا لَتَجْهَرُ بِصَوْتِكَ سَيئُهُ، و لاتخافت بها سيئته وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا حسنة و مثل قوله:



خدای بلند مرتبه انسان‌ها را در چنین زمینه‌ای به سوی کمال سوق می‌دهد، چنان‌که در کتاب الهی، کنار آیات عذاب (بیم)، آیات تشویق (امید) قرار دارد و وظیفه فرستاده گرامی‌اش «بشارت» و «انذار» است:

«ما تو را به راستی نویدرسان و بیم دهنده فرستادیم.»^{۱۸۸}

امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره فرموده است:

«انحراف به راست و چپ گمراهی است و راه مستقیم و میانه جاده وسیع حق است. کتاب خدا و آیین پیامبر اکرم (ص) این راه را توصیه می‌کند و سرانجام همین جاده، ترازوی کردار همگان است و راه همه به آن ختم می‌شود.»^{۱۸۹}

با توجه به سفارشات‌ای که به اعتدال شده است بر والدین لازم است که در هر عرصه از تربیت فرزندان، جنبه اعتدال را در نظر بگیرند و از افتادن در مهلکه افراط و تفریط بپرهیزند. از جمله موارد تفریط، تربیت سهل گیرانه است؛ اینکه بگوییم فرزند ما خودش تربیت می‌شود و نیازی نیست که ما در این مسیر اقدامی انجام دهیم؛ همچنین افراط در تربیت در علوم تربیتی به تربیت سخت گیرانه تعبیر می‌شود؛ اینکه بیش از توان فرزندان، آنها را تحت تعلیم و تربیت قرار داده و مرتب از آنها بازخواست نماییم؛ هر دوی این برخوردها مضر هستند و نه تنها جواب مقبول را بدست نمی‌آورند بلکه نتیجه عکس خواهند داشت. از این رو باید موارد اعتدال در عرصه‌های مختلف تربیتی را شناخت تا به زیاده روی یا عقبگرد دچار نشویم، و بجای تربیت سهل گیرانه یا تربیت سخت گیرانه از تربیت مقتدرانه تبعیت نمود.

دو. اصل تدرُّج (تدریجی بودن)

هیچ فردی نمی‌تواند در مدت کوتاهی دوران کودکی را سپری کند، به نوجوانی قدم بگذارد و به صورت جهشی به مراحل بعدی برسد. پختگی در هر مرحله، لازمه تربیت صحیح در مرحله بعدی است.

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ - وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ وَ مِثْلُ قَوْلِهِ: وَ الَّذِيْنَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا فَاسْرَفُوا سَيِّئَةً وَ أَقْتَرُوا سَيِّئَةً وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا حَسَنَةً، فَعَلَيْكَ بِالْحَسَنَةِ بَيْنَ السَّيِّئَتَيْنِ». تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۹۱۳.

۱۸۸ إِبَّأَ أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ. بقره، آیه ۹۱۱.

۱۸۹ «الْيَمِينِ وَ السَّمَالِ مَضَلَّةً، وَ الطَّرِيقِ الْوُشْطَى هِيَ الْجَادَّةُ، عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَ آثَارُ التَّبْوَةِ». کافی، ط دارالحدیث، ج ۵۱، ص ۲۷۱.



هیچ انسانی جز بر اساس حرکت تدریجی و مناسب به کمال دست نمی‌یابد، هم‌چنان که عکس این مطلب نیز درست است؛ یعنی هیچ انسانی یک مرتبه تبه نمی‌شود. خدای بلند مرتبه در چند آیه از کتاب کریمش مؤمنان را هشدار می‌دهد که از گام‌های شیطان پیروی نکنند، از جمله می‌فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^{۱۹۰}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به دنبال گام‌های شیطان نروید و هر که پای بر جای قدم‌های شیطان بگذارد (بداند که) او را به زشت‌کاری و کارهای ناپسند هدایت می‌کند.

خداوند فرمان می‌دهد که خطوات شیطان را پیروی نکنید. خطوات جمع خطوه به معنای گام است^{۱۹۱} و خطوات گام‌هایی است که شیطان برای رسیدن به هدف خود و گمراه ساختن مردم بر می‌دارد. روش او روش گام به گام است و کارهای شیطانی و انحراف‌ها به تدریج در انسان نفوذ می‌کند نه به صورت ناگهانی.

سه. اصل تسهیل و آسان‌گیری

خدای رحمان راه خیر و خوشبختی انسان را هموار کرده است و با وجود این، باز هم انسان حق را می‌پوشاند و به راه حق نمی‌رود! چنانچه در کتابش می‌فرماید:

«قتل الانسان ما اكفره* من اى شىء خلقه* من نطفه خلقه فقد ره* ثم السبيل يشره»^{۱۹۲}
کشته باد انسان، چه ناسپاس است! او را از چه چیز آفریده است؟ از نطفه‌ای خلقش کرد و اندازه مقررش بخشید، سپس راه را بر او آسان گردانید.

کتاب هدایت و سعادت انسان (قرآن کریم) نیز آسان قرار داده شده است تا سختی‌ای برای مردم در فهم و دریافت آن نباشد.

۱۹۰. نوره، آیه ۱۲.

۱۹۱. المفردات، ص ۲۵۱.

۱۹۲. عبس، آیات ۷۱ تا ۷۲.



لذا در قرآن می‌خوانیم که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ»^{۱۹۳}

و به درستی که قرآن را برای یادآوری و پند گرفتن آسان ساختیم، پس آیا یاد کننده و پند گیرنده‌ای هست؟».

پیامبر اکرم (ص) فرموده است:

«خداوند مرا بر شریعت و دین حنیف، آسان و ملایم برانگیخته است.»^{۱۹۴}

خدای رحمان فرستاده گرامی‌اش را با این راه و رسم تربیتی معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«پس به (برکت) رحمت الهی، با آنان نرمخو (و پرمهر) شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی به

یقین از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.»^{۱۹۵}

خود پیامبر اکرم (ص) اصحاب و پیروان خود را به راه و رسمی ملایم و به دور از تندوی فرا می‌خواند

و می‌فرمودند:

«بر مردم آسان بگیرید و سخت نگیرید و نوید دهنده باشید و مردم را فراری ندهید و در آنان نفرت

ایجاد نکنید.»^{۱۹۶}

امیرالمؤمنین علی (ع) در بیانی نورانی پیرامون عدم سخت گیری نابجا بر نفس فرموده است:

«دل‌ها را روی آوردنی و پشت کردنی است، پس دل‌ها را آن گاه به کار گیرید که خواهان است و

روی به کار دارد؛ زیرا دل اگر به ناخواه به کاری وادار شود، کور گردد.»^{۱۹۷}

در جایی که خدا و رسولش چنین اصلی را در تربیت رعایت می‌نمایند، وظیفه ما نیز درباره تربیت

فرزندان روشن خواهد بود.

۱۹۳ قمر، آیه ۷۱. يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ. بقره، آیه ۵۸۱. وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُم فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ. حج، آیه ۸۷.

۱۹۴ «لَمْ يُرْسَلِنِي اللَّهُ بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَ لَكِنِّي بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ، أَصُومُ وَ أَصَلِّي وَ أَلْمَسُ أَهْلِي، فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي، فَلْيَسْتَسِنِّ بِسُنَّتِي، وَ مِنْ سُنَّتِي النَّكَاحُ». هداية الأمة إلى أحكام الأئمة، ج ۷، ص ۷۶.

۱۹۵ فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَيْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتُ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَقُوا مِنْ حَوْلِكَ. آل عمران، آیه ۹۵۱.

۱۹۶ «بَسِّرُوا وَ لَا تَعْسِرُوا وَ بَشِّرُوا وَ لَا تَنْفَرُوا». عوالم اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۱۸۳.

۱۹۷ «إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَاً وَ إِذْبَاراً فَاتُوهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَ إِقْبَالِهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أَكْرَهَ عَمِي». نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۳۰۵.



چهار. اصل زهد (دوری از دنیا خواهی)

«زهد» که ترک دنیا و دل کندن از آن است^{۱۹۸}، اصلی اساسی در تربیت دینی است و تا انسان از وابستگی‌های پست و حیوانی جدا نشود به سرای آخرت وصل نمی‌گردد، چنان‌که پیامبر اکرم(ص) فرموده است:

«به آخرت دست نمی‌باید مگر با ترک دنیا و دل کندن از آن. شما را سفارش می‌کنم دوست بدارید آن‌چه را خدا دوست می‌دارد و دشمن بدارید آن‌چه را خدا دشمن می‌دارد»^{۱۹۹}

در حدیث نبوی آمده است:

«شناختن شیرینی ایمان بر دل‌های شما حرام است تا نسبت به دنیا زاهد شوید و به آن پشت کنید»^{۲۰۰}

و در حدیث علوی آمده است:

«هر که در دنیا زهد نرزد برای او بهره‌ای در بهشت نیست».

در مکتب تربیتی اسلام تا اندازه‌ای سخت گرفتن و برآورده نشدن بعضی از خواهش‌های فرزندان مورد تأیید واقع شده است. در حدیثی می‌فرمایند:

«سختی دیدن فرزندان در سنین کودکی مستحب است تا در سنین بزرگی حلیم و بردبار تربیت شوند»^{۲۰۱}.

افزون این‌که اگر فرزند روح مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی در پدر و مادر خویش ببیند و یا حتی به این امر تشویق شود، هرگز نخواهد توانست انسان زاهدی باشد و نمی‌توان انتظار ایمان حقیقی و تربیت اسلامی را از وی داشت.

پنج. اصل تفرّد (در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی)

انسان‌ها از نظر وراثت، خانواده، ارتباطها، رتبه اقتصادی، توانایی‌ها و تجربه‌ها از یکدیگر متفاوت

۱۹۸ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۹۵.

۱۹۹ «لَا تَنَالُوا الْآخِرَةَ إِلَّا بِتَرْكِكُمُ الدُّنْيَا وَ التَّعَرُّی مِنْهَا أَوْصِيكُمْ أَنْ تُحِبُّوا مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَ تُبْغِضُوا مَا أَبْغَضَ اللَّهُ». مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲۱، ص ۴۵.

۲۰۰ «حَرَامٌ عَلٰی قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا». کافی، ط دارالحدیث، ج ۳، ص ۲۳۳.

۲۰۱ «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَابِسْنَادَهُ عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ قَالَ سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ ع؟ يَقُولُ يُسْتَحَبُّ غَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ». وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۹۷۴.



هستند و کار والدین توجه به تفاوت‌های فردی است؛ بنابراین در روایات معصومین علیهم السلام داریم که فرمودند:

«با مردم به اندازه درک و فهمشان سخن بگویند»^{۲۰۲}

حکمت الهی چنین است که با ما به مقدار توانایی ما رفتار می‌کند و هیچ کس را بیش از توانایی‌اش تکلیف نمی‌نماید و این اساس تربیت است. همین برنامه در تربیت فرزندان باید استفاده شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا»^{۲۰۳}

خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.

پیامبر اکرم(ص) در تربیت مسلمانان بر همین اساس رفتار می‌کرد، چنان‌که از «ابوعبدالرحمان سلمی»^{۲۰۴} روایت کرده‌اند که گفت:

«برخی از اصحاب پیامبر اکرم(ص) که به ما قرآن می‌آموختند، می‌گفتند: اصحاب، قرآن را ده آیه ده آیه از پیامبر اکرم(ص) یاد می‌گرفتند و تا زمانی که آن ده آیه را به درستی نمی‌فهمیدند و به آن‌ها عمل نمی‌کردند به ده آیه بعد نمی‌پرداختند»^{۲۰۵}

پیامبر اکرم(ص) در سخن گفتن با مردم و هدایت آنان، ظرف عقل و گنجایش وجودی ایشان را در نظر می‌گرفت و می‌فرمودند:

«ما گروه پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه خردهایشان سخن گوئیم»^{۲۰۶}

هم‌چنین است در تربیت فرزندان، پدر و مادر نباید بیش از درک و فهم یک کودک از او یادگیری و عمل به آموخته‌ها را بخواهند. حتی کودکان هم سن و سال نیز درک و فهمشان از یک آموزه با هم یکسان نیست.

۲۰۲ «كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ». معانی الاخبار، ترجمه محمدی، ج ۱، ص ۵۱.

۲۰۳ طلاق، آیه ۷. لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا. بقره، آیه ۶۸۲.

۲۰۴ کتاب الرجال، ص ۵.

۲۰۵ منیة المرید، ص ۹۱؛ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۶۰۱.

۲۰۶ «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ». المحاسن، ج ۱، ص ۵۹۱.



شش. اصل تعقل (عقل محوری)

اساس تربیت صحیح، همراه با تعقل (تفکر) است و آدمی با فکر کردن در آیات الهی، حق را در می‌یابد و به کمالات الهی آراسته می‌شود. ایجاد روش و فضایی که حس عقلانی فرزندان در آن فعال شود از اصول تربیتی دین است؛

بنابراین یکی از روش‌های تربیتی این است که وقتی فرزند از اشیای پیرامون خود پرسید، جواب او را به سرعت ندهیم؛ بلکه پرسش او را با پرسشی دیگر جواب بدهیم؛ یعنی بگذاریم خودش تفکر کند و به اشیای پیرامونش بیاندهد.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»^{۲۰۷}

خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند که تفکر کنید».

اگر انسان تربیت عقلانی یابد از عواقب برخی دوزخیان مصون خواهد ماند؛ آنجا که طبق فرمایش قرآن به سایرین می‌گویند:

«وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ»^{۲۰۸}

و گویند اگر شنیده (و پذیرفته) بودیم یا فکر کرده بودیم، در میان دوزخیان نبودیم».

هفت. اصل تدبیر (آینده‌نگری)

«تدبیر» به معنای نگاه به عاقبت امور است^{۲۰۹} و در آیین تربیتی اسلام تلاش بر این است که انسان‌ها، اهل تدبیر باشند از ظواهر عبور کنند و عاقبت‌اندیش شوند؛ زیرا هیچ چیز مانند توقف در ظاهر، غفلت از عاقبت و اندیشه نکردن به پایان کارها، انسان را از حرکت به سوی کمال باز نمی‌دارد.

بنابراین خداوند درباره انسان‌های دنیاخواه می‌فرماید:

«يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^{۲۱۰}

از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند و از آخرت غافلند».

۲۰۷ بقره، آیه ۲۴۲.

۲۰۸ ملک، آیه ۰۱.

۲۰۹ التعريفات، ص ۱۸.

۲۱۰ روم، آیه ۷.



از این رو است که پدر و مادر باید در تربیت دینی فرزندان خود، تدبیر پیرامون هدف زندگی را در برنامه تربیتی فرزندان خود داشته باشند.

جایگاه تدبیر در تربیت

خوارچ نهروان نمونه برجسته بی تدبیری در تاریخ هستند. آنان مردمی بودند که از دین و دینداری جز ظاهری خشک نمی فهمیدند، جاهل بودند و به هیچ وجه عاقبت اندیشی نمی کردند، تنگ نظر و کوتاه بین بودند و در افقی بسیار پست فکر می کردند، و اسلام و مسلمانی را در چهار دیواری اندیشه های کوتاه خود درک می نمودند.^{۲۱۱}

همواره راه و رسم تربیتی اولیای خدا بر اساس تدبیر بوده است. امام صادق (ع) فرمود: مردی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: ای پیامبر اکرم (ص) من را اندرزی بده! حضرت (ص) فرمود: اگر نصیحت کنم عمل می کنی؟ مرد گفت: آری ای پیامبر اکرم.

دوباره پیامبر اکرم (ص) فرمود: اگر نصیحت کنم عمل می کنی؟ مرد پاسخ داد: آری و باز پیامبر اکرم (ص) سخن خویش را تکرار کرد و مرد نیز آمادگی اش را ابراز نمود. پس پیامبر اکرم (ص) با ارزش ترین نصیحت ها را - که این همه بر آن سفارش کرده بود - چنین بیان کرد: تو را سفارش می کنم که هر زمان تصمیم گرفتی کاری انجام دهی در عاقبت آن فکر کنی؛ پس اگر پایان آن رشد بود (کاری درست و صحیح بود) انجامش بدهی و اگر نتیجه آن گمراهی و تباهی بود، آن را رها کنی.^{۲۱۲}

پس از ذکر آیات و احادیث در این زمینه و بیان اهمیت آن، باید تلاش ما بر این باشد که در تربیت فرزندانمان به جای امر و نهی مستقیم، روحیه تفکر و تدبیر را در آن ها پرورش بدهیم و در عرصه های مختلف زندگی شان، تذکر و توجهی نسبت به تدبیر در عاقبت امور ایجاد نماییم.

۲۱۱ مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی (ع)، از مجموعه آثار، ج ۶۱، ص ۵۲۳.

۲۱۲ «مَسْعِدَةٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ (ص) فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص)؟ فَهَلْ أَنْتَ مُسْتَوْجِبٌ إِنْ أَنَا أَوْصَيْتُكَ حَتَّى قَالَ لَهُ ذَلِكَ ثَلَاثًا وَ فِي كُلِّهَا يَقُولُ الرَّجُلُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص)؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَإِنِّي إِذَا أَوْصَيْتُكَ، إِذَا هَمَمْتُ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ يَكُنْ رُشْدًا فَامْتَصِهِ وَ إِنْ يَكُنْ غِيًّا فَانْتِهِ عَنْهُ». تنبيه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، ج ۲، ص ۶۴۱.



هشت. اصل کرامت

خداوند بلند مرتبه نفس انسان را کریم آفریده است تا انسان با کرامت نفس و بزرگواری به کمالات الهی دست یابد.

بنابراین می‌فرمایند:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^{۲۱۳}

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.»

در همین راستا پیامبر اکرم(ص) فرمودند:

«من برانگیخته شدم تا کرامت‌های اخلاقی را کامل کنم.»^{۲۱۴}

پیامبر اکرم(ص) بر نگهداشتن و رشد کرامت‌ها از دوران کودکی بسیار سفارش می‌کردند؛ زیرا به نیروی کرامت است که می‌توان افرادی سالم، مستقل، آزاد، با شرافت تربیت کرد، آن حضرت(ص) می‌فرمودند:

«با فرزندان خود به بزرگواری رفتار کنید و با آداب نیکو با آن‌ها رفتار نمایید تا مورد آموزش الهی قرار بگیرید.»^{۲۱۵}

و نیز فرمودند:

«وقتی نام فرزندان را محمد می‌گذارید او را گرامی بدارید و در مجلس خود برای او جای باز کنید و احترامش نمایید و نسبت به او رو ترش نکنید.»^{۲۱۶}

اثرات کرامت نفس و پستی آن

امام باقر(ع) فرمودند:

«هر کس کرامت نفس داشته باشد، دنیا در چشمش کوچک است و هر که پستی نفس داشته باشد،

دنیا در چشمش بزرگ است.»^{۲۱۷}

^{۲۱۳} اسراء، آیه ۰۷.

^{۲۱۴} «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». مکارم الاخلاق، ص ۸.

^{۲۱۵} «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ». مکارم الاخلاق، ص ۲۲۲.

^{۲۱۶} «إِذَا سَمَّيْتُمُ الْوَلَدَ مُحَمَّدًا فَأَكْرَمُوهُ - وَ أَوْسَعُوا لَهُ فِي الْمَجَالِسِ وَ لَا تَقَبَّحُوا لَهُ وَجْهًا». صحیفه الإمام الرضا(ع)، ص ۴۴.

^{۲۱۷} «قِيلَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ مِنْ أَكْظَمِ النَّاسِ قَدْرًا قَالَ مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدٍ مِنْ كَانَتْ فَمَنْ كَرَّمَتْ عَلَيْهِ



افرادی که مورد تکریم والدین خود قرار نگرفته‌اند، و شخصیتی بزرگووار ندارند، این افراد بیشتر مرتکب گناه و معصیت و خطاهای اجتماعی می‌شوند، زیرا که برای خود کرامت و ارزش انسانی قائل نیستند؛ و هر کس که برای خود ارزشی قائل نباشد خیلی راحت‌تر می‌تواند به سمت معاصی و کارهای پست برود.

از این‌رو امام حسن عسگری (ع) می‌فرمایند:

«اگر کسی برای خودش کرامت و احترامی قائل نبود، از شرش در امان نباش.»^{۲۱۸}

یعنی چنین انسان‌هایی که برای خود ارزش و بزرگواری‌ای قائل نیستند، ممکن است هر خطایی را انجام بدهند و خود را در حد آن بدانند.

یا در حدیث دیگری می‌خوانیم که امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرمایند:

«هر کس برای خود کرامتی قائل نبود، توقع انجام خیر را از او نداشته باشید.»^{۲۱۹}

انسان به میزانی که پست و حقیر می‌شود به پستی‌ها گرایش پیدا می‌کند از این‌رو بر والدین لازم است که با امر و نهی‌های نابه‌جا، شخصیت و کرامت فرزند خود را از بین نبرده و همواره او را بزرگ بشمارند.

نه. اصل عزت

اصل عزت از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصول تربیتی است؛ زیرا اساس تربیت بر عزت است. اگر فرد، با این صفت رشد یابد، در هر حالتی استوار خواهد بود. «عزت» روحیه‌ای است که نمی‌گذارد انسان از کسی شکست بخورد.

ریشه عزت از این‌جا گرفته شده است که می‌گویند: «ارض عزاز» یعنی زمین سخت و سفت یا می‌گویند: «تعزز اللحم» یعنی گوشت آن قدر نایاب شده است که نمی‌توان به آن دست یافت.^{۲۲۰}

نَفْسُهُ صَعُرَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِيهِ وَ مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ كَبُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِيهِ». جامع الاخبار، شعیری، ص ۹۰۱.

۲۱۸ «قَالَ مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرُّهُ». تحف العقول، ص ۳۸۴.

۲۱۹ «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَرْجُ حَيْرَهُ». تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۶۲.

۲۲۰ المفردات، صص ۲۲۳ و ۳۳۳.



تربیتی که بنیادش بر ایجاد عزت در فرزندان باشد، تربیتی است که در پایداری شخصیت انسانی آنان و نگهداری ایشان در برابر وسوسه‌ها و گناهان موفق خواهد بود. هیچ چیز مانند نبود عزت، آدمی را آماده تباهی نمی‌سازد؛ زیرا عزت است که انسان را استوار و شکست ناپذیر می‌نماید و چون ذلت (پستی) بر وجود آدمی حاکم شود، او را لایق پذیرش هر خواری و پستی می‌گرداند.

ریشه همه بدی‌ها در ذلت نفس است و از این‌رو بهترین راه اصلاح فرد و جامعه، عزت بخشی و عزت آفرینی است. اگر انسان به عزت الهی، عزیز شود از همه نادرستی‌ها جدا می‌گردد و در برابر باطل و گناه نفوذ ناپذیر و در برابر حق استوار می‌شود. خودبینی، خودخواهی و تکبر که آغاز تباهی‌های فردی و اجتماعی است، نتیجه ذلت نفس است.

چنان‌که در حدیث امام صادق (ع) آمده است:

«هیچ کس به خوی ناپسند تکبر دچار نمی‌شود مگر به سبب خواری و ذلتی که در درون خود احساس می‌کند».^{۲۲۱}

حتی نفاق و دورویی که هلاک کننده‌ترین بیماری دل است، ریشه در ذلت نفس دارد. انسان تا احساس حقارت و پستی نکند، دورویی و ریا نمی‌کند.

امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده است:

«دورویی انسان، نتیجه پستی و ذلتی است که فرد در وجود خود احساس می‌کند».^{۲۲۲}
 مواردی که در این فصل به آن‌ها اشاره شد از آن جهت که جنبه اصل را داشت (اصل به معنای اموری است که شامل باید‌ها و نبایدهاست و از هست‌ها و نیست‌ها، گرفته شده است) به بحث‌های نظری پرداخته است از این‌رو در فصل دیگر به بخش عملی و روشمند کردن اصول مذکور به اندازه گنجایش کتاب، پرداخته خواهد شد.

۲۲۱ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع؟ قَالَ مَا مِنْ رَجُلٍ تَكَبَّرَ أَوْ تَجَبَّرَ إِلَّا لِدَلَّةٍ وَجَدَهَا فِي نَفْسِهِ». کافی، ط الإسلامیه، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲۲۲ «فِئَافِئِ الْمَرْءِ مِنْ ذُلِّ يَجِدُهُ فِي نَفْسِهِ». تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۸۵۴.



درس نهم: روش‌های تربیت فرزند

در این درس، روش‌هایی که والدین برای تربیت فرزند خود بدانها نیاز دارند، بیان شده تا استادان و پدر و مادرها بتوانند به صورت روشن با شکل اجرای روش‌های تربیتی آشنا شوند.

یک. روش الگویی

انسان به صورت فطری، عاشق رسیدن به کمال مطلق است. هم‌چنین الگوخواه و الگوپذیر است و به این سبب یکی از بهترین و کوتاه‌ترین روش‌های تربیت، بیان نمونه و الگو برای تربیت عملی است. این الگو به دلیل زنده و قابل حس بودن و نیز به سبب گرایش ذاتی انسان به الگوگیری، روشی بسیار اثرگذار در تربیت است.

امیرالمؤمنین علی(ع) در این باره می‌فرماید:

«پیروی کردن از رفتار پیامبر اکرم(ص) و الگوگرفتن از ایشان برای شما کافی است... بنابراین از پیامبر پاک و پاکیزه پیروی کنید؛ زیرا راه و رسمش سرمشقی است(نیکو) برای کسی که بخواهد پیرو باشد و انتسابی است (عالی) برای کسی که بخواهد منتسب گردد و دوست داشتنی‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که از پیامبرش(ص) سرمشق بگیرد و قدم جای قدم او بگذارد».^{۲۲۳}

۲۲۳ «لقد كان في رسول الله؟ص؟ كاف لك في الاسوه. ... فتاءس بنبيك الاطبيب الاطهر؟ص؟ فان فيه اسوه لمن تاءسى، و عزاء لمن تعزى. و احب العباد الى الله المتاءسى بنبيه، و المقتص لاثره». نهج البلاغه، خطبه ۰۶۱



«کودک در سال‌های ابتدایی زندگی خود، کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه نخست پدر و مادر او هستند، الگوبرداری می‌کند. با تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش کامل می‌شود. کودک در این سنین همه چیز خود را از پدر و مادر و وابسته به ایشان می‌داند؛ چنان‌که در حدیثی از امام کاظم (ع) آمده است: به فرزندانان خوبی کنید و به آنان نیکی نمایید زیرا آنان گمان می‌کنند که شما ایشان را روزی می‌دهید.»^{۲۲۴}

«هرچه قدرت نفوذ الگوها بیشتر و زمینه پذیرش آماده‌تر باشد، نمونه برداری، کامل‌تر صورت می‌گیرد.

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: مردم به زمامداران خود شبیه‌ترند تا به پدران خود.»^{۲۲۵}

پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده‌اند:

«دو گروه از امت من هستند که اگر صالح شوند، امتم صالح می‌شوند و اگر فاسد شوند، امتم فاسد می‌شوند. گفتند: ای پیامبر اکرم (ص) آنان چه کسانی هستند؟

فرمود: فقیهان و زمامداران.»^{۲۲۶}

از این حدیث اهمیت و جایگاه مؤثر الگو در زندگی فهمیده می‌شود.

دو. روش محبت (مهرورزی)

هیچ روشی مانند روش محبت در تربیت انسان مفید نیست و بهترین روش‌های تربیتی با نیروی محبت، کارآمد می‌شوند. خدای سبحان پیامبر گرامی‌اش (ص) را به روش محبت آراسته بود و ایشان

۲۲۴ «رَوَى أَنَّهُ قَالَ بَرَّوْا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يَطُتُونَ أَتْكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ». الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا؟، ص ۶۳۳.

۲۲۵ «لِنَأْسِ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ». تحف العقول، النص، ص ۸۰۲.

۲۲۶ «صُنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ هُم قَالَ الْفُقَهَاءُ وَ الْأَمْرَاءُ». همان، ص ۵۰.

امام خمینی؟ ره؟ در این باره فرموده است: «عوام و جاهل اگر معصیتی مرتکب شود فقط خود را بدبخت کرده و بر خویشتن ضرر وارد ساخته است؛ لکن اگر عالمی منحرف شود و به عمل زشتی دست زند، عالمی را منحرف کرده بر اسلام و علمای اسلام زیان وارد ساخته است. این‌که در روایت آمده که اهل جهنم از بوی تعفن عالمی که به علم خود عمل نکرده متانذی (اذیت) می‌شوند.»



با چنین روشی در تربیت مردم توفیق یافتند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^{۲۳۷}

پس به لطف و رحمت الهی با آنان نرمخو و مهربان شدی و اگر تندخو و سخت دل بودی به یقین از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس از آنان بگذر و برایشان آموزش بخواه».

به علاوه خداوند آن حضرت را چنین معرفی می‌کند:

«و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم»^{۲۳۸}

پیامبر اکرم (ص) مردم را با محبت از بدبها دور ساخت و به خوبی‌ها آراست. از امیرالمؤمنین (علی ع) بیان شده است که از پیامبر اکرم (ص) درباره روش و سنت آن حضرت پرسیدم، فرمودند:

«محبت بنیاد و اساس (روش و سنت) من است»^{۲۳۹}

انسان در سال‌های نخستین زندگی به محبت (توجه) بیشتری نیاز دارد و اثر محبت در ساختن شخصیت کودک از هر روش دیگری مفیدتر است. پیامبر اکرم (ص) در این باره چنین سفارش کرده است:

۲۲۷ آل عمران، آیه ۹۵۱.

۲۲۸ وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ . انبیاء، آیه ۷۰۱.

۲۲۹ «وَ الْحُبُّ أُسَاسِيٌّ». مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۱.

به بیان استاد شهید مرتضی مطهری؟رح: اثر نیروی محبت و ارادت در زایل کردن (از بین بردن) رذایل (پستی های) اخلاقی از دل از قبیل اثر مواد شیمیایی بر روی فلزات است به صورت مثال یک کلیشه ساز با تیزاب اطراف حروف را از بین می‌برد نه با ناخن یا سر چاقو یا چیزی از این قبیل. اما اثر نیروی عقل در اصلاح (درست کردن) مفاصل اخلاقی مانند کار کسی است که بخواهد ذرات آهن را از خاک با دست جدا کند. چقدر رنج و زحمت دارد؟ اگر یک آهن‌ربای قوی در دست داشته باشد ممکن است با یک گردش همه آن‌ها را جدا کند. نیروی ارادت و محبت مانند آهن ربا صفات رذیله (پست) را جمع می‌کند و دور می‌ریزد. به عقیده اهل عرفان، محبت و ارادت پاکان و انسان‌های کامل هم‌چون دستگاه خودکاری، خود به خود رذایل (پستی‌ها) را جمع می‌کند و بیرون می‌ریزد. حالت مجذوبیت (کشش) اگر جا بیافتد از بهترین حالات است و این حالت است که تصفیه‌گر و نبوغ بخش است.

آری آنان که این راه را رفته اند، اصلاح اخلاق را از نیروی محبت می‌خواهند و به قدرت عشق و ارادت تکیه می‌کنند. تجربه نشان داده است که آن اندازه که مصاحبت نیکان، ارادت و محبت آنان در روح اثر کرده است، خواندن صدها جلد کتاب اخلاقی اثرگذار نبوده است. جاذبه و دافعه علی؟ع، ص ۱۷، ۲۷.



«کودکان را دوست بدارید و به ایشان مهر بورزید و چون به آنان وعده‌ای دادید، به وعده خود وفا کنید.»^{۲۲۰}

بهترین وسیله برای رشد شخصیت و پرورش عواطف، محبت (مهرورزیدن) است و خداوند بندگان را به ابراز دوستی تشویق کرده است.

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند:

«خداوند به خاطر محبت (ابراز دوستی) انسان به فرزندش به او رحمت می‌کند.»^{۲۳۱}

این دوستی باید در همهٔ حالات‌ها، آشکار باشد، چنان‌که امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده است:

«هر که فرزندش را ببوسد، خدای بزرگ در نامهٔ عملش حسنه‌ای می‌نویسد و هر که فرزندش را شاد کند، خداوند او را در روز قیامت شاد نماید.»^{۲۳۲}

پیامبر اکرم (ص) آن قدر بر ابراز محبت (مهرورزی) راستین اصرار داشت که می‌فرمودند:

«فرزندان خود را بسیار ببوسید که با هر بوسیدن برایتان در بهشت مقام و مرتبتی به وجود می‌آید که فاصله آن پانصد سال است.»^{۲۳۳}

لذا در زمینه بوسیدن فرزندان از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند:

«مردی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد: من هرگز کودکی را نبوسیده‌ام. پیامبر اکرم (ص) فرمود: این شخص از نظر من اهل آتش جهنم و عذاب است.»^{۲۳۴}

۲۲۰ «أَجْبُوا الصَّبِيَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنْكُمْ تَرْتَفِقُونَهُمْ». کافی، ط الإسلامیه، ج ۶، ص ۹۴.

۲۳۱ «إِنَّ اللَّهَ لَيُرِحُّمُ الْعَبْدَ لِبَشَّةِ حُبِّهِ لَوْلَيْدِهِ». کافی، ط الإسلامیه، ج ۶، ص ۵۰.

۲۳۲ «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲۳۳ «أَكْبِرُوا مِنْ قَبْلَةِ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قَبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ». روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ط القدیمه، ج ۲، ص ۹۶۳.

۲۳۴ «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَ مَا قَبَّلْتُ صَبِيًّا قَطُّ فَلَمَّا وُلِّيَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ». کافی، ط الإسلامیه، ج ۶، ص ۵۰.



همچنین نقل کرده‌اند که:

«پیامبر اکرم (ص) حسن و حسین؟ عهما؟ را بوسید. «قرع بن حابس» که شاهد مهر پیامبر اکرم (ص) به فرزندان‌ش بود، گفت: من ده فرزند دارم و هرگز هیچ یک از آنان را نبوسیده‌ام! سپس پیامبر اکرم (ص) فرمودند: کسی که رحمت و محبت نکند مورد رحمت و محبت قرار نمی‌گیرد».^{۲۳۵}

پیامبر اکرم (ص) سفارش می‌کرد که روش‌های تربیت به درستی انجام شود. آن حضرت (ص) می‌فرمودند:

«میان فرزندان‌تان به عدالت و مساوات رفتار کنید، همان‌طور که دوست دارید میان شما در نیکی و محبت به مساوات رفتار شود».^{۲۳۶}

سه. روش تذکر (یاد خدا)

از جمله روش‌های تربیتی، روش یادآوری خداوند، و نعمت‌های اوست. هر فردی از طریق نعمت‌های خدا، یاد خدا در او ایجاد خواهد شد، والدین نیز به عنوان متولیان تربیت فرزند، باید در صحنه‌های زندگی، با ذکر نعمت‌های الهی، فرزندان خویش را متوجه خالق خود کنند. در قرآن کریم می‌خوانیم:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^{۲۳۷}

چون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و او (نیز) آنان را دچار خود فراموشی کرد؛ اینان بدکاران نافرمانند».

در اهمیت تذکر فعلی یا زبانی و یادآوری خداوند توسط والدین همین بس که پیامبر اکرم (ص) به عنوان مربی واقعی، در قرآن کریم به عنوان «متذکر» نامیده شده‌اند، آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

«فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»^{۲۳۸}

پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای».

۲۳۵ «فَضَائِلُ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ كَانَ النَّبِيُّ يُقْبِلُ الْحَسَنَ فَقَالَ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ إِنَّ لِي عَشْرَةَ مِنَ الْوَلَدِ مَا قَبِلْتُ أَحَدًا مِنْهُمْ فَقَالَ؟ ص؟ مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ». مناقب آل ابی طالب؟ ع، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۵۲.

۲۳۶ «اعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي السَّرِّ كَمَا تُجِبُونَ أَنْ يُعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبَرِّ وَ اللَّطْفُ». مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

۲۳۷ حشر، آیه ۹۱.

۲۳۸ غاشیة، آیه ۱۲.



نقش ذکر (یاد خدا) در تربیت آدمی و رشد روح انسان، چنان است که دل را صاف و زلال می‌کند و آن را آماده پذیرش انوار خدایی می‌سازد.^{۲۳۹}

امیرالمؤمنین علی(ع) درباره نقش ذکر در رشد دادن انسان می‌فرماید:
«فراوان یاد خدا کنید که بهترین یادها و امان از نفاق، و تبرئه از آتش است، صاحبش را به هنگام قسمت خیرها(میان بندگان) بیاد خدا آرد، و آوایی زیر عرش الهی دارد».^{۲۴۰}

خدای رحمان از روی رحمت و دوست داشتن بی‌اندازه خویش به این امر(ذکر) اشاره کرده است تا دل‌های مردم به آن نرم شود و توحید ناب در جانشان جاری گردد. بنابراین یکی از بهترین روش‌های تربیتی، به ویژه برای فرزندانمان که ممکن است از دنیا و اطراف خود گلابه داشته باشند، یادآوری نعمت‌های خدا و تذکر دادن نسبت به آن است. این توجه و یادآوری نعمت‌ها، انسان را اهل محبت(مهرورزی) کرده و سختی‌ها را از یاد می‌برد.

لذا خداوند متعال می‌فرماید:

«ای مردم، نعمت خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست؛ پس چگونه(از حق) انحراف پیدا می‌کنید؟».^{۲۴۱}

امام خمینی(ره) در زمینه یاد خدا در زندگی می‌فرماید:

«آن چه مایه نجات انسان‌ها و آرامش قلوب است، وارستگی و جدایی از دنیا و دلبستگی‌های آن است که با یاد همیشگی خدا به دست می‌آید».^{۲۴۲}

از اثرات ذکر در نهاد هر شخص مورد تربیت، به خصوص در تربیت اسلامی فرزندان، آرامش حقیقی است که خداوند متعال می‌فرماید:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^{۲۴۳}

۲۳۹ سیری در نهج البلاغه، ص ۷۸.

۲۴۰ تحف العقول، ص ۹۴۱.

۲۴۱ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا اللَّهَ عَلَيَّكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يُزِقُّكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَىٰ تَوْفِكُونَ . فاطر، آیه ۳.

۲۴۲ صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۸۵۳.

۲۴۳ رعد، آیه ۸۲.



آگاه باش که دل‌ها با یاد خدا آرامش می‌یابد.»

از این رو به کثرت یاد خدا در قرآن اهمیت داده شده، آنجا که می‌فرمایند:
 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا؛^{۲۴۴}
 ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را یاد کنید؛ یادی بسیار.»

چهار. یاد مرگ

از جمله روش‌های تربیتی که در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام بر آن بسیار سفارش شده، یادآوری مرگ است. این مسئله دارویی اثر گذار در ریشه کن کردن وابستگی به دنیا و رذائل اخلاقی و حرکت دهنده‌ای قوی در برانگیختن آدمی برای استفاده از فرصت‌های دنیا به سود زندگی آخرت می‌باشد.

در زمینه یاد مرگ، خداوند در قرآن می‌فرماید:
 «هر کسی چشندۀ (طعم) مرگ است و به درستی در روز رستاخیز پاداش‌هایتان به‌طور کامل به شما داده می‌شود؛ پس هر که را از آتش دور کنند و در بهشت بیاورند به‌راستی کامیاب شده است و زندگی دنیا جز مایۀ فریب نیست.»^{۲۴۵}

یکی از فایده‌های یادآوری مرگ برای فرزندان این است که آرزوهای دنیایی و سطح پایینِ آدمی را از بین می‌برد.
 اگر انسان دنیا را فانی و خود را مسافر ببیند، بی‌گمان به تربیت خویش همت می‌گمارد و خود را برای سرای جاودانی آماده می‌سازد. این حقیقت در سخنان نورانی امیرالمؤمنین علی(ع) به عنوان اثرات یاد مرگ، چنین وارد شده است:

اثرات یاد مرگ

۱. آمادگی برای مرگ: «هر که دوری سفر را به یاد آورد، خویشتن را آماده می‌کند.»^{۲۴۶}

۲۴۴ احزاب، آیه ۱۴.

۲۴۵ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَاعٌ الْعُزْرُورِ . آل عمران، آیه ۵۸۱؛ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُوكُمْ بِالْبَشْرِ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ . انبیاء، آیه ۵۳؛ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ . عنکبوت، آیه ۷۵.

۲۴۶ «وَقَالَ مَنْ تَذَكَّرْ بَعْدَ السَّفَرِ اسْتَعِدَّ». نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۵۲۵.



۲. استفاده از فرصت‌ها: «هر که منتظر مرگ خویش باشد از مهلت‌هایی که در اختیار دارد بهره می‌برد». ۲۴۷
۳. شتاب در انجام کارهای خیر: «هر که انتظار مرگ را بکشد در انجام دادن کارهای نیک شتاب می‌کند». ۲۴۸ «هر که به کیفر و پاداش آخرت یقین داشته باشد، جز کار خیر را انتخاب نمی‌کند». ۲۴۹
۴. بسنده کردن به ضروریات: «هر که مرگ را بسیار یاد کند به (روزی) کم دنیا راضی می‌شود». ۲۵۰
۵. کم شدن خواسته‌های مادی: «یاد مرگ، شهوات و خواسته‌های نفسانی را می‌میراند و ریشه‌های فراموشی را می‌زداید و دل را به وعده‌های خداوند قوی و استوار می‌نماید و وجود آدمی را لطیف و نرم می‌کند و نشانه‌های هوا و هوس را در هم می‌شکند و آتش حرص (بیش از اندازه خواستن) را فرو می‌نشاند و دنیا را (در نظر انسان) خوار و بی مقدار می‌گرداند». ۲۵۱

این همه فایده‌هایی که از یاد مرگ ذکر شد، می‌طلبید که پدر و مادر در تربیت فکری فرزندان خود، توجه دادن به ناپایداری دنیا و گذرا بودن آن را در نظر داشته باشند و خود نیز در رفتارشان عدم دل‌بستگی به دنیا را نشان بدهند و گرنه روشن است که گفتن به تنهایی (و بدون عمل) دردی را دوا نمی‌کند و نخواهد کرد.

پنج. روش پندگیری

عبرت گرفتن یعنی حرکت کردن از صفات بد به سوی صفات خوب. اگر کسی حادثه‌های روزگار را ببیند و از صفت بد به صفت خوب نرسد، می‌گویند تماشا کرد ولی عبرت نگرفت؛ اما اگر از صفت بد به سمت خوبی‌ها حرکت کرد، می‌گویند عبرت گرفت. ۲۵۲ یکی دیگر از روش‌های تربیتی، عبرت است که سبب بصیرت انسان می‌گردد. خانواده‌ای در تربیت فرزندانش موفق خواهد بود که بتواند زمینه‌ی عبرت‌پذیری و درس گرفتن از خوبی‌ها و بدی‌های اطرافیان را برای فرزندان خود آماده کند.

۲۴۷ «مَنْ رَأَى رَأْفَةَ أَجَلِهِ اغْتَنَّمَ مَهَلَّهُ». عیون الحکم و المواعظ، لیشی، ص ۹۴۴.

۲۴۸ «مَنْ تَرَقَّبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ». همان، ص ۹۵۴.

۲۴۹ «مَنْ أَيْقَنَ بِالْمَجَازَاهِ لَمْ يُؤْتِرْ غَيْرَ الْحَسَنَى». همان، ص ۱۴۴.

۲۵۰ «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؟ مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْبَيْسِيرِ». کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۶.

۲۵۱ «ذَكَرَ الْمَوْتَ يُمِيطُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ وَ يَفْلَحُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ وَ يَقْوَى الْقَلْبَ بِمَوَاعِدِ اللَّهِ وَ بَرَقَ الطَّبَعُ وَ يَكْسِرُ أَعْلَامَ الْهَوَى وَ يَطْفِئُ نَارَ الْجِرْصِ وَ يَحَقِّرُ الدُّنْيَا وَ هُوَ مَعْنَى مَا قَالَ النَّبِيُّ؟ ص؟ فِكْرٌ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ...». بحار الانوار، ط بیروت، ج ۶، ص ۳۳۱.

۲۵۲ عبدالله جوادی آملی، اسرار عبادات، صص ۲۳۱ و ۳۳۱.



از اثرات عبرت، می‌توان در کلامات امیرالمؤمنین علی (ع) بهره جست آنجا که می‌فرماید:
 «عبرت بیم‌دهنده‌ای خیرخواه است. هر که (در حوادث و آنچه بر دیگران رفته است) بیندیشد،
 عبرت می‌گیرد و هر که عبرت بگیرد خود را (از سرنوشت بد دیگران) دور نگه می‌دارد و هر که خود
 را (از بدی‌ها) دور نگه دارد به سلامت می‌ماند».^{۲۵۳}

«هر که عبرت بگیرد، بینا می‌شود».^{۲۵۴}
 «عبرت گرفتن نتیجه‌اش نگهداری خویشتن از گناه است».^{۲۵۵}
 هر چه روحیه عبرت‌گیری بیشتر شود، قدرت نگهداری انسان افزایش می‌یابد و در نتیجه اشتباه و
 گناهش کمتر می‌شود. علی (ع) می‌فرماید:
 «هر که عبرت‌گیری‌اش بسیار باشد، لغزش او اندک باشد».^{۲۵۶}

امیرالمؤمنین علی (ع) در ابتدای زمامداری خود، در خطبه‌ای مردم را به این نکته مهم توجه داد
 و فرمودند:
 «کسی که عبرت‌ها برایش سرانجام‌های وخیم را که در پیش چشم اوست آشکار نماید و پند پذیرد،
 البته تقوا او را از سرنگون شدن در شبهه‌ها باز می‌دارد».^{۲۵۷}

راهکارهای پندپذیری در فرزند

روش‌های فراوانی برای کسب عبرت وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها قصه‌های گذشتگان است.
 شیوه داستان‌سرایی آن هم داستان‌های قرآنی و واقعی - برای کودک و نوجوان حتی انسان‌های با
 سنین بالا- عبرت‌آموز است.
 گفتن داستان یا شعرهای آموزنده از روش‌های تربیتی اثرگذار و ماندگار است.
 امام صادق (ع) پدران و مادران را سفارش می‌کردند که به فرزندانشان شعرهای عبدی (شاعر عرب)
 را بیاموزند؛ زیرا که داستان‌های واقعی را به صورت شعر در می‌آورد.^{۲۵۸} خداوند بلند مرتبه می‌فرماید:

۲۵۳ «لِفِكْرٍ مِأْتُهُ صَافِيَةٌ وَ الْإِعْتِبَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ وَ كَفَى أَدْبًا لِنَفْسِكَ تَجَنُّبُكَ مَا كَرِهْتَهُ لِغَيْرِكَ». بحار الانوار، ط
 بیروت، ج ۸۶، ص ۸۲۳.

۲۵۴ «من اعتبر ابصر». نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۶۰۵.

۲۵۵ «الْإِعْتِبَارُ يُنْمِرُ الْعِضْمَةَ». تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۷۴.

۲۵۶ «مَنْ كَثُرَ اغْتِبَارُهُ قَلَّ عِزَّاهُ». عیون الحکم و المواعظ، لیثی، ص ۱۴۴.

۲۵۷ «إِنَّ مَنْ صَرَحَتْ لَهُ الْعِبْرَةُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ». همان، ص ۴۵۱.

۲۵۸ «يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ شِعْرَ الْعَبْدِيِّ فَإِنَّهُ عَلَى دِينِ اللَّهِ». بحار الانوار، ط بیروت، ج ۶۷، ص ۳۹۲.



«به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان، عبرتی است.»^{۲۵۹}
 همچنین در اطراف زندگی ما اتفاقات تلخ و شیرینی رخ می دهد که اگر والدین آنها را با یک نگاه
 عبرتی برای فرزندان خود تشریح نمایند، می تواند کمک به تقویت روحیه عبرت گیری در فرزندان
 شود.

شش. روش مراقبه

برای رشد و سلوک انسان در مسیر تربیت اسلامی، چهار مرحله ی اساسی ذکر شده که در مجموع
 به آنها «مراقبه» می-گویند. این چهار مرحله شامل: «مشارطه»، «مراقبه»، «محاسبه» و «معاتبه»
 می باشند.^{۲۶۰}

مشارطه (شرط گذاشتن)

«مشارطه» در لغت به معنی شرط کردن با کسی است. یکی از روش‌ها در محاسبه رفتار فرزند،
 مشارطه است؛ یعنی اگر کار خیر یا شری می‌کند با او شرط کنیم که مثلا کار خیر را فراموش نکند.
 این کار باعث می‌شود به خاطر عهد و پیمانی که با ما بسته است، خلف وعده نکند. خداوند بلند مرتبه
 هم با فرزندان آدم این مشارطه را انجام داده است در آن‌جا که فرموده است:
 «ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید که او دشمن آشکار شماست؟ و
 من را بپرستید، که این راه راست است؟»^{۲۶۱}

و یا می‌فرمایند:

«و بیشترشان را پایند هیچ عهد و پیمانی نیافتیم و به درستی که بیشترشان را بدکاران و بیرون
 شوندگان از فرمان یافتیم.»^{۲۶۲}

مراقبه (مواظبت)

«مراقبه» در لغت به معنی مواظبت و نگهداری کردن است؛^{۲۶۳} بنابراین پدر و مادر وقتی با فرزند
 ۲۵۹ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ . يوسف، آیه ۱۱۱.
 ۲۶۰ برخی برای «مراقبه» شش مرحله قائل شده‌اند: ۱. مشارطه؛ ۲. مراقبه؛ ۳. محاسبه؛ ۴. معاقبه؛ ۵.
 مجاهده؛ ۶. معاتبه. رک: احیاء العلوم، ج ۴، ص ۲۶۳؛ المحجّة البيضاء، ج ۸، ص ۵۱.
 ۲۶۱ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ . يس، آیه ۰۶.
 ۲۶۲ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ . اعراف، آیه ۲۰۱.
 ۲۶۳ فرهنگ معین، ج ۳، صص ۴۸۹۳ و ۵۸۹۳.



خود شرط یا شروطی می‌گذارند در مراقبت نسبت به این‌که آیا او به تعهدی که با آنها کرده، پایبند است یا نه، باید دقت داشته باشند. خداوند بلند مرتبه به عنوان آموزگار اصلی انسان‌ها می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛^{۲۶۴}

به درستی که خداوند همیشه نگهبان شما است.»

یاد آوردن بزرگی خداوند، خود بهترین گزینه در «مراقبه» است؛ چنان‌چه در حدیث قدسی می‌فرمایند:

«به یقین کسانی در بهشت عدن ساکن می‌شوند که چون قصد گناهی کردند، عظمت مرا به یاد آورند و متوجه من شوند و از گناه باز ایستند.»^{۲۶۵}

محاسبه (حساب کردن)

«محاسبه» در لغت به معنی حساب چیزی را نگه داشتن و با کسی حساب کردن است.^{۲۶۶} روایت فراوانی در مورد محاسبه‌گری نفس وجود دارد؛ از این‌رو بر مری لازم است که در مسیر تربیت مرتبی، به محاسبه اعمال او همت گمارد.

انسان عاقل قبل از آن که زمان بگذرد به بررسی حساب خودش اقدام می‌کند. پیامبر اکرم (ص) در این‌باره چنین سفارش کردند:

«به حساب خود برسید پیش از آن‌که به حساب شما برسند و (کردار) خود را بسنجید پیش از آن‌که آن را (به ترازوی روز جزا) بسنجند و خود را برای قیامت کبرا آماده سازید.»^{۲۶۷}

امام علی (ع) فرموده‌اند:

«هر که به حساب نفس خود برسد سود ببرد، و هر که از آن غافل ماند زیان ببیند.»^{۲۶۸}

در اهمیت این سخن، امام کاظم (ع) فرموده است:

«هر که نفس خود را در هر روز محاسبه نکند از ما نیست؛ پس اگر کار نیکی کرده است از خداوند

^{۲۶۴} نساء، آیه ۱.

^{۲۶۵} «انما یسکن جنات عدن الذین اذا هموا بالمعاصی ذکروا عظمتی فراقبونی». احیاء العلوم، ج ۴، ص ۵۶۳؛ المحجۀ البیضاء، ج ۸، ص ۶۵۱.

^{۲۶۶} فرهنگ معین، ج ۳، ص ۹۸۸۳.

^{۲۶۷} «حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ وَاذُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُؤَازَنُوا». تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۳۲.

^{۲۶۸} «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رَجَحَ». همان، ص ۶۳۲.



بیشتر از آن بخواهد و خداوند را سپاس گوید و اگر کار بدی مرتکب شده است از خداوند آمرزش بخواهد و به سوی او بازگردد».^{۲۶۹}
 آخرین گام در تکمیل روش «مراقبه و محاسبه»، ادب نمودن و تنبیه است که آن را «مؤاخذه» یا «معاتبه» نامیده‌اند.

معاتبه (خشم گرفتن)

«معاتبه» در لغت به معنی خشم گرفتن و سرزنش کردن است.^{۲۷۰} البته در روایات در مورد خشم گرفتن (معاتبه) بر نفس سخنانی وجود دارد اما یک استاد یا پدر و مادر در جایگاه ولی فرزند می‌توانند او را در انجام امور، مورد عتاب (سرزنش) قرار دهند، همان‌طور که هر شخصی برای پرورش نفسش باید این کار را انجام دهد. امیرالمؤمنین علی(ع) فرموده است:
 «هر که نفس خود را سیاست (مدیریت) و ادب نکند، آن را تباه کرده است».^{۲۷۱}

بنابراین چون انسان با خیانت و کوتاهی نفس در تربیت و هدایت رو به رو می‌شود در برخورد با آن نباید سهل انگاری کند؛ زیرا این امر سبب گستاخی نفس و ادامه تباه‌گری آن می‌شود تا جایی که دیگر بازگرداندنش بسیار دشوار بلکه ناممکن می‌گردد.

پس پدر و مادر در برخی از موارد باید فرزند خود را مورد بازخواست قرار دهند که چرا فلان عمل را انجام داده است؟ فرزندان ما را نیستند و ما درباره اخلاق و ادب آن‌ها وظیفه داریم به همین دلیل گاهی خشم کردن هم لازمه تربیت است که در بحث روش تنبیه بیشتر به آن اشاره خواهیم کرد.

هفت و هشت. روش تشویق و تنبیه

خدای بزرگ به صورت‌های مختلف بندگانش را تشویق و تنبیه می‌کند و راه تربیت و هدایت را بر آنان می‌گشاید؛ چنان‌که جایگاه همه پیام‌آوران الهی بشارت و انذار (امید و بیم دهنده‌گی) است. بنابراین می‌فرمایند:

«وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛^{۲۷۲}
 ۲۶۹ «لَيْسَ مَتَا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلٌ خَيْرٌ [حَسَنًا] اسْتَرَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَ حَمِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنَّ عَمَلٌ شَرًّا اسْتَعْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ». الزهد، النص، ص ۶۷.

۲۷۰ لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «معاتبه».

۲۷۱ «مَنْ لَمْ يَسُنْ نَفْسَهُ أَضَاعَهَا». تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۳۲.

۲۷۲ انعام، آیه ۸۴.



ما پیامبران را جز بشارت دهنده و هشدار رسان نمی‌فرستیم؛ پس کسانی که ایمان آوردند و کار نیک و شایسته انجام دهند، ترس و اندوهی ندارند.»

امیرالمؤمنین علی(ع) درباره نقش پاداش و جزای الهی در تربیت می‌فرماید:
 «خدای سبحان پاداش را بر فرمانبری و جزا را در نافرمانی خود قرار داده است تا بندگان را از عذاب خویش بازدارد و به سوی بهشت روانه سازد.»^{۲۷۳}

همچنین امیرالمؤمنین علی(ع) در توصیف پیامبر اکرم(ص) و روش ایشان در تربیت مردم چنین می‌فرماید:

«طبیعی است که همراه با طبّش در میان مردم می‌گردد، مرهم هایش را محکم و آماده ساخته، و ابزار هایش را برای سوزاندن زخمها داغ نموده، تا هر جا لازم باشد: در زمینه دل‌های کور، و گوش‌های کر، و زبان‌های لال به کار گیرد. دارو به دست به دنبال علاج بیماری‌های غفلت، و دردهای حیرت است. این بیماران وجود خود را از انوار حکمت روشن ننموده، و با آتش زنه دانشی درخشان شعله نیفروخته‌اند. از این بابت به مانند چهارپایان چرنده، و سنگهای سخت‌اند.»^{۲۷۴}
 خدای سبحان حتی در انجام کارهای واجب بر تشویق افراد سفارش کرده است. در آیه گرفتن زکات، پس از گرفتن آن به وسیله پیامبر اکرم(ص) برای تشویق زکات دهندگان می‌فرماید بر آنان درود بفرست:

«از اموال آنان صدقه‌ای (زکات) بگیر تا به وسیله آن، آن‌ها را (از دنیاپرستی و بخل و جامعه را از فقر) پاکیزه سازی و ایشان را دعا کن که دعای تو آرامشی است برای آنان و خدا شنوا و داناست.»^{۲۷۵}

پیامبر اکرم(ص) نیز همین گونه رفتار می‌کرد؛ چنان‌که نقل کرده‌اند:
 «هنگامی که شخصی زکات اموال خود را به پیامبر اکرم(ص) می‌داد، آن حضرت می‌فرمودند: اللهم

۲۷۳ «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَضَعَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ زِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ وَ حِيَاشَةَ لَهُمْ إِلَيَّ جَنَّتِهِ». نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۹۳۵.

۲۷۴ «طَبِيبٌ دَوَّارٌ يَطْبِئُهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمِيٍّ وَ أَدَانٍ صَمٍّ وَ أَلْسِنَةٍ بِكُمْ مَتَتَّبِعُ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْخَيْرَةِ». همان، ص ۶۵۱.

۲۷۵ حُذِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تَطَهِّرُهُمْ وَ تَزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلَّى عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . توبه، آیه ۳۰۱.



صل علیه؛^{۲۷۶} خدایا بر او درود فرست. و او را دعا می‌کرد و چون زکات قبیله‌ای به آن حضرت داده می‌شد، آنان را دعا می‌کرد و می‌فرمودند: اللهم صل علیهم؛^{۲۷۷} خدایا بر آنها درود فرست.»

تشویق و قدردانی موجب می‌شود که انسان در انجام‌دادن وظیفه‌های خود بیش از پیش تلاش کند و گرایش به کمال در او زیاد شود.

مردان خدا برای سیر دادن مردم به سمت تربیت، اشتیاق به آخرت و رضوان الهی را در آنها زنده می‌کردند و از این راه مردم را از بدی‌ها دور می‌ساختند و به نیکی‌ها نزدیک می‌کردند. امیرالمؤمنین علی(ع) فرموده‌اند:

«هر که مشتاق بهشت است، خود را از شهوت‌ها دور نگه دارد.»^{۲۷۸}

آداب تشویق

تشویق مانند هر کار دیگری زمانی نتیجه بخش و رشد دهنده است که بر اساس آدابی صحیح صورت پذیرد؛ در این جا به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

الف. تشویق به کار یا صفت نیکوی شخص تعلق بگیرد.

در حدیثی از امام رضا(ع) آمده است:

«به درستی که خداوند وسعت‌دهنده و کریم است و در مورد عمل، ضامن ثواب است.»^{۲۷۹}
یعنی برای متربی مشخص شود که به طور مثال بخاطر فلان کاری که انجام داده مورد تشویق قرار گرفته است.

ب. تشویق باید به جا و متناسب با میزان و نوع کار باشد و روحیه شخص در انتخاب شکل آن (تشویق زبانی، رفتاری، مالی، معنوی و...) ملاحظه شود.

به عنوان نمونه خداوند، سهمی از زکات را برای تشویق‌های مالی در جهت ایجاد الفت(همدلی) و علاقه‌مند کردن کافران به جهاد و اسلام و برای دلگرمی مسلمانانی که باورهایشان سست است،

^{۲۷۶} صحیح البخاری، ج ۸، ص ۵۳۴.

^{۲۷۷} الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۹۴۲.

^{۲۷۸} «فَمَنْ اسْتَأْتَىٰ إِلَيَّ الْجَنَّةَ سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ». کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج ۲، ص ۴۱۶.

^{۲۷۹} «إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ ضَمِنَ عَلَيَّ الْعَمَلَ الثَّوَابَ». کافی، ط الإسلامیه، ج ۱، ص ۷۴۵.



مشخص کرده است.

خداوند بلند مرتبه می‌فرماید:

«به درستی که صدقات (زکات) برای نیازمندان، بینوایان و متصدیان (جمع کنندگان و پخش کنندگان) آن است و برای کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود و در راه آزادی بردگان و برای بدهکاران و در راه خدا و برای در راه ماندگان.

(این) عمل واجبی است از جانب خدا و خدا دانای حکیم است.»^{۲۸۰}

ج. تشویق باید به موقع انجام گیرد.

برای نمونه می‌توان از تشویق حسان بن ثابت به وسیله پیامبر اکرم (ص) در غدیر خم یاد کرد. پس از آن که پیامبر اکرم (ص) در غدیر خم، امیرالمؤمنین علی (ع) را به عنوان پیشوای خلق پس از خود معرفی کرد و فرمودند:

«هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. بر شما است که پیرو او باشید. خداوند دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن دار.»^{۲۸۱}

حسان بن ثابت از پیامبر اکرم (ص) اجازه خواست تا اشعاری درباره علی (ع) و انتخاب آن حضرت به امامت و خلافت در غدیر خم بسراید. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ای حسان به میمنت و برکت الهی بسرای.» و حسان شعر زیبایی سرود.^{۲۸۲} وقتی که حسان شعر خود را خواند، پیامبر اکرم (ص) در قدردانی از او فرمود: ای حسان، تا آن زمان که ما را به زبان خود یاری می‌کنی، از حمایت‌های روح القدس بهره مند می‌شوی.^{۲۸۳} بدیهی است این عمل پیامبر علاوه بر تشویق حسان، در نظر دیگران نیز موجب انگیزه‌سازی و تأکیدی بر واقعه مذکور بوده است.

۲۸۰ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ . توبه، آیه ۰۶.

۲۸۱ الغدير في الكتاب و السنة و الادب، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲۸۲ الفصول المختارة في العيون و المحاسن، ص ۵۳۲.

۲۸۳ «لاتزال مؤيداً بروح القدس ما نصرتنا بلسانك و قلت فينا». إعلام الوری، ج ۱، ص ۹۰۵؛ رجال الكشي، ص ۸۰۲، ح ۶۶۳ نحوه.



د. تشویق باید به اندازه باشد.

امیرالمؤمنین علی(ع) فرموده است:

«ستایش بیش از حقّ شخص، تملّق (چاپلوسی) است و کمتر از حقّ فرد در ماندگی یا حسادت است.»^{۲۸۴}

ه. تشویق، نباید هدف باشد و همه ذهن و فکر را متوجه به خود سازد، بلکه باید وسیله‌ای برای حرکت دادن باشد.

پیامبر اکرم(ص) در دعایی به ما می‌آموزد که توجه اساسی انسان باید به اصیل‌ترین امور باشد: «خدایا ما را از کسانی قرار ده که پیوسته به امر تو مشغولند».^{۲۸۵}

و. دلیل تشویق شدن برای شخص در حال تربیت، باید روشن باشد.

«که روزی کمیت‌بن‌زید اسدی(شاعر بزرگ و بی‌نظیر شیعی که در سال ۲۶هجری به شهادت رسید) بر امام باقر(ع) وارد شد و امام هدیه‌ای همراه لباس به او داد. کمیت گفت: سوگند به خدا من شما را به خاطر هدیه‌های دنیایی انتخاب نکرده‌ام؛ اگر چنین می‌خواستم به کسانی روی می‌آوردم که مال دنیا را در چنگ دارند بلکه شما را به دلیل ارزش‌های برتر انسانی و دینی برگزیده‌ام از این‌رو لباس شما را که نمونه‌ای از انتخاب شماسست، برمی‌گزینم».^{۲۸۶}

«هم‌چنین نقل کرده‌اند که کمیت خدمت امام سجاد(ع) رسید و عرض کرد: «شعری در مورد شما گفته‌ام و می‌خواهم وسیله تقرب نزد پیامبر اکرم(ص) باشد. آن گاه قصیده میمیه خود را تا آخر خواند در پایان امام(ع) فرمود: «ما پاداش تو را نمی‌توانیم بدهیم، امید است که خداوند به تو پاداش دهد. کمیت گفت: می‌خواهم بعضی از لباس‌هایی که در بدنتان بوده را به من هدیه دهید. امام(ع) تعدادی از لباس‌هایش را به او داد و در حق او چنین دعا کرد: خدایا کمیت نسبت به خاندان پیامبر اکرم(ص) به خوبی انجام وظیفه کرد زمانی که بیشتر مردم از این کار بخل می‌کردند و آن‌چه از حق را که دیگران پوشیده داشتند او آشکار کرد. خدایا به او زندگی همراه با خوشبختی ببخش و مرگش را شهادت قرار بده و پاداش خوبی به او عطا کن که ما از پاداش او ناتوانیم. کمیت بعدها گفت: «پیوسته از برکت این

۲۸۴ «الْتَّنَاءُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ». نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۵۳۵.

۲۸۵ «لِللّٰهِمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ». شعیری، جامع الاخبار، ص ۲۳۱.

۲۸۶ ادبیات انقلاب در شیعه، ج ۱، ص ۳۶.



دعا بهره‌مند بودم».^{۲۸۷}

نقش تنبیه در تربیت

تنبیه درست و طبق آداب، روشی است مناسب برای بیدار کردن آدمی و اگر در این کار سستی شود، انسان به هلاکت می‌رسد.

امیرالمؤمنین علی(ع) در این مورد فرموده‌اند:

«به درستی که این نفس به بدی و گناه فرمان می‌دهد پس هر که آن را رها کند او را به سوی گناهان می‌کشاند».^{۲۸۸}

«هر که به نفس خود بی توجه باشد، نفسش او را هلاک می‌کند».^{۲۸۹}

بنابراین تنبیه در شرایط خاص، بهترین وسیله نجات آدمی از هلاکت و مایه حیات بخشی است؛ چنان که خداوند فرموده است:

«وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^{۲۹۰}

ای خردمندان، شما را در انجام قصاص، زندگی است. باشد که تقوی (رعایت کردن حدود الهی) داشته باشید».

تنبیه و مجازات درست، سبب پاکیزه شدن فرد و جامعه می‌شود. همان طور که پیامبر اکرم(ص) فرموده است:

«اثر پاک‌کنندگی اجرای یک حد شرعی که در زمین اقامه شود از شصت سال عبادت بیشتر است».^{۲۹۱}

می‌دانیم که تنبیه، آداب و مراتبی دارد. آنان که با مدارا و ملایمت اصلاح نمی‌شوند با تنبیه و مجازاتی به اندازه، اصلاح می‌شوند. چنان‌که امیرالمؤمنین علی(ع) فرموده است:

۲۸۷ همان، صص ۳۶ و ۴۶.

۲۸۸ «إِنَّ هَذِهِ النَّفْسَ لِأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ فَمَنْ أَهْمَلَهَا جَمَحَتْ بِهِ إِلَى الْمَأْتِمِ». عیون الحکم و المواعظ، لیثی، ص ۱۴۱.

۲۸۹ «مَنْ أَهْمَلَ نَفْسَهُ أَهْلَكَهَا». همان، ص ۹۲۴.

۲۹۰ بقره، آیه ۹۷۱.

۲۹۱ «حَدَّ يُقَامُ فِي الْأَرْضِ أَرْكَى فِيهَا مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ أَيْامَهَا». مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۳۲، ص ۳۶۲.



«کسی که با خوش رفتاری اصلاح نشود، با کیفر کردن خوب اصلاح می‌شود».^{۲۹۲}

آداب تنبیه

اکنون به برخی نکات مهم در امر تنبیه، اشاره می‌شود:

۱. در تنبیه نباید شخصیت طرف مورد سرزنش واقع شود بلکه عمل و رفتار وی باید مورد نکوهش واقع گردد. امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده است:
«به‌درستی که خدای سبحان کیفر را بر نافرمانی خود قرار داده است تا بندگانش را از عذاب خویش بازدارد».^{۲۹۳}
۲. تنبیه از اندازه‌اش تجاوز نکند و گرنه نتیجه عکس دارد.

گفته شده است که:

«مردی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد که خانواده‌ام نافرمانی می‌کنند، چگونه آنان را تنبیه کنم؟ حضرت فرمود: «آنان را ببخش». آن شخص برای بار دوم و سوم پرسش خود را تکرار کرد و پیامبر اکرم (ص) نیز همان پاسخ را داد. آن گاه حضرت فرمود: پس (اگر خواستی تنبیه کنی) به اندازه گناهی که کرده‌اند مجازات کن و صورت را آزار نده (زیاده روی مکن)».^{۲۹۴}

از امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در این باره چنین روایت شده است:
«فراط در سرزنش کردن، میزان لجاجت را بیشتر می‌کند».^{۲۹۵}

هم‌چنین نقل شده است که:

«کسی نزد امام کاظم (ع) از رفتار فرزند خود شکایت کرد. حضرت (ع) به آن شخص درباره تنبیه فرزندش فرمود: فرزندت را تنبیه بدنی نکن و (برای ادب کردنش) با او قهر کن ولی قهرت طولانی نشود».^{۲۹۶}

۲۹۲ «من لم یصلحه حسن المداراة یصلحه حسن المكافاة». غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۰۶.

۲۹۳ «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَصَّعَ... الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ». قاموس قرآن، ج ۳، ص ۰۳.

۲۹۴ «اغفر، فإن عاقبت فعاقب بقدر الذنب و اتق الوجه». نهج الفصاحة، ص ۶۲۲.

۲۹۵ «لِإِفْرَاطٍ فِي الْمَلَامَةِ يُشَبُّ نَبِيْرَانَ اللَّجَاجَةِ». عيون الحکم و المواعظ، لبثی، ص ۲۲.

۲۹۶ «وَ قَالَ بَعْضُهُمْ شَكَوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ابْنِ أَبِي قَالٍ لَا تُضْرِبُهُ وَ اهْجُرْهُ وَ لَا تَطْلُ». عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۹۸.



۳. تنبیه برای بیداری است بنابراین باید مناسب شخص و رفتاری که از او سر زده است انتخاب شود. چشم پوشی، اخم، روی ترش کردن، روی برگرداندن، ترک کردن، قهر کردن، به کنایه سخن گفتن، اشاره لفظی، یادآوری، سخن عادی، سخن تند^{۲۹۷} و مانند این‌ها مراتبی است که مانند دارویی اثرگذار از جانب طبیعی باتجربه و دلسوز انتخاب می‌شود و در صورتی که مرتبه‌ای آرام‌تر نتیجه می‌دهد، استفاده از مراتب شدیدتر به هیچ وجه جایز نیست.^{۲۹۸}

۴. تنبیه نباید برای فروکش کردن عصبانیت شخصی باشد، بلکه ابزار دلسوزی است نه انتقام‌جویی. امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده است:

«اگر خدمتگزارت، خدا را نافرمانی کرد، او را تنبیه کن ولی اگر وی شخص تو را نافرمانی کرد، او را ببخش».^{۲۹۹}

گفته‌اند که روزی امام سجاد (ع) یکی از بندگان خود را برای کاری سه بار صدا کرد اما پاسخی نشنید. سرانجام از او پرسید: «پسرم! صدای مرا نشنیدی؟» عرض کرد: «شنیدم» فرمود: «چرا پاسخ ندادی؟» گفت: «چون از شما نمی‌ترسم». حضرت (ع) فرمود: سپاس خدای را که بنده من از من نمی‌ترسد.^{۳۰۰}

۵. بهتر است تنبیه دور از چشم دیگران و در پنهان صورت گیرد؛ مگر مواردی که لازم است دیگران هم از این تنبیه، پند بگیرند و با مشاهده مجازات از انجام گناه بترسند چنان‌که در مورد برخی حدود الهی خداوند چنین در نظر گرفته است. در این‌گونه موارد نباید سستی کرد و اجرای آن را به عقب انداخت.

خداوند بلند مرتبه می‌فرماید:

«زن و مرد زناکار را هر یک صد تازیانه بزنید و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، نسبت به آن دو

۲۹۷. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۷۴.

۲۹۸. همان

۲۹۹. «ضَرْبُ خَادِمِكَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاعْفُ عَنْهُ فِيمَا يَأْتِي إِلَيْكَ». تهذيب الأحكام، تحقيق خراسان، ج ۱، ص ۷۲.

۳۰۰. «رَوَى أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ (ع)؟ دَعَا مَمْلُوكَهُ مَرْتَبِينَ فَلَمَّ يُجِبُهُ ثُمَّ أَحَابَهُ فِي الثَّلَاثَةِ فَقَالَ لَهُ يَا بَنِي أُمَّ مَا سَمِعْتَ صَوْتِي قَالَ بَلَى قَالَ فَمَا بَالُكَ لَمْ تُجِئَنِي قَالَ أَمِنْتُكَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ مَمْلُوكِي يَأْمَنُنِي». الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۷۴۱.



دلسوزی (بی جا) نکنید و باید گروهی از مؤمنان در مجازات کردن آن دو حضور یابند.^{۳۰۱} به این ترتیب از گناه جلوگیری شده و مایهٔ پند و عبرت دیگران می‌شود. امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده است:

«عاقل کسی است که از مشاهدهٔ دیگران پند گیرد».^{۳۰۲}

۶. شخصی که تنبیه می‌شود باید دلیل تنبیه خود را بداند؛ به صورتی که شخص خود را لایق تنبیه ببیند و وجدانش آن را قبول داشته باشد تا مجازات، اثر بیدارکننده، بازدارنده و اصلاح‌کننده داشته باشد.

گفته‌اند که یکی از دوستداران امیرالمؤمنین علی (ع) که برده‌ای سیاه بود، دچار لغزش شد و سرقتی کرد. او را نزد امیرالمؤمنین علی (ع) آوردند. پس از آن که اقرار کرد و مشخص شد که باید مجازات شرعی بشود، امام (ع) پنجهٔ راست او را قطع کرد. او انگشتان قطع شده‌اش را به دست چپ گرفت و در حالی که قطرات خون می‌چکید بیرون رفت. «ابن الکوا» که از خوارج بود با دیدن این صحنه، فرصت را ارزشمند دید، پیش رفت و از آن مرد پرسید: «چه کسی پنجه‌ات را قطع کرده است؟ او که منظور «ابن الکوا» را از دلسوزی دروغی‌اش دریافته بود، گفت: «پنجه‌ام را سید اوصیای پیامبران، پیشوای روسفیدان قیامت، صاحب حق‌ترین مردم نسبت به مؤمنان، علی بن ابی طالب (ع)، امام هدایت، همسر فاطمه زهرا (س) دخت محمد مصطفی (ص)، ابوالحسن مجتبی و ابوالحسن مرتضی عمهما؟، پیشتاز بهشت‌های نعمت، مبارز شجاع، انتقام‌گیرنده از جهالت پیشگان، بخشندهٔ زکات، پسر عموی پیامبر اکرم (ص)، رهبر راه رشد و کمال، گویندهٔ گفتار راستین، شجاع مکی، بزرگوار باوفا، بریده است».

«ابن الکوا» با شنیدن این سخنان برآشفته و گفت: «وای بر توای سیاه! دستت را قطع می‌کند و تو این‌گونه خوبی‌اش را می‌گویی؟».

پاسخ داد: «چرا از خوبی‌هایش نگوییم در حالی که محبتش با گوشت و خونم آمیخته است؟ به خدا سوگند که دستم را جز به حق نبرید تا مرا از مجازات آخرت نجات دهد».^{۳۰۳}

۳۰۱ الزَّائِنَةُ وَالزَّائِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَا عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ. نور، آیه ۲.

۳۰۲ «لِعَاقِلٍ مِّنَ اتَّعَطَ بِغَيْرِهِ». عیون الحکم و المواعظ، لیثی، ص ۷۴.

۳۰۳ «بروی آن واحد از محبی علی بن ابی طالب؟ ع؟ سرق و کان عبدا أسود فأتی به إلی علی؟ ع؟ فقال: أ سرق؟ قال: بلی، فقطع یده فانصرف من عند علی فلقیه سلمان الفارسی، و ابن الکواء، فقال ابن الکواء: من قطع یدک؟ قال: أمیر المؤمنین و یعسوب المسلمین، و حبیب رب العالمین، و ختن الرسول، و زوج البتول، فقال:



فصل سوم: پرورش محبت اهل بیت علیهم السلام در فرزندان درس دهم: اهمیت محبت اهل بیت علیهم السلام در خوشبختی فرزندان

مفسر بزرگ اهل سنت -زمخشری- در تفسیر الکشاف در ذیل آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^{۳۰۴} می گوید:

«پیامبر اکرم(ص) فرمودند: کسی که بر محبت آل محمدعلیهم السلام بمیرد، شهید، آمرزیده، توبه کننده، با ایمان کامل از دنیا رفته است و ملک الموت او را به بهشت بشارت می دهد و...»^{۳۰۵}.

پیامبر اکرم(ص) فرموده است:

«دوستی [من و] اهل بیتم در هفت منزل سخت و خطرناک برای شما سودمند است: هنگام مرگ، در قبر، هنگام زنده شدن مردگان در قیامت، هنگام حساب و کتاب، نزد میزان و هنگام عبور از صراط. بر همین اساس، یکی از وظایف پدر و مادر، انتقال محبت اهل بیت(ع) به فرزندان شمرده شده است چنان که علی(ع) از پیامبر اکرم(ص) روایت می کند: فرزندان خود را بر سه صفت تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، محبت اهل بیت علیهم السلام او و قرائت قرآن».^{۳۰۶}

قطع یدک و تمدحه؟ فقال: و لم لا أمدحه و قد قطع یدی بحق، و خلصنی من النار، فسمع ذلك سلمان فأخبر به علياً؟ ع؟ فدعا الأسود و وضع يده على ساعده، و غطاه بمنديل و دعا بدعوات فسمعنا صوتا من السماء ارفع الرداء عن اليد، فرفعه فإذا اليد قد برئت بإذن الله». إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۳، ۱۵۵؛ الفصل السابع والخمسون...، ص ۱۵۵.

۳۰۴ انعام، آیه ۰۹.

۳۰۵ «عن النبي إنه قال: من مات على حب آل محمد مات شهيداً، ألا و من مات على حب آل محمد مات مغفوراً له، ألا و من مات على حب آل محمد مات تائباً...» جامع الاخبار للشعيري، ص ۶۶۱.

۳۰۶ «أدّبوا أولادكم على ثلاث خصال، حبّ نبيكم و حبّ اهل بيته و قرائة القرآن». كنز العمال، ج ۶۱، ص ۶۵۴.



نقش محبت اهل بیت علیهم السلام در تربیت فرزندان

یک. مانع از انجام دادن رفتارهای ناشایست اجتماعی و فردی

در جوامع غربی کنترل بیرونی شدید است و افراد از ترس قانون، جرأت انجام خلاف را ندارند و یا کمتر خلاف می‌کنند اما وقتی این مواظبت برداشته شد، آمار جرم بالا می‌رود. در مکتب اسلام، گرچه برای جلوگیری از تخلفها به کنترل بیرونی مثل حدود شرعی، قصاص، امر به معروف و نهی از منکر و... اشاره شده اما بیشترین توجه به مراقبت درونی است؛ به بیان دیگر افراد باید طوری تربیت شوند که مانع درونی در خودشان درست شود و حتی در نبودن ناظر بیرونی، خطا نکنند. محبت اهل بیت (ع)، به ویژه محبت وجود حضرت ولی عصر (عج)، یکی از عوامل عمده در ترک کارهای ناشایست است؛ زیرا وقتی انسان به حضرت حجت (عج) محبت داشت، و وجود ایشان را حاضر و ناظر اعمال مؤمنین دانست، سعی می‌کند از رفتاری که این محبت را کمرنگ می‌کند، بپرهیزد و در جهت رضایت محبوب خود حرکت کند.

دو. از منتظران شدن :

انتظار ظهور حضرت ولی عصر (عج)، از اموری است که بسیار سفارش شده و عاملی جهت گشایش امور مؤمنین تلقی گشته است.

امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید:

«منتظر فرج باشید و بدانید که محبوب‌ترین اعمال نزد خدا، انتظار فرج است.»^{۳۰۷}

از خصوصیت منتظران این است که مورد دعای امام صادق (ع) قرار خواهند گرفت، از این رو ایشان فرمودند:

«خداوند بنده‌ای را رحمت کند که ما را نزد مردم محبوب سازد. نه اینکه مردم را با ما دشمن سازد و ما را منفور آنان کند، هان بخدا سوگند اگر همان متن کلام زیبای ما را برای مردم روایت می‌کردند عزیزتر بودند و کسی نمی‌توانست بوجهی بآنان دست اندازی کند، ولی یکی از آنها کلمه‌ای می‌شنود و از پیش خود ده تا روی آن می‌گذارد.»^{۳۰۸}

۳۰۷ «انْتَظِرُوا الْفَرَجَ... فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجِ». الغيبة، النعمانی، النص، ۱۵۲.

۳۰۸ «عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؟ يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَّبْنَا إِلَى النَّاسِ وَلَمْ يَبْغِضْنَا إِلَيْهِمْ أَمَا وَ اللَّهِ لَوْ يَرَوْنَهُ مَحَابِسَ كَلَامِنَا لَكَانُوا بِهِ أَعَزَّ وَ مَا اسْتَطَاعَ أَحَدٌ أَنْ يَتَّعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ وَ لَكِنْ أَحَدَهُمْ يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ فَيُحِطُّ إِلَيْهَا عَشْرًا». کافی، ج ۸، ص ۹۲۲.



سه. زمینه پذیرفتن احکام و اخلاق دینی

کسی که چیزی را دوست داشته باشد، همیشه به یاد اوست و به سمت او حرکت می کند، بنابراین محبت حضرت حجت (عج)، بستری را فراهم می سازد که فرزندان به سمت خوبی ها گرایش پیدا کنند.^{۳۰۹}

چهار. نجات خانواده از هلاکت

انتقال محبت حضرت حجت (عج) به فرزندان، فضای خانه را نورانی و خوشبو می کند، پایه های خانواده را مستحکم می سازد و آینده خانواده و فرزندان را بیمه می کند و موجبات عاقبت به خیری را فراهم می سازد. در حدیث شریفی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند:

«هرکسی گمان کند که پیامبر اکرم (ص) را می شناسد و در عین حال، اوصیای مرا نمی شناسد، کافر است، سپس فرمودند: اوصیای من، امان شما هستند، به محبت من، آنان را دوست بدارید و به آنان تمسک جوید تا گمراه نشوید».^{۳۱۰}

راه کارهای انتقال محبت اهل بیت علیهم السلام

در این بخش، عوامل و شیوه های انتقال محبت اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام زمان (عج)، از والدین به فرزندان، بیان خواهد گردید.

یک. وراثت و زیست شناختی

با وجود این که انسان مختار است، اما نمی توان از نقش مؤثر وراثت غافل شد. در ادامه، به روایت هایی که اثر وراثت را در تربیت، مؤثر دانسته، اشاره خواهد شد:

الف. دقت در انتخاب همسر پیش از ازدواج

اختیار همسری شایسته و همراه و نسلی پاک برای تقرب الهی، از دعاهاى انبیاء الهی بوده است؛ حضرت نوح (ع) از خداوند درخواست می کند که:

«پروردگارا! هیچ کس را از کافران بر روی زمین نگذار، چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگان

۳۰۹ «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَيْحَ بَدَكَرِهِ». عیون الحکم و المواعظ، لیثی، ص ۳۲۴.

۳۱۰ «مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَعْرِفُ النَّبِيَّ وَ لَا يَعْرِفُ الْوَصِيَّ فَقَدْ كَفَرَ ثُمَّ قَالَ أَلَا إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانٌ لَكُمْ فَاجْتَبُوهُمْ بِحَبِيٍّ وَ تَمَسَّكُوا بِهِمْ لَنْ تَضَلُّوا». بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۲۴۳.



را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس به دنیا نیاورند».^{۳۱۱}

پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید:

«با خانواده خوب و شایسته ازدواج کنید، زیرا خون اثر دارد».^{۳۱۲}

همچنین می‌فرماید:

«برای نطفه‌های خود، (زنان خوب را) انتخاب کنید، زیرا زنان، بچه‌هایی شبیه برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند».^{۳۱۳}

همچنین بعضی از روایات، از ازدواج با افرادی خاص را نهی کرده است؛ مانند زن زیبارویی که در خانواده فاسد رشد کرده است، زن احمق، زن بد زبان، مرد شراب‌خوار، بد اخلاق و... این روایات، نقش وراثت را در انتقال صفات و ویژگی‌ها از پدر و مادر به فرزندان بیان می‌کنند.

ب. خوردن لقمه حلال

والدین نسبت به لقمه فرزندان خود می‌بایست حساس باشند تا حلال به آنها بخوراند و این رعایت، به قبل از انعقاد نطفه هم باز می‌گردد. خداوند متعال، یکی از اثرات عمل صالح را، خوردن لقمه ای پاک و حلال، بیان نموده است، آن‌جا که می‌فرماید:

«كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا»^{۳۱۴}

از حلال و طیب بخورید تا عمل صالح انجام دهید».

ج. آداب زمان بسته شدن نطفه

در زمینه انعقاد نطفه نیز از حضرات معصومین علیهم السلام، سفارش‌های بسیاری شده است؛ از جمله خواندن دعاها و وارد، با طهارت بودن، زمان خاص و رعایت مکان؛ حتی مراقبت از تصویرهای

۳۱۱ وَ قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا. نوح، آیه ۶۲.

۳۱۲ «تَزَوَّجُوا فِي الْحِجْزِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ». مکارم الاخلاق، ص ۶۹۱.

۳۱۳ «تَخْتَرُوا لِطُفْئِكُمْ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَ أَخَوَاتِهِنَّ». نهج الفصاحه، ص ۱۸۳.

۳۱۴ مؤمنون، آیه ۱۵.



ذهنی می‌تواند نطفهٔ فرزندی را شکل دهد که، دستوره‌های دین و محبت حضرت حجت(عج) را به آسانی بپذیرد.

در مورد تصویر ذهنی، حدیثی از امام رضا(ع) نقل شده است که می‌فرمایند:
 «پادشاهی به دانیال نبی(ع) گفت: می‌خواهم فرزندی چون تو داشته باشم، فرمود: مرا در دلت چه جایگاهی است؟ گفت: بلند و بزرگ، دانیال نبی(ع) فرمود: در همبستر شدن، نیت مرا داشته باش، فرمود: پادشاه چنین کرد و فرزندی برایش آمد شبیه‌ترین مردم به دانیال(ع)»^{۳۱۵}

علامه مجلسی(ره) در ذیل این حدیث در کتاب بحار الانوار می‌نویسد:
 «اطباء هم گفتند: تخیل هنگام جماع در تصویر جنین اثر دارد؛ این سینا در قانون گفته: جمعی دانشمندان گفتند رواست که از اسباب شباهت همان تخیل حال بسته شدن نطفه باشد و قصد مرد یا زن و تمثل صورت آدمی اثر کند. یکی گفته که مردی هنگام جماع به یاد ماری افتاد و او را فرزندی به دنیا آمد که سرش چون آدمی بود و تنش چون مار»^{۳۱۶}

د. آداب دوران بارداری

بسیاری از ناهماهنگی‌های عقلانی، روانی و بدنی نتیجهٔ محیطی است که جنین در آن قرار دارد. پزشکان دگرگونی‌های روحی و جسمی در زن باردار مثل خوشحالی، ترس، اندوه، مهر و قهر و مانند این‌ها را بر روی جنین اثر گذار می‌دانند.^{۳۱۷}

بنابراین مادر در این دوران هرچقدر بتواند رابطهٔ محبتی خود را با اهل بیت علیهم السلام تقویت نماید به همان میزان در محبت فرزند خود به اهل بیت موثر بوده است.

۳۱۵ «إِنَّ الْمَلِكَ قَالَ لِدَانِيَالٍ أَشْتَهِي أَنْ يَكُونَ لِي ابْنٌ مِثْلَكَ فَقَالَ مَا مَحَلِّي مِنْ قَلْبِكَ قَالَ أَجَلٌ مَحَلٌّ وَ أَعْظَمُهُ. قَالَ دَانِيَالٌ فَإِذَا جَامَعْتُ فَأَجْعَلْ هِمَّتَكَ فِي قَالَ فَفَعَلَ الْمَلِكُ ذَلِكَ فَوُلِدَ لَهُ ابْنٌ أَشْبَهُ خَلْقِ اللَّهِ بِدَانِيَالٍ». بحار الانوار، ط بيروت، ج ۷۵، ص ۶۶۳.

۳۱۶ «بيان أقول ذكر الأطباء أيضا أن للتخيل في وقت الجماع مدخلا في كيفية تصوير الجنين قال ابن سينا في القانون □□□□ قد قال قوم من العلماء و لم يعدوا عن حكم الجواز إن من أسباب الشبه ما يتمثل حال العلق في وهم المرأة أو الرجل من الصور الإنسانية تمثلا متمكنا انتهى و قال بعضهم تصور رجل عند الجماع صورة حية فتولد منه طفل كان رأسه رأس إنسان و بدنه بدن حية». بحار الانوار، ط بيروت، ج ۷۵، ص ۶۶۳.

۳۱۷ نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، صص ۱۳ و ۲۳.



هـ آداب شیردادن

اینکه مادر، در هنگام شیر دادن به فرزند خود، وضو داشته باشد، رو به قبله نماید و ذکر خدا را بر زبان جاری کند، در روحیه‌ها و تربیت فرزند، اثر خواهد داشت. چنانچه با بررسی زندگی بسیاری از بزرگان، مشاهده می‌شود که مادران آن‌ها در زمان شیردهی به این نکات اهتمام می‌ورزیدند.

دو. بیان زیبایی‌های حضرت حجت(عج)

یکی از عواملی که باعث جلب محبت اهل بیت علیهم السلام می‌شود، بیان جلوه‌ها و زیبایی‌های زندگی معصومین علیهم السلام است. امام صادق(ع) می‌فرماید:

«خداوند بنده‌ای را که دوستی ما اهل بیت علیهم السلام را نزد مردم بیشتر کند، رحمت نماید... به خدا سوگند اگر سخنان زیبای ما را برای مردم روایت می‌کردند به خاطر آن گرامی‌تر می‌شدند».^{۳۱۸}

برای نمونه به چند مورد از زیبایی‌های رفتاری و ظاهری حضرت اشاره می‌کنیم:

الف. کمک به شیعیان ستم‌دیده

امام زمان(عج) فرمودند:

«ما به اخبار شما آگاه هستیم و هیچ خبری از شما برای ما پنهان نیست... ما شما را بی‌سرپرست رها نمی‌کنیم و به یاد شما هستیم و اگر غیر از این بود بر شما رنج، سختی و بلا نازل می‌شد و دشمنان، شما را بیچاره می‌کردند. و اگر شیعیان ما(که خداوند آنان را موفق به اطاعتش نماید) دل‌هایشان با هم و یکی باشد^{۳۱۹}، برکت دیدار ما برای آنها زودتر اتفاق می‌افتاد؛ پس مانعی از دیدن ما نیست مگر آن چیزی که ما دوست نداریم و به ما می‌رسد (یعنی گناهان)».^{۳۲۰}

۳۱۸ «عَنْ أَبِي بصير قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؟ يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبِينًا إِلَى النَّاسِ وَ لَمْ يُبَغِضْنَا إِلَيْهِمْ أَمَّا وَ اللَّهُ لَوْ يَزُورُنْ مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَكَانُوا بِهٖ عَزْوَمًا اسْتَطَاعَ أَحَدٌ أَنْ يَتَعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ وَ لَكِنْ أَحَدُهُمْ يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ فَيَحِطُ إِلَيْهَا عَشْرًا». کافی، ط الإسلامیة، ج ۸، ص ۹۲۲.

۳۱۹ در نسخه بدل، کلمه «اصلاح» به جای «اجتماع» هست که به نظر صحیح‌تر می‌رسد؛ یعنی اگر قلوبشان را اصلاح می‌کردند.

۳۲۰ «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاةِكُمْ وَ لَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ وَ أَطْلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا أَوْفَقَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ أَعْلَى اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمِينُ بِلِقَائِنَا فَمَا يُحْبِسُ عَنْهُمْ مُشَاهَدَتَنَا إِلَّا لَمَّا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ». الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۳۰۹.



ب. مهربانی با شیعیان

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«به خدا سوگند من بو و جان‌های شما را دوست می‌دارم و شما نیز با پارسایی (خداترسی) و تلاش بر این دوستی مرا یاری رسانید که هیچ کس به آن چه در نزد خداست نمی‌رسد مگر با پارسایی و تلاش و چون بنده‌ی خدایی را امام خویش قرار دادید از او پیروی کنید...»^{۳۳۱}

ج. پدر و انیس بودن حضرت حجت (عج) برای پیروانشان

امام رضا (ع) فرمودند:

«امام (ع) همدل و همراهی پر مهر است و پدری است خیرخواه و با عاطفه، برادری که از یک پدر و مادر باشد و چون مادری است نیکوکار نسبت به فرزند خردسال خویش»^{۳۳۲}

د. ناراحتی حضرت حجت (عج) با ناراحتی شیعیان

در برخی روایات آمده که امام (ع) در ناراحتی شیعیانش محزون، در مصیبت‌های آن‌ها ناراحت و در بیماری ایشان، بیمار می‌شود.

هـ. زیبایی ظاهری حضرت حجت (عج)

در روایات زیادی آمده که حضرت مهدی (عج)، شبیه‌ترین افراد به پیامبر اکرم (ص) است و می‌دانیم که پیامبر اکرم (ص) زیباترین و خوش صورت‌ترین مردم بوده است. هم‌چنین در برخی روایات آمده که:

«المهدی طاووس اهل الجنة»^{۳۳۳}

بیان این زیبایی‌های ظاهری نیز می‌تواند فرزند را علاقمند امام خویش کند. به جای آن که بیاییم با فیلم‌ها و کارتون‌های خیالی و درست کردن شخصیت‌های خرافی، فرزندان را شیفته آن‌ها نماییم و الگوی پوچ بسازیم، بیاییم به معرفی شخصیت‌های واقعی از امامان و صالحان دین و شجاعت‌ها و رشادت‌های آنان بپردازیم، تا فرزندانمان با حقایق عالم آشنا شده و مشتاق آن‌ها شوند.

۳۳۱ «وَ اللَّهُ إِنِّي لِأَحَبِّ رِيحِكُمْ وَ أَرْوَاحِكُمْ وَ رُؤْيَتِكُمْ وَ زِيَارَتِكُمْ وَ إِنِّي لَعَلِّي دِينَ اللَّهِ وَ دِينَ مَلَائِكَتِهِ فَأَعِينُوا عَلَي ذَلِكَ يَوْمَ عَرَسِ وَ أَنَا فِي الْمَدِينَةِ بِمَنْزِلَةِ الشَّعْرَةِ أَتَقْلُقُ حَتَّى أَرَى الرَّجُلَ مِنْكُمْ فَاسْتَرِيحَ إِلَيْهِ». المحاسن، ج ۱، ص ۳۶۱، باب ۱۴.

۳۳۲ «إِمَامُ الْأَيْبِسِ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَ الْأَخُ الشَّقِيقُ وَ الْأُمُّ الْبُرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ». کافی، ج ۱، ص ۰۰۲.

۳۳۳ بهجة النظر في إثبات الوصاية و الإمامة للأئمة الإثني عشر، ص ۴۶۱.



و. دعای حضرت حجت(عج) در حق ما

در نوشته‌ای که از حضرت صاحب الزمان(عج) رسیده، ایشان چنین می‌نویسد:
 «زیرا ما با دعایی که از خداوند زمین و آسمان پوشیده نیست در پی حفظ آنان (شیعیان) هستیم».^{۳۲۴}

سه. بیان جایگاه والا و فواید امام عصر(عج) در نظام عالم

در اهمیت و جایگاه وجودی امام همین بس که فرمودند:
 «حجت هر زمان شخصی است که به بقای او دنیا باقی است، به برکت او، خلائق روزی می‌خورند، به وجود وی، آسمان و زمین پا برجا است».^{۳۲۵}

چهار. زیبایی‌های دوران ظهور حضرت حجت(عج)

به یقین اگر فرزندان ما درک کنند که هنگام ظهور، مردم و طبیعت چقدر زیبا می‌شوند، عاشق حضرت(عج) و ظهور ایشان می‌شوند. به چند نمونه از ویژگی‌های دوران ظهور اشاره می‌کنیم:

۱. هیچ انسان فقیری پیدا نمی‌شود که انسان به او صدقه بدهد؛
۲. زمین و آسمان تمام برکت‌های خود را ارزانی می‌کنند؛ به طوری که زمین سرسبز و پر آب با میوه‌های فراوان می‌شود؛
۳. امنیت فردی، اجتماعی و اخلاقی کامل در زمین حاکم می‌گردد؛
۴. همهٔ سختی‌ها و گرفتاری‌ها برطرف می‌شود؛
۵. انسان‌های با ایمان حاکم زمین خواهند شد.

این نکته‌ها به صورت کامل در روایت‌های عصر ظهور بیان شده است که برای اطلاع بیشتر به آن‌ها می‌توان مراجعه کرد.^{۳۲۶}

۳۲۴ مکیال المکارم، ج ۲، ص ۶۱.

۳۲۵ «بِقَاتِهِ يَفْقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيَمِينِهِ رَزَقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَنَبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ وَ بِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا». زاد المعاد، ص ۳۲۴.

۳۲۶ ر.ک: حسن مهدویان، بهاری‌ترین فصل انسان.



پنج. برپایی جلسات یاد حضرت حجت(عج)(به‌ویژه جشن میلاد) در منزل

امام صادق(ع) به فضیل فرمودند: آیا گرد هم می‌نشینید و ذکر ما را زنده می‌کنید؟ عرض کرد: بلی فدایتان شوم. حضرت(ع) فرمودند: این مجالس را دوست می‌دارم. ای فضیل، امر ما را زنده کنید، خدا رحمت کند کسی که امر ما را زنده می‌کند.^{۳۳۷}

شش. تشویق فرزندان

اگر فرزند، کاری انجام داد که علاقه او را به حضرت حجت(عج) می‌رساند، مانند بلند شدن به هنگام نشیندن نام حضرت(عج)، رفتن به مکان‌هایی که به ایشان نسبت داده می‌شود مثل جمکران و...، او را تشویق کنیم و بگوییم حضرت(عج) هم تو را دوست دارد. این کار در دراز مدت سبب عمیق شدن رابطه فرزند با حضرت صاحب‌الامر(عج) خواهد شد.

هفت. حاضر شدن در مکان‌هایی که با حضرت حجت(عج) ارتباط دارند

حرم‌های اهل بیت علیهم السلام، مسجد جمکران، مسجد سهله، مجالس پند و موعظه، مجالس عزاداری، هیئت‌های مذهبی که در آن‌ها یاد حضرت(عج) زنده و از معصومین علیهم السلام گفته می‌شود، باعث زیاد شدن شناخت و محبت شخص، نسبت به امام خویش می‌شود.

هشت. دعا کردن

مستحب است انسان در قنوت نماز صبح خویش این دعا را بخواند:

«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا!»^{۳۳۸}

خدایا همسران و خانواده مرا نور چشم من قرار بده و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار بده».

نه. هدیه دادن به فرزند در جشن میلاد ائمه علیهم السلام

هدیه دادن در روز میلاد ائمه علیهم السلام، نوعی بزرگداشت آنان است و این هدیه در چنین روزی خاطره خوش از صاحب آن روز برای فرزندان ایجاد می‌کند که سبب محبت نسبت به امام(عج) می‌گردد.

۳۳۷ «قرب الإسناد ابن سَعْدٍ عَنِ الْأَزْدِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ؟ قَالَ: قَالَ لِفَضِيلٍ يَخْلُصُونَ وَ تُحَدِّثُونَ؟ قَالَ نَعَمْ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحْبِبُوا أُمَّرْنَا يَا فَضِيلُ فَزَجَمَ اللَّهُ مِنْ أَحْيَا أُمَّرْنَا يَا فَضِيلُ مَنْ ذَكَرْنَا أَوْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلَ جَنَاحِ الذَّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَتْ أَكْثَرَ مِنْ زَبَدِ الْبَحْرِ». بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.



فصل چهارم: تربیت جنسی درس یازدهم: اصول تربیت جنسی فرزندان

یکی از موضوعات مهم تربیتی که در همه دوره‌های سنی به آن نیاز است - که به جهت اهمیت این بحث در آخرین بخش از کتاب، در یک فصل جداگانه به آن پرداخته‌ایم - بحث تربیت جنسی است. در این قسمت، ابتدا اصول تربیت جنسی فرزندان را ذکر خواهیم کرد و در ادامه به اهداف و راهکارهای آن اشاره می‌نماییم.

اصول تربیت جنسی فرزندان

تعاریف فراوانی از تربیت جنسی بیان شده است مانند این که می‌گویند:
«تربیت جنسی عبارت است از آموزش دانستنی‌های جنسی».

برخی دیگر تربیت جنسی را فقط منوط به آموزش مسائل جنسی نمی‌دانند بلکه می‌گویند:
«تربیت جنسی فراهم آوردن زمینه رشد غریزه جنسی است به گونه‌ای که همراه با استفاده لازم از این غریزه، از انحراف‌ها و لغزش‌های جنسی نیز پیش‌گیری شود».
والدین باید از مسائل مطرح در امور جنسی، آگاهی داشته باشند و آن‌چه را در این باره می‌دانند به فرزندان منتقل نمایند. انسان برخوردار از تربیت جنسی، کسی است که مجموعه‌ای از آن‌چه دربارهٔ امور جنسی به آن نیاز دارد را بداند.^{۳۲۹}

۳۲۹ مجله تربیت اسلامی، مقالهٔ درآمدی بر تربیت جنسی در نهج البلاغه، حافظ ثابت.



اهمیت تربیت جنسی و اهداف آن

با توجه به اینکه انسان دارای ابعاد مختلف جسمی و روحی است، از نظر تأثیر و تأثر متقابل این ابعاد از یکدیگر، تربیت او نیز باید همه جانبه و در عین حال هماهنگ باشد، به ویژه آنکه رشد این ابعاد همراه با هم و به صورت هم زمان اتفاق نمی‌افتد. از این رو، تربیت در هر زمینه ای باید با رشد آن زمینه مناسب باشد.

از سوی دیگر، صاحب نظران و اندیشمندان تربیتی به این نتیجه رسیده‌اند که در دوران کودکی، پایه‌های اساسی ساختمان شخصیت انسان شکل می‌گیرد و دوره نوجوانی به بعد، زمان تثبیت شخصیت انسان است. باید متولیان امر تربیت، به ویژه والدین به این مهم توجه داشته باشند و برای تربیت فرزند خود، از کودکی سرمایه گذاری کنند. به جهت اهمیت بحث تربیت جنسی، به بخشی از اهداف آن اشاره می‌کنیم:

یک. رشد فردی

بعضی از انواع تربیت از جمله تربیت جسمی و جنسی باید از دوره کودکی به بعد مورد توجه قرار گیرد و گر نه رها کردن کودک تا سنین نوجوانی و جوانی و دور بودن او از روش صحیح، او را از رسیدن به خوشبختی که هدف آفرینش انسان است محروم خواهد ساخت. امیرالمؤمنین علی(ع) ادب نداشتن و محرومیت از تربیت را عامل همه بدی‌ها دانسته و می‌فرماید:

«عدم الادب سبب کل شر»^{۳۳۰}

و خود نیز به عنوان پدری که مسئله تربیت فرزندان را به عهده دارد، اهمیت و ضرورت تربیت به ویژه برای نوجوانان را در عمل نشان می‌دهد؛ به این صورت که برای فرزند خود(امام حسن(ع)) نامه‌ای نوشته و اصول مهم تربیتی را در آن بیان می‌کند که شرح آن در نامهٔ ۳(ص) نهج البلاغه آمده است.

در فرازی از این نامه، چنین آمده است:

«به درستی قلب نوجوان مانند زمین خالی از کشت و زرع است که هر آنچه در آن بریزی قبول می‌کند. از این رو به تربیت و ادب نمودن تو اقدام کردم قبل از این که قلب تو سخت شود(و شخصیت تو شکل بگیرد) و فکر و اندیشه‌ات(به چیزی غیر از آنچه به خیر و صلاح توست) درگیر گردد».^{۳۳۱}

۳۳۰ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۳۵۲.

۳۳۱ نهج البلاغه، نامه ۱۳.



دو. ایجاد نسل سالم

اگر پدر و مادر توانسته باشند اهداف، افکار، ایده‌ها و خط مشی کودک و نوجوان در رابطه با مسئله جنسی را -آن طور که مطلوب است- بازسازی و نوسازی نمایند و به آن سمت وسوی صحیح دهند، فرزندشان نیز در مسیر خواسته‌های آن‌ها رفتار می‌کند. چنین فرزندى در زندگى موفق خواهد بود؛ زیرا او از توانایی‌های خود برای رسیدن به اهداف بلند انسانی بهره برده است و در واقع برای رسیدن به کمال انسانی و نزدیکی به خدا، گام برداشته است.

سه. ایجاد جامعه سالم

اگر انسان در زمینه رفتار جنسی، درست تربیت نشده باشد، هم خود را به تباهی و فساد می‌کشد و هم جامعه را از بین می‌برد.

از جمله لغزش‌هایی که فقدان تربیت جنسی صحیح، به بار خواهد آورد، زنا و لواط است که نقش مهم در فساد و نابودی نسل انسانی و از بین بردن جامعه دارد. امیرالمؤمنین علی (ع) درباره این مسئله مهم می‌فرماید:

«خداوند ترک زنا را واجب کرد تا نسبت‌های بین افراد حفظ شود و ترک لواط را واجب نمود تا نسل انسان زیاد شود».^{۳۳۲}

بسترهای بروز رفتار جنسی

یک. دنیا و دنیاخواهی

آن‌گاه که انسان همه چیز را در زندگی دنیایی ببیند، از امکانات موجود برای خوش گذرانی و راحتی در این دنیا استفاده کند و به اصطلاح دم را غنیمت شمرد، در مورد مسئله جنسی هم، همین گونه رفتار می‌کند و از آن‌جا که یکی از شدیدترین لذت‌ها در این دنیا لذت جنسی است، انسان ناخواسته به سوی آن‌ها کشیده خواهد شد و اگر به این مسئله، قدرت مالی و رفاه اجتماعی فرد نیز افزوده شود، عمق آن زیادتر می‌شود؛ بنابراین در تربیت فرزندان باید به گونه‌ای برخورد نمود که گرایش آن‌ها به دنیا و دنیا گرایی شدید نگردد بلکه به عنوان وسیله به دنیا نگاه کنند. از جمله روش‌ها در نگهداری فرزندان از این آفت، بزرگ نکردن بیش از اندازه نعمت‌های مادی نسبت به نعمت‌های معنوی است.

۳۳۲ «تَرَكَ الزَّانَا تَخْصِيئًا لِلنَّسَبِ وَ تَرَكَ اللَّوَاطِ تَكْثِيرًا لِلنَّسْلِ». نهج البلاغه، ص ۲۱۵.



خداوند در قرآن می‌فرماید:

«بدانید که زندگی دنیا در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌خواهی در مال‌ها و فرزندان است.

[مَثَل آن‌ها] چون مَثَل بارانی است که کشاورزان را از گیاهانی که به وسیلهٔ آن [باران] می‌رویند، به شگفتی‌اندازد، سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد می‌بینی، آن‌گاه خاشاک شود، و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آموزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست».^{۳۳۳}

دو. نقش دیدنی‌ها در برانگیختن غریزهٔ جنسی

قوهٔ بینایی، نقش زیادی در تحریک شهوات به ویژه شهوت جنسی دارد و راهی برای ارضای این غریزه نیز می‌باشد. از این‌رو، اگر انسان چشم خود را کنترل کند و هر منظره‌ای را نبیند، بهتر می‌تواند قوهٔ شهوت خود را کنترل نماید و در نتیجه از به وجود آمدن بسیاری از انحراف‌های جنسی جلوگیری کند؛ از این‌رو امیرالمؤمنین علی(ع) نگاه را ابزاری برای برانگیختن شهوت بیان کرده و می‌فرماید:

«یعنی چه بسا نگاهی که گرایشی را به وجود آورد و چه بسا گرایشی که حزن و اندوهی همیشگی

ایجاد کند».^{۳۳۴}

با توجه به اثر زیاد دیدنی‌ها در بالا رفتن شهوات، جهت کنترل آن می‌فرماید:

«بهترین کار، روی گردانی از خواهش‌ها و فرو بستن چشم‌هاست».^{۳۳۵}

با توجه به این‌که در زمان بلوغ جنسی، گرایش زن و مرد به یکدیگر زیاد می‌شود و از سوی دیگر، زن برای مرد از کشش بیش‌تری برخوردار است، امیرالمؤمنین علی(ع) نگاه مرد به زن حتی لباس او

۳۳۳ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاؤُرٌ فِي الْأُمُومَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فِتْرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُزُورِ . حدید، آیه ۰۲.

۳۳۴ «رب نظره زرع ت شهوه و رب شهوه اورث حزننا دائما». شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۲۱، باب ۳۲۲، ص ۷۱۱.

۳۳۵ «نعم صارف الشهوات غرض الابصار». تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۰۶۲؛ در جای دیگر وظیفهٔ انسان نسبت به حقوق اعضا و جوارح خود و وظیفه‌اش در مورد غریزهٔ جنسی می‌فرماید: «اما حق فرجک حفظه عما لا یحل لک و الاستعانة علیه بغض البصر فانه من اعون الاعوان و کثره ذکر الله و التهدد لفسک بالله و التخفیف لها و بالله العصمه و التأیید». اما حق فرج تو آن است که از آن چه برای تو حلال نیست آن را حفظ نمایی و از چشم‌پوشی برای کنترل آن کمک بگیری؛ زیرا که فرو بستن چشم، زیاد یاد خدا بودن و نفس را به خدا (عذاب خدا) تهدید نمودن و ترساندن نفس، بهترین کمک‌کننده (در این راه) است و به وسیلهٔ خدا انسان پاک می‌ماند و کمک می‌شود». بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۱.



را سرزنش کرده و از آن نهی نموده است:

«به آن چه برای تو حلال نیست نگاه تیز و تند نداشته باش؛ زیرا تا وقتی که چشم خود را حفظ نمایی زنا نمی کنی و اگر بتوانی به لباس زنی که برای تو حلال نیست نگاه نکنی چنین کن و هرگز قدرت به این کار پیدا نمی کنی مگر به اذن خدا».^{۳۳۴}

سه. فراهم بودن زمینه تماس

بستر خواب افراد باید از هم جدا باشد و دو فرد نباید در کنار هم در یک بستر و زیر یک روانداز بخوابند؛ گرچه هم جنس بوده، با هم محرم و از یک خانواده باشند. این ممنوعیت شامل کودکان هم می شود.

امیرالمؤمنین علی(ع) در حالی که به مرحله هایی از رشد انسان اشاره می کند، می فرماید:

«در هفت سالگی دندان شیرینی کودک می ریزد و در نه سالگی به نماز امر می شود و در ده سالگی بستر کودکان جدا می گردد و در چهارده سالگی جُنُب می شود و نهایت قد کشیدن در بیست و یک سالگی و نهایت عقل در بیست و هشت سالگی است؛ مگر تجربه ها که ادامه دارد».^{۳۳۷}

و در جای دیگر لزوم جدایی بستر دختر بچه ها را از هم یادآور می شود و می فرماید:

«از ده سالگی بستر خواب دختران از هم جدا می شود».

ایشان در مورد عموم نوجوانان (دختر و پسر) نیز، سن شش سالگی را زمان جدایی بستر می داند و می فرماید:

۳۳۴ «لا تكون حديد النظر إلی ما لیس لك فإنه لا یزنی فرجك ما حفظت عینك و إن استطعت ألا تنظر إلی ثوب المرأة التي لا تحل لك فافعل و لن تستطيع ذلك إلا بأذن الله». شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۷۳۲.

از این رو وقتی حضرت؟ع؟ در جمع اصحاب نشستند بودند و زن زیبایی از کنار آن ها گذشت و عده ای با چشم او را برانداز کردند، فرمود: «ان ابصار هذه الفحول طوامح و ان ذلك سبب هبالها فاذا نظر احدكم الی امرأ تعجبه فلیامس اهله فانما هی امرأة كامرأته» به درستی که چشمان این مردان نظریاز است و همین سبب برانگیختن و هیجان است به همین خاطر هرگاه یکی از شما به زنی نظر انداخت که او را به تعجب واداشت با همسرش نزدیکی نماید؛ زیرا آن زن هم مانند همسر خودش می باشد». همان، ج ۲، ص ۳۶.

امیرالمؤمنین علی؟ع؟ در ادامه سفارش به امام حسن؟ع؟ می فرماید: «وان استطعت ان لا یعرفن غیرك فافعل؛ اگر بتوانی کاری کنی که زن هایت غیر خودت را شناسند این کار را بکن». اعلام الدین، ص ۸۸۲.

حضرت علی؟ع؟ قلب را که مرکز ادراکات و تصمیم گیری هاست، کتاب و نامه چشم می داند و می فرماید: «القلب مصحف البصر». نهج البلاغه، حکمت ۹۰۴.

۳۳۷ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۱۳۲.



«به درستی که بستر کودکان شش ساله از هم جدا می‌شود».^{۳۳۸}

پیامبر اکرم (ص) درباره جدایی بستر خواب پسر بچه‌ها می‌فرمودند:

«بستر خواب پسر بچه با پسر بچه و پسر بچه با دختر بچه و دختر بچه با دختر بچه در سن ده

سالگی باید از هم جدا شود».^{۳۳۹}

همچنین امام باقر (ع) می‌فرمودند:

«بایستی بستر خواب پسر بچه ده ساله را از زن‌ها جدا کنید».^{۳۴۰}

چهار. معاشرت (هم‌نشینی) با نامحرمان

معاشرت و هم‌نشینی زن و مرد با هم (اختلاط)، زمینه هم‌صحبتی را فراهم می‌کند و موجب کم شدن حیا و شرم می‌شود. این کار اگر ادامه یابد، با مزاح و شوخی هر دو خواهد بود و از آن‌جا که در هم‌نشینی‌ها از هر دو قوه بینایی و شنوایی استفاده می‌شود، برانگیختن غریزه جنسی برای زن و مرد اتفاق می‌افتد و زمینه لغزش و انحراف جنسی را فراهم می‌کند.

امیرالمؤمنین علی (ع) این‌گونه هم‌نشینی را سرزنش نموده و فرموده‌اند:

«مردان را چه شده است که پیوسته یکی از آن‌ها نزد زنی که شوهرش به جنگ رفته می‌نشیند و

با هم صحبت می‌کنند. بر شما باد به این‌که از پشت پرده با آن‌ها صحبت کنید؛ همانا این کار عفت

است».^{۳۴۱}

۳۳۸ «رَوَى أَنَّهُ يُفَرِّقُ بَيْنَ الصَّبِيَّانِ فِي الْمَضَاجِعِ لِسِتِّ سِنِينَ». من لايحضره الفقيه، ج ۳، ص ۶۳۴.

۳۳۹ «الصبى و الصبى، و الصبى و الصبى، و الصبىة و الصبىة، و الصبىة يفرق بينهم فى المضاجع لعشر سنين». وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۸۲.

۳۴۰ «يفرق بين الغلمان و النساء فى المضاجع اذا بلغوا عشر سنين». مكارم الاخلاق، ص ۵۱۱.

۳۴۱ شرح نهج البلاغه، ابن ابى الحديد، ج ۲۱، باب ۳۲۲، ص ۷۴۱.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ اول، (ص) ۴۰۴ ق.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ۴ جلد، قم، نشر دار سیدالشهدا، چاپ اول، (ص) ۴۰۵ ق.
۴. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، (ص) جلد، تهران، مكتبة النینوی الحدیثة، چاپ اول، بی تا.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، (ص) جلد، دار الشریف الرضی، نشر، قم، چاپ دوم، (ص) ۴۰۶ ق.
۶. _____، الأمالی، (ص) جلد، تهران، کتابچی، چاپ ششم، (ص) ۳۷۶ ش.
۷. _____، التوحید، قم، جامعه مدرسین، (ص) ۳۹۸ ق.
۸. _____، عیون أخبار الرضاع، ۲ جلد، تهران، نشر جهان، چاپ اول، (ص) ۳۷۸ ق.
۹. _____، من لایحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، (ص) ۴(ص) ۳ ق.
۱۰. _____، معانی الأخبار، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، ۲ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، (ص) ۳۷۷ ش.
۱. (ص) ابن بسطام، عبد الله و حسین، طبّ الأئمة علیهم السلام، (ص) جلد، قم، دار الشریف الرضی، چاپ دوم، (ص) ۴(ص) ۳ ق.
۲. (ص) ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ۲ جلد، قم، مؤسسه آل البیتعلیهم السلام، چاپ دوم، (ص) ۳۸۵ ق.
۳. (ص) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، (ص) جلد، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، (ص) ۴۰۴ ق / (ص) ۳۶۳ ش.



۴. ابن طاووس، علی بن موسی، کشف المحجّة لثمره المهجّة، کتاب، بوستان قم، چاپ دوم، (ص) ۳۷۵ ش.
۵. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدّه الداعی و نجاح الساعی، (ص) جلد، بی جا، دار الکتب الإسلامی، چاپ اول، (ص) ۴۰۷ ق.
۶. ابو جعفر احمد بن ابی عبدالله البرقی، کتاب الرجال، تصحیح السید کاظم الموسوی المیاموی، انتشارات دانشگاه تهران، (ص) ۳۴۲ ش.
۷. ابی سعد، منصور بن حسین، نثر الدرر، هیئت العصريّة العامّة للکتاب، بی جا، بی تا.
۸. اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم (عج)، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، چاپ پنجم، سال (ص) ۴۲۸ ق.
۹. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، مستدرک سیده النساء (س) إلى الإمام الجواد (ع)، (ص) ۱۰ جلد، مؤسسه الإمام مهدی (عج)، قم، چاپ اول، (ص) ۴ (ص) ۳ ق.
۲۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، چاپ اول، بی جا، بی تا.
۲۱. بروجردی، آقا حسین، جامع أحادیث الشیعۀ، بروجردی، ۳ (ص) جلد، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، (ص) ۳۸۶ ش.
۲۲. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه (کلمات قصار رسول خدا (ص))، (ص) جلد، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، (ص) ۳۸۲ ش.
۲۳. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، تهران، ناصر خسرو، (ص) ۳۷۰ ش.
۲۴. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ۵ جلد، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، (ص) ۳۶۷ ش.
۲۵. حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (ع)، (ص) جلد، مدرسه الإمام مهدی (عج)، قم، چاپ اول، (ص) ۴۰۹ ق.
۲۶. خرّمشاهی، بهاء الدین، پیام پیامبر، تهران، جام، چاپ اول، (ص) ۳۷۶ ش.
۲۷. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، دارالعلم، بی تا.
۲۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، بی تا.
۲۹. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب، دیلمی، ۲ جلد، الشریف الرضی، قم، چاپ اول، (ص) ۴ (ص) ۲ ق.
۳۰. رشید پور، مجید، تربیت کودک از دیدگاه اسلام، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ اول، سال (ص) ۳۶۵.



۳۱. زین الدین بن علی (شهید ثانی)، منیة المرید، قم، چاپ اول، المكتبة الاعلام الاسلامی، سال (ص) ۴۰۹ ق.
۳۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، المجازات النبویة، دار الحدیث، قم، چاپ اول، (ص) ۴۲۲ ق / (ص) ۳۸۰ ش.
۳۳. الشریف علی بن محمد الجرجانی، التعریفات، تحقیق عبدالرحمن عمیره، بیروت، عالم الکتب، (ص) ۴۰۷ ق.
۳۴. شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، (ص) جلد، نجف، مطبعة حیدریة، چاپ اول، بی تا.
۳۵. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ۵ جلد، بیروت، اعلمی، چاپ اول، (ص) ۴۲۵ ق.
۳۶. صادق آئینه‌وند، ادبیات انقلاب در شیعه، ج (ص)، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، (ص) ۳۵۹ ش.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران، دارالکتب السلامیة، چاپ سوم، (ص) ۳۹۰ ق.
۳۸. _____، مکارم الأخلاق، (ص) جلد، شریف رضی، قم، چاپ: چهارم، (ص) ۴ (ص) ۲ ق / (ص) ۳۷۰ ش.
۳۹. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ۶ جلد، مرتضوی، تهران، چاپ سوم، (ص) ۳۷۵ ش.
۴۰. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، (ص) ۱۰ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، (ص) ۴۰۷ ق.
۴۱. _____، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، (ص) جلد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة، چاپ اول، (ص) ۴ (ص) ۴ (ص) ق.
۴۲. عبدالحسین الامینی، الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب، ج (ص)، الطبعة الخامسة، بیروت، دارالکتب العربی، (ص) ۴۰۳ ق.
۴۳. عبدالله جوادی آملی، اسرار عبادات، چاپ چهارم، بی جا، انتشارات الزهراء، (ص) ۳۷۲ ش.
۴۴. العروسی الجوزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، ۵ جلد، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، (ص) ۴ (ص) ۵ ق.
۴۵. عریضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکات، (ص) جلد، قم، مؤسسه آل البیتعلیهم السلام، چاپ اول، (ص) ۴۰۹ ق.
۴۶. علی بن موسی، امام هشتم (ع)، صحیفه الإمام الرضا (ع)، (ص) جلد، کنگره جهانی امام رضا (ع)، مشهد، چاپ اول، (ص) ۴۰۶ ق.
۴۷. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲ جلد، تهران، المطبعة العلمیة، چاپ اول، (ص) ۳۸۰ ق.



۴۸. غرویان، محسن، تربیت فرزند با نشاط و سالم، بی‌جا، انتشارات احمدیه، چاپ سیزدهم، (ص) ۳۸۳ ش.
۴۹. غزالی، محمد بن محمد، احیاء العلوم، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ششم، سال (ص) ۳۸۶ ش.
۵۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، چاپ دوم، (ص) ۴۰۹ ق.
۵۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، ۵ جلد، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم، (ص) ۴ (ص) ۵ ق.
۵۲. قائمی، علی، خانواده و تربیت کودک، بی‌جا، انتشارات امیری، چاپ نهم، سال (ص) ۳۷۰ ش.
۵۳. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم، (ص) ۴ (ص) ۲ ق.
۵۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تصحیح ابواسحاق ابراهیم اطفیش، دارالکتب المصریة، (ص) ۳۷۶ ق. افست دارالکتب العربی.
۵۵. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، الدعوات، راوندی، سلوة الحزین، (ص) جلد، قم، انتشارات مدرسه امام مهدی (ع)، چاپ اول، (ص) ۴۰۷ ق.
۵۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ۲ جلد، قم، دار الکتب، چاپ سوم، (ص) ۴۰۴ ق.
۵۷. کراچکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، ۲ جلد، قم، دار الذخائر، چاپ اول، (ص) ۴ (ص) ۰ ق.
۵۸. کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، چاپ اول، (ص) ۳۴۸ ش.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، ط الإسلامیه، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ چهارم، (ص) ۴۰۷ ق.
۶۰. _____، کافی، ط دار الحدیث، (ص) ۵ جلد، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ق (ص) ۴۲۹.
۶۱. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، (ص) جلد، قم، المطبعة العلمیه، چاپ دوم، (ص) ۴۰۲ ق.
۶۲. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، لیثی، (ص) جلد، قم، دار الحدیث، چاپ اول، (ص) ۳۷۶ ش.
۶۳. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی (الأصول و الروضه)، (ص) ۲ جلد، المکتبه الإسلامیه، تهران، چاپ اول، (ص) ۳۸۲ ق.
۶۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی و محمد باقر کمره‌ای، آسمان و جهان، ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الأنوار، ج ۵۴، (ص) جلد، تهران، اسلامیه، چاپ اول، (ص) ۳۵ ش.
۶۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ط



- بیروت، (ص) (ص) (ص) جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، (ص) ۴۰۳ ق.
۶۶. _____، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ جلد، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، (ص) ۴۰۴ ق.
۶۷. مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ط القدیمه، (ص) ۴ جلد، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، (ص) ۴۰۶ ق.
۶۸. محمد بن نعمان البغدادی الملقب بالمفید، الفصول المختارة فی العیون و المحاسن، الطبعة الرابعة، بیروت، دار الاضواء، (ص) ۴۰۵ ق.
۶۹. محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعه، ۳۰ جلد، قم، مؤسسه آل البیتعلیهم السلام، چاپ اول، (ص) ۴۰۹ ق.
۷۰. _____، هدیة الأئمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ۸ جلد، آستانه الرضویة المقدسه، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد، چاپ اول، (ص) ۴ (ص) ۴ ق.
۷۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، (ص) جلد، قم، هجرت، چاپ اول، (ص) ۴ (ص) ۴ ق.
۷۲. مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (ع)، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد، (ص) ۳۴۹ ش.
۷۳. مظاہری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، بی جا، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم، سال (ص) ۳۶۹ ش.
۷۴. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲ جلد، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، (ص) ۴ (ص) ۳ ق.
۷۵. _____، الفصول المختاره، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، سال (ص) ۴ (ص) ۳ ق.
۷۶. منسوب به علی بن موسی (ع)، امام هشتم، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (ع)، (ص) جلد، مشهد، مؤسسه آل البیتعلیهم السلام، چاپ اول، (ص) ۴۰۶ ق.
۷۷. مهدویان، حسن، بهاری ترین فصل انسان، قم، مؤسسه انتظار نور، (ص) ۳۸۲ ش.
۷۸. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۲۸ جلد، قم، مؤسسه آل البیتعلیهم السلام، چاپ اول، (ص) ۴۰۸ ق.
۷۹. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، ۲ جلد، قم، مکتبه فقیه، چاپ اول، (ص) ۴ (ص) ۰ ق.
۸۰. وزیری مجید، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، نشر بین الملل، (ص) ۳۸۲.
۸۱. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ۲ جلد، قم، الهادی، چاپ اول، (ص) ۴۰۵ ق.
۸۲. هندی برهان خوری، علاء الدین علی متقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الاحوال،



تحقیق: شیخ بکری حیانی و شیخ صفوة السقاء، مؤسسه الرساله، بیروت، (ص) ۴۰۹ق/ (ص) ۹۸۹م.
۸۳. هیثمی، نور الدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیة،
(ص) ۴۰۸ق/ (ص) ۹۹۸م.
۸۴. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر بن وهب بن واضح، تاریخ الیعقوبی، قم، مؤسسه نشر فرهنگ
اهل بیت علیهم السلام، بی تا.

منشورات مؤسسه رویش مهدوی

- * بی کران معارف، ترجمه رساله حقوق امام سجاد(ع)
- * چلچراغ، ۴۰ قانون طلایی مهارت زندگی در آینه قرآن کریم و روایات
- * بدون دعوت، بایسته‌های تبلیغ در اماکن عمومی
- * رسم دعوت، (ص) ۴ درسنامه تخصصی تبلیغ گروهی
- * رهنامه جهادی، ۸ رهنامه ویژه اردوهای گروهی تبلیغی و جهادی
- * کتاب سنگر، مجموعه ۴ جلدی شامل جریان شناسی حق و باطل، مدیریت جهادی (پیرامون روش شناسی مدیریت جبهه حق)، انیس دل (پیرامون شناخت قرآن کریم)، حکایت آفتاب (پیرامون شناخت اولیاء الهی)، بیرق (پیرامون نماد شناسی جریان حق و باطل)
- * حکیم باشید، مجموعه قوانین کلیدی اهل بیت درباره طب و تغذیه اسلامی





























































